بچند یکند و بچند تمام میشود و چند برآن دلالت دو دفعه هر شکل چنداست و اسم هر کس در هر شکل چون باید
و خاصیت هر شکل چیست و شرع در بیان این جمله کنانیم اول بدانکه سه در سه و چون آفتاب بنوزده درجه حمل رسد و زهره
بسه درجه ثور و مقابل درجه کف الخضیب و سمک در طالع و طالع برج منقلب بود و این شکل را بر پاره کرباس نو
نویسد هر کس که با خود دارد او را فتح الرجال پیدا شود و کشایش در کارها پدید آید و محبوس را خلاص دهد و اگر بر قفل بسته
بندند در حال کشاده گردد از تأثیر فلکی و این است شکل او سه در سه و خاصیتها او ایشان خوانند و اسطرلاب کبری
در کهر لیست بدین طریق شرح سه در سه بدانکه چون قمر بسه درجه ثور رسد و آفتاب بنوزده درجه حمل این شکل را

۳	۵	۱
۴	۲	

بر صندوق جامه و خزینه نویسد هر کز هیچ دزد و حرامی بدان واقف نگردد و اگر در شرف آفتاب
یا قمر بر سفال نو نویسد و در زن حامله با خود دارد البته بچه از وی جدا شود بقدرت باری تعالی و اگر
از بهر محبوس نویسد یا از بهر محبی باید که طالع برج منقلب باشد و خداوند بیت ها مقبول و قمر در نهم درجه طالع یا در
یا در یازدهم و آفتاب در دهم طالع باشد و زهره و مشتری بنظر سعادت بر طالع نگرند دلیل کند که در حال خلاص یابد
و اگر ترقی کند بیشتر از سه در سه نباشد البته سحر بر بتی تا در شود چون شکل سه در سه راست یکعدد در خانه از بالا و یک خانه
از زیر ها گذارند از سطر طولی یعنی و خانه میان را بنیاد کنند و یکعدد بنهد و زیر و اعداد از سطر زیرین بر گوشه چپ دو بنهد و سه در
دو بنهد و چهار برج بر گوشه دست چپ بنهد و پنج بمیان از اشکال و شش در زیر پنج بنهد از طرف سطر زیرین و هفت در گوشه
شش بنهد و هشت در بر گوشه دست راست بنهد و نه در زیر دست چپ بنهد بدانکه سه در سه چهار عدد بر میشود
و بیک عدد تمام میشود و در نوع دیگر از هر جانب که شمار ده پانزده عدد است بدلیل آنکه سه در سه مشهور می شود و چون یکی برود
از نه عدد شود چون در همه ضرب کنی پانزده عدد باشد و نقش او این است   و اگر از برای مفارقت دو
دوست نویسد باید که نام ایشان بحساب جمل کبیر جمع کنند و سه در سه بنهند بوقتی که طالع و وقت برج منقلب باشد
و آفتاب در طالع و قمر در هفتم طالع و صاحب طالع در ششم یا در هشتم طالع یا در چهارم و خداوند یا نهم
در مقابله طالع باشد یعنی در هفتم و ساعت زحل یا مریخ باشد این نوشته را بکیرد و در جا بنا نکس
دفن کند یا در رهگذر ایشان یا در جامه خواب یا بالش یا بستر نفتی کند دهم در جا ایشان اندازد
البته از هم جدا شوند چنانکه هرگز نتوانند یکدیگر را دیدن و نام همدیگر نتوانند شنید و اگر مریخ در طالع باشد
یا در مقابله طالع و خداوند طالع ساقط از طالع یا در مقابله طالع این شکل بنویسد بر کرباسی یا بر دکوی که حیض
زنان باشد و در میان قومی که در جا مجمع باشند دفن کنند البته میان تفرقه و جنگ و خصومت در میان ایشان

۴	۳	۸
	۵	۱
۲	۷	۶

پیدا شود و آواره شوند تا بحدی که در جا بدست تا اهلان نیندازند و ان قوم عوام رها هل نگاه دارند

www.telasm.com

www.telasm.com

۸۰ بدانکه نوع چهار در چهار چون آفتاب به نوزده درجه حمل رسد و قمر به درجه ثور یا به درجه جوزا یا در یازده درجه

سرطان این شکل را بنویسد بر انگشتری نقره یا بر اطلس زرد یا بر کاغذ زرد و وقت نوشتن باید که سعدی در طالع بود

و آفتاب در دهم طالع و قمر در یازدهم یا پنجم یا در سیم و زحل و مریخ ساقط از طالع و عطارد نیک حال و زهره و مشتری

از هر دو یکی در طالع بود یا بتثلیث یا بتسدیس طالع بود باخوه نگاه دارد دارنده این شکل در نظر مردمان عزیز و مکرم باشد

و در عز و جاه بیفزاید و دارنده این شکل اگر صد خون ناحق کرده باشد چون بر خصم رسد او را معاف دارد و بروی ببخشد و

هر کار که روی بدان نهد بمقصود بر آید چون آفتاب طلوع میکند دارنده این حاجت که بخواهد در حال روا گردد و هرگز هیچ درد و

بلا مبتلا نگردد و پیوسته با عزت و حرمت باشد و نهادن آن باید که از گوشه دست راست بنیاد کند و یکی را

در اول بنهند و در زیر یکی دو بنهند و در زیر دو سه بنهند و در زیر سه چهار بنهند و پنج را پهلوی چهار بنهند و شش در زیر

دست چپ بنهند و هفت در زیر شش بنهند و هشت در زیر گوشه دست چپ و نه فیل وار و ده در زیر گوشه دست چپ

و یازده پهلوی هشت در زیر طولی که یک خانه بالا رفته باشد و دوازده در زیر دست راست بنهند و سیزده زیر هشت

و چهارده میان یازده و یکی بنهد و پانزده از گوشه دست راست از ضلع زیر از همه بنهد و شانزدهم فیل وار بنهد

تمام شد اکنون بدانکه چهار در چهار شانزده عدد باشد یکی که برابر یکی بهم شود و باشد چون ضرب یکی در تو که بنیمه چهار ب

سی و چهار میشود عدد طولی و عرضی و قطری و فوق بدانکه چهار در چهار هشت عدد تمام میشود و فوق عبو یکصد و سی و

شش است چون خواهد که مخدوم یا محبوب او را عزیز و مکرم دارد باید که نام خود و نام آنکس که خواهد بحساب جمل کبیر

جمع کند و بهر عدد آن بردارد باقی که بماند بچهار قسمت کند اگر کسری در سر برآید باشد اگر یک عدد باشد در شانزده سیزدهم

بیفزاید و اگر دو باشد در نهم و اگر سه باشد در پنجم و چهار بجوز قسمت بپذیرد و در نهادن همان اوتاد که نمودیم نگاه دارد

و اگر خواهد که هر دو یا هر سه در خانه سیزدهم بیفزاید نظم طبیعی نگاه دارد و آن نظم اول بگذارد و شکل چهار در چهار

که منسوب است بشرف آفتاب چون آفتاب به نوزده درجه حمل رسد یا به بیست درجه حوت و قمر در ثور یا در سرطان

یا در اسد یا در جوزا باشد و برج مائده و صاحب طالع در پنجم یا در یازدهم یا در سیزدهم یا در دهم باشد و سعد در طالع

یا صاحب پنجم ناظر یا با صاحب یازدهم از جا مقبول بنظر مودت یا بنظر تسدیس یا بتثلیث و ساعت زهره و مشتری

در چنین وقتی بغایت نیکو است این است

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	.	٩	۶
١٠	٥	٤	١٥

شرح پنج و پنج بنویسد بر حریر یا بر پارچه سبز و اگر اسم مرکب کند بنویسد بمشک و زعفران و چون قمر به درجه شرف رسد در درجه

که دارنده این شکل پیش همه خلایق عزیز و مکرم باشد و پیش زنان و اهل حسن او را عزت

و حرمتی پیدا گردد چنانچه وصف او نتوان کردن و اگر در چنین وقتی که نمودیم نام خود و نام محبوب خود بحساب جمل کبیر جمع کند

www.telasm.com

www.telasm.com

وشصت عدد از یک طرح کند و باقی را به پنج قسمت کند و پنج بنهد داند این نزد آن محبوب بغایت عزیز گردد و بر حاجت که
بخواهد روا کند و یک لحظه از وی نشکیبد بتاثیر زهره و این شکل سطربان را بغایت موافق افتد و قاعده عدد نهادن پنج
در پنج اگر چهار در سر هم باشد یکی در خانه ششم بنهد و بلندی وی بنهد که راست آید و اگر سه عدد بر سری باشد در خانه
یازدهم و اگر دو بود شانزدهم و اگر یک بود در بیست یکم بنهند تا راست آید و چون ابتدا نا بند در خانه از بالا و در خانه
از دیگر رها کند و خانه میانین را مبدء نموده یک عدد بنهند و در دیگری دو بنهند و سه را در گوشه دست چپ بنهند
و چهار را بپهلوی سه بنهند و پنج را در پهلوی بنهد یک خانه بالا و شش را زیر عدد یک بنهند و هفت بر سر شش بنهند و هشت
بپهلوی پنج بنهند و نه را بپهلوی یکی بنهند و ده را زیر سه بنهند و یازده را زیر پنج بنهند و دوازده را پهلوی یازده
از طرف دست چپ بنهد و سیزده پایین یازده بنهند و چهارده را پایین نه بنهند و پانزده را میان چهارده و ده بنهند
و شانزده پایین هشت بنهد و هفده را پایین دوازده بنهند و هیجده را زیر چهارده بنهند از سطر زیرین و نوزده را در پهلوی
هیجده در گوشه زیرین و بیست را بالای اول بنهند و بیست یکم را مقابل پنج بنهند در سطر زیرین و بیست دوم را مقابل چهار
بنهند در سطر بالا و بیست سیم را در قطر سه بنهند و بیست و چهار مقابل دو بنهند و بیست و پنج را مقابل یک بنهند تمام
اکنون آمدیم بشرح وفق بدانکه پنج در پنج بیست و پنج عدد باشد یکی که عدد طبیعی است بر سری بر بیست و شش شود چون
در دو نیم کنی نصف سیزده است ضرب کنیم شصت و پنج است و از عرض طولی و قطرها بی دو نوده تمام شد شرح نهادن پنج
در پنج بدین شکل نهند چون شرف زهره باشد

۳	۲۰	۷	۲۴	۱۱
۱۶	۸	۲۵	۱۲	۴
۹	۲۱	۱۳	۵	۱۷
۲۲	۱۴	۱	۱۸	۱۰
	۲	۱۹	۶	۲۳

هذا شرح شش در شش در شرف زحل باید کشید
چون زحل بر بیست و یک درجه میزان رسد
این شکل بر خشتی کشند از گل گور کهنه که و دراو

۷	۲۲	۵	۸	۲۳
۶	۱۲	۱۱	۱۶	۲۰
	۱۷	۱۳	۹	۱
۲۴	۱۰	۱۵	۱۴	۲
۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹

نباشد برنگ سیاه و طالع وقت باید که زحل در یا نزدهم و پنجم یا وسط السماء باشد یا در دهم بود و سعد از سعدین
در طالع وقت بود و عطارد ساقط از طالع و مریخ هم ساقط و آفتاب و قمر بنظر مقبول از تسدیس بهم بنگرند این شکل
بکشند و هم در این طالع که گفتیم باید که صاحب چهارم جا مقبول یا سعد در چهارم طالع بود آنگاه این خشت را در اول بنیاد
عمارت بنهد هم بر آن طالع که نمودیم و هر عمارت که خواهد بر سر وی بکند که سالها بسیار این عمارت خراب نگردد بتاثیر شرف
زحل و طالع و سعت اعداد وفق اگر این خشت که گفتیم یکی بر سر گنج و دفینه گذارند سالها دراز آن گنج نهان ماند
و اگر جمله بنی آدم طالب آن گنج و دفینه باشند پیدا نتوانند کرد مگر همان کس که نهاده باشد و اگر در همین وقت که
نمودیم این شکل بر کرباس سفید کشند برنگ سیاه که با خود دارد قوت بیفزاید و بار ها سنگین تواند داشت بکوفتن بگیرند

www.telasm.com

www.telasm.com

۸۲ مردم متعجب شوند و اگر از دست خصم بگریزد هیچ کس وی را باید نتواند کرد بهیچ نوع اکنون آمدیم بشرح نهادن که چون بنیاد کند

اول عمل باید که ابتدا از سطر آخرین همه بکند یکی در خانهٔ زیرین همه بنهد از دست راست و در خانهٔ دوم و دو را بر سطر

بالا فرد وار طولی بنهد و سه بسطر زیر آید هم فرد وار طولی و چهار فرد وار بگوشه دست چپ از بالا بنهد و پنج بخانه اول

و شش در گوشه سطر اول برآید پنج و هفت در سطر کناره است فرد وار بنهد و هشت بر سر هفت و نه فرد زیر چهار بنهد و ده

زیر شش بنهد آنکه چهار در چهار جا ماند و جفت شش در شش عبارت تمام کند اما باید که از برای چهار در چهار یکی بنهد و این ده عدد

که در زیر شش نهاده بر سر هم برد تا چهار در چهار پر شود دیگر بار بر سر میزان آید و مقابل میزان ده بیست و هفت بنهد و مقابل

نه بیست و هشت و مقابل هشت بیست و نه و مقابل هفت سی بنهد و مقابل پنج سی و یک و مقابل شش سی و دو و مقابل

چهار سی و سه و مقابل سه سی و چهار و مقابل دو سی و پنج و مقابل یکی سی و شش بنهد یعنی شش در شش سی و شش لوح

و میزان ده عدد است و دو نوع صد و یازده عدد بود از طول و عرض و قطر همین صد و یازده در نوع میدهد و تعلق

بنعل دارد و شکل این است که تعلق شده

خ	۲۸	۳۴	۲		۵
۱۰	۱۸	۲۱	۲۰	۱۱	۲۷
۲۹	۲۳	۱۲	۱۷	۲۲	۸
۳۰	۱۳	۲۶	۱۹	۱۶	۷
۴	۳۶	۱۵	۱۴	۲۵	۳۳
۳۲	۹	۳	۳۵	۱	۳۱

شرح لوح هفت در هفت این شکل تعلق بعطارد دارد چون عطارد به یازده درجه سنبله رسد و زحل و مریخ ساقط و عطارد طالع شود یا در دهم یا در یازدهم و سعدی در طالع و آفتاب ناظر و مقبول و قمر زاید النور باشد بنظر تثلیث و تسدیس

طالع بود و زهره یا مشتری ناظر طالع بوده باشند یا در طالع مستقیم باشند و از احتراق و هبوط و وبال دور باشند

این شکل را بکشد بمشک و زعفران و گلاب و ... دارنده این شکل پیش اکابر و صدور و اشراف و حکام بغایت عزیز و مکرم

باشد و او را باعتبار و ستوده دارند و ... آسان برآید و ... و هر که زبان ... آموختن همه علوم

بروی آسان گردد و در نطق و فصاحت بروی گشاید و در بحث علم ... برابر کند و شرح نهادن ... باید

که سه از بالا و سه از زیر بگذارد و در خانه میانه از جانب یمین یکی بنهد و دو زیر او و سه زیر دو و چهار با گوشه

زیرین دست چپ بنهد و پنج در پهلوی چهار و شش پهلوی پنج بنهد و هفت فرد طولی بالای همه سطر بنهد و هشت فرد

هم از جانب چپ که فرد اول باشد و نه را بالای او و ده را بالای نه و یازده پهلوی هفت بنهد و دوازده پهلوی

او اکنون بدانکه این دوازده میزان هفت در هفت است در جفت پنج در پنج بماند بقاعده آنکه در پنج در پنج یکی بنهد

این دوازده بر سر هم برد و سیزده بنهد و آنجا که ده بنهد میزان بر سر هم برد چهارده بنهد ... پنج در پنج تمام کند

یا مقابل میزان آید و در برابر دوازده سی و هشت بنهد و در برابر یازده سی و نه و در برابر ده چهل بنهد و در مقابل نه

چهل و یک و در برابر هشت چهل و دو و در برابر هفت چهل و سه بنهد و در مقابل شش چهل و چهار و در برابر پنج چهل و پنج و در مقابل

www.telasm.com

www.telasm.com

چهار چهل و شش و دو برابر سه چهل و هفت و دو برابر دو چهل و هشت و دو برابر یکی چهل و نه بنهد و باید که هشت در هشت

چهل و نه باشد و میزان دوازده است و وفق و عشا عدد چون یکی که اصل عدد است بر چهل و نه بر پنجاه کرده و در نصف

هفت که سه و نیم است ضرب کنی صد و هفتاد و پنج باشد از عرض و طول و قطرها این وفق بدید و نظار که ناعزیز

دارند و این مسئلها عزیز و عجب است که بسیاری تمام تجربه یافته اند و در هیچ کتاب این مسئلها نباشد و شکل لوح هفت

در هفت این است که تعلیم شده است

شرح شکل هفت در هفت

١٠	٤٥	٤٤	٧	١١	١٢	٤٦
٩	١٩	٣٤	١٧	٢٠	٣٥	٤١
٨	١٨	٢٤	٢٣	٢٨	٣٢	٤٢
	٣٧	٢٩	٢٥	٢١	١٣	١
٤٨	٣٦	٢٢	٢٧	٢٦	١٤	٢
٤٧	١٥	١٦	٣٣	٣٠	٣١	٣
٤	٥	٦	٤٣	٣٩	٣٨	٤٤

بدانکه این شکل تعلق بمشتری دارد و چون مشتری به پانزده درجه

سرطان برسد و زحل و مریخ از وی ساقط باشد و آفتاب در حمل

یا در ثور یا در عقرب بود و قمر و زحل یا در ثور یا در اسد

یا در سنبله یا در حوت و زهره در عقرب و مشتری عطارد یا جدی شرف

و طالع وقت هم برج سرطان بر پانزده درجه این شکل را بر قرص

نان بنویسد بگلاب و نشاسته یا مثلث و زعفران و بهر که بخورد که آن بخورد در حال اثر محبت عدو وی پیدا شود و اگر آن بخورد

نان نتواند خوردن بگلاب و نشاسته بنویسد و بر بادام کشد که او کاغذ باشد و بادام بر وی دهد هیبت و عزت کند

که محبت یابد اگر چه بدر حد مرگ رسیده باشد و اگر اسب و هر حیوانی که باشد از پریدن و دویدن چون رنجور بود این شکل

بدین وقت و طالع که گفتیم بر کشد بر کاغذ و بر گردن وی بندد البته صحت یابد و اگر چه نعوذ بالله جذام باشد و دارنده

این شکل هرگز هیچ درد و رنج گرفتار نشود و پیوسته با صحت و عزت کار وی بسلامت گذرد و عبادت دوست دارد والله

اکنون آمدیم بشرح نهادن آن باید که چهار قسمت کند یعنی چهار در چهار باشد آنگه چهار در چهار او بعبارت گفته کند تا

هشت بنهد و با نبهاد دو چهار آید تا سه و دو بنهد و اگر قبل وارسی و دو سه و سه بنهد و قبل وارد و یک سی و چهار بنهد

و قبل آدیکم و شصت و چهار باشد و بشصت و پنجم تمام باشد و این شکل قیمت پذیر نیست و صاحب بیان ندارد و وفق

وی دویست و شصت باشد یعنی شصت و پنج دو چهار ضرب کنیم و از عرض و قطر و طول ها این دو وفق پدید آید و این شکل

مشتری است و بغایت صالح باشد شکل این است

شرح شکل هشت در هشت

٥٢	١٥	٥٤	٩	٦٠	٧	٦٢	١
٥٣	١٠	٥١	١٦	٦١	٢	٥٩	٨
١١	٥٠	١٣	٥	٣		٥	٥٨
١٤	٤٩	١٢	٥٥	٦	٥٧	٤	٦٣
٣٦	٣١	٣٨	٢٥	٤٤	٢٣	٤٦	١٧
٣٧	٢٦	٣٥	٤٢	٤٥	١٨	٤٣	٢٤
٣٢	٤٠	٢٩	٣٤	١٩	٤٩	٢١	٤٢
٣٠	٢٣	٢٩	٣٩	٢٢	٤١	٢٠	٤٧

این شکل تعلق بمریخ دارد و چون مریخ بر بیست و هشت درجه جدی رسد

هم بطالع جدی و زحل ساقط نباشد و باید که در برج عقرب بود یا در دلو یا در

ثور یا در سنبله و قمر در ثور یا در میزان یا در عقرب یا در حوت بود و زهره

و مشتری از تسدیس و تثلیث ناظر و آفتاب در جای مقبول و عطارد دور از آفتاب

www.telasm.com

www.telasm.com

٨٤ یا جا مقبول و مستقیم بعد این شکل بر تخته از فولاد برکشد یا بر آهن یا بر کاغذ سرخ یا بر کاغذ برنگ شنجرف برکشد چنانکه
مریخ بدرجه طالع برج حمل باشد دارنده این در جنگ و مصاف و خصم مظفر و منصور گردد و البته غالب گردد بر دشمن
و اگر بر سلاح و نیزه بندد بر خصم ظفر یابد و بیشتر اهل سلاح و بزرگان و سپاه دارنده این شکل عزیز باشد اکنون آمدیم
بشرح نهادن نه در نه قسمت کنند و هر قسمی سه در سه آنجا که یکی محو شد سه در سه بنهد و آنجا نه دو محو شد
در سه برکنند هذا برین نوع تمام کند و هر صد قسمت پذیراست و اما حاجت بدان نباشد و نه در نه هشتاد و یک
باشد چون یکی که اصل عدد است بر سر هر یک برج هشتاد و دو شود چون در نیمه ند که چهل و نیم بود ضرب کنیم سیصد و شصت
و نه عدد باشد از هر طرف طول و قطر همین نوع هر دو این شکل را مبارک داشته اند و جهت اهل حرب و گشتی گیران و سواران
نیکو باشد و این شکل را در شرف مریخ کشند

شرح شکل ده در ده

٧٧	١٦	١٥	١٤	٩	٧٤	٧٥	٧٦	١٣
٧٠	٦٢	٢٨	٢٧	٢٣	٦٠	٦١	٢٦	١٢
٧١	٥٧	٥١	٣٦	٣٣	٥٠	٣٥	٢٥	١١
٧٣	٥٨	٤٨	٤٤	٣٩	٤	٣٤	٢٤	١٠
١	١٧	٢٩	٣٧	٤١	٣٥	٥٣	٦٥	
٢	١٨	٣	٤٢	٤٣	٣٨	٥٢	٦٤	٨٠
٣٠	١٩	٤٧	٣٦	٤٩	٣٢	٥٣	٦٣	٨٩
٤	٥٦	٥٤	٥٥	٥٩	٢١	٢١	٢٠	٧٨
٦٩	[illegible]	٦٧	٧٢	٧٣	٨	٧	٦	٥

این شکل تعلق بمشتری دارد چون مشتری بیازده درجه سرطان یا در آخر
برج سنبله یا بیست درجه قوس یا در ده درجه حوت برسد و طالع
وقت همین برج بود که مشتری در وی بیست و زحل و مریخ ساقط و
زهره و آفتاب از تسدیس و تثلیث ناظر و قمر در وسط السماء در جای
عشر این شکل بر اطلس سفید یا حریر یا بر کاغذ یا بر قلعی نقش کند دارنده این را نعمت بسیار حاصل شود و دفینها و میراثها
و مالهای بی رنج بوی رسد و هر جهت بنیاد دولتش نشود و نزد قضاة و حکام و علما بزرگ و عزیز باشد و پیوسته بصحت
و سلامت باشد آمدیم بشرح نهادن باید که هر شکل که قسمت بخش نپذیرد و قسمت کند و بهر طریق که میتوان نهاد بنهد مثل
ده در ده و محو باید کرد ابتدا از سطر آخرین بکند از خانه دوم از گوشه دست راست و یکی آنجا نهد و دو فرس طولی بالا همه
بنهد و سه فرس طولی باز بزیر آید و بنهد و چهار فرس طولی بر بالای همه بنهد و پنج فرس طولی در سطر زیر نهد و همچنین
تا هفت و هشت فرس را بگوشه دست چپ دود و نه و ده بگوشه بالا از دست راست و چپ بنهد و یازده فرس اول
از دست راست بنهد و دوازده فرس عرض هشت بنهد و سیزده در میانه سطر از کناره دست راست بنهد و چهارده
بر سر سیزده بنهد و پانزده فرزین هشت از طرف زیر و شانزده فرس عرض چهارده بنهد و هفده فرس عرض شانزده بنهد
و هیجده فرس عرض هفده بنهد و نوزده در ده میان وی هجده است اکنون هشت و هشت در جوف وی بماند و چهار در چهار
قسم کند و هر قسمی چهار در چهار باشد و بطریقه سه در سه بنهد و از بهر نظر پادشاهان و جدا یافتن از ایشان و نیز
دوازده در دوازده صد و چهل و چهار باشد چون یکی بر سر هر یک برند صد و چهل و پنج باشد در شش ضرب کنیم ششصد و
هفتاد و نه عدد باشد از طول و عرض و قطر و نوع هد ۱۳ در ۱۳ این شکل را در شرف زهره نویسند از بهر محبت ایشان

www.telasm.com

www.telasm.com

وبا نتن مراد از ایشان وبطریقه ۱۱ در ۱۱ باید نهاد و در وفق وی سیزده در سیزده ضرب کنیم صد و شصت و نه باشد
یکی بر وی افزاییم صد و هفتاد شود بر شش و نیم ضرب کنند هزار و صد و پنج عدد باشد ۱۴ در ۱۴ بطریقه اوّل پر کنند
و ثلث دوازده در دوازده بطریق سه در سه و پنج در پنج پر کنند و تمام کنند در شرف آفتاب ۱۶ در ۱۶ بطریق چهار
چهار در چهار پر کنند و تمام کنند ۱۷ در ۱۷ بطریق پانزده در پانزده تمام کنند بطریق سه در سه شش در شش
تمام کنند ۱۹ در ۱۹ بطریق پانزده در پانزده تمام کنند و ۱۸ در ۱۸ بطریق چهارده در چهارده پنج در پنج تمام کنند
۲۱ در ۲۱ بطریق پانزده بنهند ۲۲ در ۲۲ بطریقه اوّل پر کنند و باقی بطریق بیست در بیست بنهند و هر اشکال
فرد است مثل ۲۳ در ۲۳ و ۲۵ در ۲۵ و ۲۷ در ۲۷ و ۲۹ در ۲۹ و ۳۱ در ۳۱ و ۳۳ در ۳۳ و ۳۵
در ۳۵ و ۳۷ در ۳۷ و ۳۹ در ۳۹ و ۴۱ در ۴۱ و ۴۳ در ۴۳ و ۴۵ در ۴۵ و ۴۷ در ۴۷
و ۴۹ در ۴۹ و ۵۱ در ۵۱ و ۵۳ در ۵۳ و ۵۵ در ۵۵ و ۵۷ در ۵۷ و ۵۸ در ۵۸ و ۵۹
در ۵۹ و ۶۱ در ۶۱ و ۶۳ در ۶۳ جمله بطریق پانزده در پانزده یا بطریق هفت در هفت می‌نویسد یعنی از خانه
میانه یکی و مرتبه مرتبه بیرون می‌آید چنانکه مثال نموده‌ایم و ۱۱ در ۱۱ و ۷ در ۷ و ۲۵ در ۲۵ و ۳۵ در ۳۵ و
۴۵ در ۴۵ شرح آن بگوییم اما ۲۵ در ۲۵ بطریق پنج در پنج بنهند و تمام کنند و ۳۵ در ۳۵ بطریق هفت در هفت
و شش در شش تمام کنند و ۴۵ در ۴۵ بطریق نه در نه و پنج در پنج تمام کنند و هر شکل که خواهد در وفق وی بداند
و یک عدد که اصل شمار است بر سر وی برج و اگر در نیمه وی ضرب کنند و آنچه حاصل آید قسمت کنند بعبارت بنهند
که مثلاً چهار در چهار اوّل یکی می‌نهند و هجده بر سر وی برج و نوزده بنهند و آنجا که وی عدد بر سر یکی برد و بیست بنهند
و چون هشت تمام کند باز سر از اصل آید یعنی هجده و هشتاد و سه بنهد و برابر هفده هشتاد و چهار بنهد چنانکه برابر
یک صد باشد و ده در ده هجده میزان و بیست و بصد و یکی تمام می‌شود که ده در ده صد باشد و چون یکی بر سر یکی
برد و در پنج ضرب کنند یا نصد و پنج شود از عرض و طول و قطرها از وفق بدهد و آنچه حکمای بزرگ بر آن متوجه داده‌اند
مثل هرماس و افلاطون و ارسطو و ابوعلی سینا و جماعت حکما تا ده در ده بیش امتحان نکرده‌اند و بیش از این نوشته‌اند
که از سه در سه تا ده در ده قسمت بهفت ستاره کرده‌اند و هر یکی بشرف کوکبی منسوب کرده‌اند و مراد خود از هفت
اقلیم و هفت فلک و هفت طبقه مردم که در عالم گرفته‌اند و هر یکی بر یکی منسوب کرده‌اند و هر یکی دیگری را بزرگ
هفتگانه‌اند و از هفته هر یکی روز و طالع و دوازده برج بر این هفت ستاره منسوب است چنانچه شرح آن اهل نجوم را
معلوم است بدین نسبت زیادت بر اشکال ذکر کرده‌اند از جهت آسانی و در روزگار انوشیروان عادل تا بصد در صد
نهاده‌اند و کتابها و شرحها بسیار نوشته‌اند و جماعتی که در خدمت اسکندر بوده‌اند هم چنین تا بصد و صد می‌نهاده

www.telasm.com

www.telasm.com

۸۶ و بغایت رنج بسیار کشیدند تا آنکه این بشیعه عالم رسید و چون در زمان قدیم لوح صد در صد تمام نموده بودند و بعلم کاویلی بسته بودند و آن علم را بر ابر هیچ لشکری نداشته بودند که فتح نکرده باشند و چون بعد از زمان حضرت رسالت پناه چند مرتبه لشکر عرب با ایران آمد و بجهت آن لوح بی مدتها بازگشتند حضرت شاه مردان و شیر یزدان لوح صد در یک دو صد را بعلم ولایت تمام نموده بر سر علم قرار داده و حضرت امیر المؤمنین حسن را سپهسالار و پیشوای لشکر نامزد نموده چون حضرت با رایات نزول اجلال فرموده و جنگ در میان پادشاه عجم و حضرت واقع شد بیک مرتبه علم کاویلی بدست لشکریان اسلام افتاد و آن را بمدینه آوردند و صحابه حصه نمودند و آن را یکی از حکمای اشراقی در شرف آفتاب نوشته لوح و شرح آن بسیار است چنانچه در کتابها نموده اند این ضعیف در نهادن هر شکلی شرحی بگوید چنانچه در هیچ کتاب نگفته اند اما شرح خواص هر شکل در کتابها گفته اند و معروف است و بطلان خلاف اما این نکتها در هیچ کتاب نباشد مگر کسی که تجربه بدو رنج کار کرده باشد اظهار کند اکنون این باید نشرح اشکال که هر یک را بچند نوع می توان نهاد یا زده در یا زده تعلق بزحل دارد و قصه خاطر آورد و اگر خواهند که بنهند از سطر کناره دست راست ابتدا کنند و پنج خانه بالا و پنج خانه زیر رها کنند و یکی در آنجا بنهند و هم بر آن سطر مرتبه مرتبه بر زیر می آید تا پنج خانه و شش بگردد و نیز از جانب چپ بنهند و میل بجانب یمین نماید و مرتبه مرتبه بنهند تا ده تمام شود و یازده فرد خطی با آن رود و در خانه میان سطر بنهند و دوازده فرد عرضی یکی باشد و مرتبه مرتبه بالا رود تا شانزده تمام شود و هفده بجای دو نوزده و بیست پهلوی یازده بنهند و در سطر بالا و این بیست جمله میزان این لوح است ندد در ندر و چون کسی بعبارت خود بنهند بدین صفت است

۱۰	۸۶	۹۴	۶	۹۶	۴	۹۸	۲		۹
۱۸	۳۴	۶۹	۷۲	۲۷	۲۶	۷۷	۸۰	۱۹	۸۳
۸۴	۷۱	۲۸	۳۳	۷	۷۴	۲۰	۲۵	۷۸	۱۷
۱۶	۲۹	۷۴	۶۷	۳۲	۲۱	۸۲	۷۵	۲۴	۸۵
۸۷	۶۸	۳۱	۳۰	۷۳	۷۶	۲۳	۲۲	۸۱	۱۴
۸۸	۸	۵۰	۵۳	۵۶	۴۲	۶۱	۶۴	۳۵	۱۳
۱۳	۵۵	۲۲	۴۹	۵۴	۶۳	۳۸	۴۱	۶۲	۸۹
۹۰	۳۵	۵۹	۵۱	۴۸	۳۷	۶۰	۵۹	۴۰	۱۱
۸	۵۲	۳۷	۳۶	۵۷	۶۰	۳۹	۳۸	۶۵	۹۳
۹۲	۱۵	۷	۹۵	۵	۹۷	۳	۹۹	۱	۹۱

۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳	۱۱۲	۱۱	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱۱۶
۱۵	۲۳	۹۶	۹۵	۹۴	۲۹	۳۳	۳۵	۳۶	۹۷	۱۰۷
۱۴	۳۲	۴۶	۸۱	۸۰	۴۳	۴۷	۴۹	۵۲	۹۰	۱۰۸
۱۳	۳۱	۴۵	۵۵	۷۰	۵۳	۵۶	۷۱	۷۷	۹۱	۱۰۹
۱۲	۳۰	۴۴	۵۴	۶۰	۵۹	۶۴	۶۸	۷۸	۹۲	۱۱۰
	۱۱	۸۵	۷۳	۶۵	۶۱	۵۷	۴۹	۳۷	۲۱	۱
۱۲۰	۱۰۰	۸۴	۷۲	۵۸	۶۳	۶۲	۵۰	۳۸	۲۲	۲
۱۱۹	۹۹	۸۳	۵۱	۵۲	۶۹	۶۶	۶۷	۳۹	۲۳	۳
۱۱۸	۹۸	۴	۴۱	۴۲	۷۹	۷۵	۷۴	۷۶	۲۴	۴
۱۱	۷	۲۵	۲۶	۲۷	۴۸	۹۳	۸۸	۸۷	۵۹	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱۱	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۶

خواص اگر زنی کم شیر باشد این طلسم را بنویسد بر گردن زن بیاویزد انشاء الله تعالی شیرش بیفزاید صفة طلسم اینست ا صه صه ومعا و معاحه فحه صحه فانفجرت منه اثنتی عشرة عینا اللهم زد لبن فلانه بنت فلانه بمحمد و آله الطاهرین

www.telasm.com

www.telasm.com

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس بی عدد دنیار صانعی را که زمین مطبق منشور الجهات را بر دوش آسمان معلق مبنی السبات استوار آفرید و از نتایج امتزاج ۴ در ۴ عناصر و طبایع از اولاد و نتایج از اکمل اصفیا پدید آورده جهت ارشاد و هدایت حادث بلا شریک اسم بزرگ ابدان و نفس اسلام در اقالیم ربع مسکون منتشر گردانید و درود نامعدود بر مقدس مهد والبنا و روضه منور مثمن الارکان نقطه دایره وجود صاحب مقام محمود شافع ۱۰۰۰ ادر ۱۰۰۰ عاصی مرد و محمد المبعوث علی کل الوجود صلی الله باحاء الحجاب الغائم و بر اهل بیت طهر شس پیما نمسی آل عبا و اصحابه الکرام خصوصا المبشر جنة الماوی رضوان الله علیهم اجمعین اما بعد چنین گوید کاتب این رقم حسن المشتهر بمیرکا تب احسن الله احواله و نور بحقایق معرفته بالله که چون بمقتضی کلام نبوی علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات علم الاعداد اجل العلوم بعینه نظر در عنفوان شباب مصروف شد در این علم مطالعه کتب علما نموده گشت از جانب جمیع علما که بتجربه معلوم کرده باشد از خواص عجیب و وفق اعداد و وضع آن چنانچه مستحق اهل وقوف باشد و نتایج غریبه از آن بظهور رسید در حین تحریر بیاورد بحکم المامور معذور اکابر اعراض انکار که منقوش لوح ضمیر بود مرقوم جمله تحریر گردانید المسمی بجامع الخاتم فی الاعداد و من الله التوفیق و الیه المآب

باب اول در خواص ۳ در ۳ که این عدد را مثلث می خوانند بدانکه اعداد تا بشمار آدم نرسد مستعد قبول اعتدال و فیض نشود و صحیح بدانکه صحیح هر عددی را کمالیست و عدد کمال ۴۵۹ است و منقول است و بعضی این ابیات را بحضرت صادق ع نسبت کنند من و بعضی از امیرالمؤمنین ع از یک تا ۹ چون بشمار آورده باشد مناسب بعدد آدم و نیز در خواص ۳ و ۳ نموده اند و ترتیب ابطح جهد حروف و فق العدد دقیق تا فعه لعسر حمل الولد و یرجع الابق فی ساعة اللیله و امام محمد غزالی مخبر باید در خواص ۳ در ۳ وضع نموده اند بزرگان نقش کار اعداد آن بر مرز نجا هم همی نوشت عجیب غریب بسال دو و لحتران جمع نقش مهین کعب بکر ای یکو سرشت میعاد وضع حمل و باران و خدای عرش باران مصطفی و طلاق و در نجست و از خواجه نصیر الدین منقول است که حروف نه گانه که ترتیب آحاد است بر عدد موحی ۱۲ مرتبه بود در بطلان سحر مجرب است اما جهت وضع حمل این شکل را بر سفال آب نرسیده کشند بر وصله و یکی بران پای راست بندند و یکی بران پا چپ و یکی بر پشت در ساعت از بیخ خلاص شود و چون روز دوشنبه ساعت قمر این شکل بنگارند و بمحبوب دهند تا در شب یکشنبه دفن کنند از بند ... این شکل چون بر نام کوکب بنویسند و نام در برابر عدد بنویسند و در محل خلاگاه او دفن کنند و سنگ گران بر بالای آن نهند متحیر شود و باز گردد و اگر بر وصله کاغذ کشند و در کوزه آب نرسیده نهند و در چهار گوشه کشت زار دفن کنند ملخ در آن کشت زار راه نیابد و جهت باطل السحر این شکل را بنگارند و آیة الکرسی را بحروف مقطعه در حوالی آن بنویسند و بآب حل کنند و بآن آب غسل را بنوشد سحر باطل شود و اگر کسی را بسته باشند بر زن بهیچ صورت بعمل آورند که مجرب است و چون قمر در نحس باشد و با کواکب

ب	ز	و
ط	ه	ا
د	ج	ح

آدم
۴۵

www.telasm.com

www.telasm.com

 سعد بنظر سعود بود بر پوست آهو بنویسند حاصل قادر کردد و بر حرکت وا از راه رفتن باز ماند و ملول نشود و چون قمر

در سرطان باشد و ناظر سعود در نقره خالص بنگارند حامل آن ممنون باشد بر جمله حرکات و غالب کردد بر دشمن و چون

بروز زهره و ساعت زهره بنگارند حامل آن هرکس که سخن کوید مطیع او کردد و اکر در روز زهره و ساعت قمر بنگارند و زن را با خود

دارند از جمیع مکاره و خوف ایمن باشند و چون اجتماع نیرین باشد بنویس بهر حاجت که متوجه شود روا کردد و اکر قمر ناظر شمس

باشد بتسدیس یا بتثلیث بنگارند حامل آن را جاه و حشمت بیفزاید و اکر بطالع اسد بنویسد و از آن نقشها سازد با علم کبریت

و بخور مثلث و زعفران کند تاثیری بغایت دهد و اکر قمر بتربیع یا مقابله مریخ بود با هم مخصین بنویسند در میان ایشان

تفرقه افتد و حکما گفته اند که این شکل را بسیار با خود داشتن خوب نیست که پریشانی آورد ۳ در ۳ عداوت انگیزد و جادو

در جادو باهم آمیزد و چون قمر ناظر زهره یا مشتری باشد بنظر سعد جهت محبت بنگارند که اثر عظیم دهد جهت فتوحات هم

بدین نظرات نویسند و شرط نوشتن بجا آرند و بخور بسوزانند و عزیمت بخوانند که مقصودات کلی و جزوی حاصل شود مثال

۳ در ۳ این است که مسوده شد در وقت عمل باید مثلثها مذکور را در شب شکل مربع نوشت که طول و عرض آنها مساوی باشد

٦	١	٨
٧	٥	٣
٢		٤

٢	٧	٦
	٥	١
٤	٣	٨

فصل بدانکه ابتدا باین شکل بصورت نظم طبیعی از جهة فتوحات ابتدا از خانه ۲ و بجهة محبت ابتدا از ۴ و بجهة خروج ابتدا از ۶ و بجهة تفریق ابتدا از ۸ و هر یک شکل را

٦	٧	٢
١	٥	
٨	٣	٤

٢		٤
٧	٥	٣
٦	١	٨

اثری موکل است و در این شکل بسیار غرایبات هست از قهر و تسلیط و تملیک و تخریب و قلع و تمریض و تفریق لا حول و لا قوة الا بالله فصل

بدانکه طریق یونانیان هرگاه خواهند که از جهت بغض و تمریض و فتوحات و هر عمل که کنند طریق ایشان آن است که پنج اسم

از این استخراج می‌کنند و عزیمت بخوانند و مقصود حاصل کنند بدین طریق که اول پنج کبرند و ۶ ۳ عدد برا اضافه

بر ۶ ۳ و بحروف برند و کویند شبدائیل ۲ نهایت عدد که ۹ است اضافه بر ۶ ۳ کنند و کویند شحائیل ۳ عدد

عدل که آن پانزده است بر ۶ ۳ کنند و کویند که شیطائیل ۴ عدد ضلع که آن پانزده است بر ۶ ۳ اضافه کنند

و کویند شکدائیل پنج عدد جمله وفق است بر ۶ ۳ اضافه کنند و نطق دهند و کویند بعد از آن عزیمت ساخته قرائت نمایند

که اقسمت علیکم و عزمت علیکم بحق ربنا الکم یا شبدائیل و یا شحائیل و یا شیطائیل و یا شکدائیل و یا شسدائیل

افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة الساعة فصل در دانستن طریق حکماء فرس و اصطلاح این قوم چنان است

که ۳ در ۳ یا مضمر است یا مظهر و مظهر آن آن است که اسم طالب و مطلوب بکیرند و آیه بحسب و این وفق بنگارند مثال طالب محمد

۹۲ مطلوب مجموع ۹۸ و اسم ودود ۲ این جمله ۲۱۰ باشد ۱۲ طرح کردیم الباقی ۱۹۸ ماند بر سه قسمت کردیم هر قسمی ۶۶ و دو قسم را

[illegible]

www.telasm.com

www.telasm.com

طرح و بیت تسم را در ٣٠ و در ٣ در آوردیم بصورت نظم اسبعی تمام کردیم و اگر کسر واقع شود در این شکل راست نیاید و حفظ
کسر قبول کند مثلث هندلست در خواص چند یکی در این شکل نموده میشود اول حبّت

٧٦	٧٢	٧١
٧	٧	٦٦
٦٩	٦٩	٧٣

کسی مبتلای دل باشد و خواهد که دلش سرد باشد عدد سوره والعصر بگیرد و عدد اسم
آن دو کس بگیرد و در مثلث ثبت کند ٢٤٧ و در کوزهٔ نوی که آب ندیده باشد و آب از آن نخورده باشند بگذارد
و آب از آن با خود و الله نعم دل او را از آن شخص یاد کرد اند و سرد کند و اگر خواهد که کسی از مرتبه بیندازد عدد وما مصیبت
از مصیبت و عدد آن ظالم در وفق ثبت کند و در گورستان دفن کند از آن مرتبه بیفتد و آنچه بعد از اسم آنکس خواهد
و اگر خواهد که ظالم را بجز کند عدد فقلع مرض بگیرد و اسم آن ظالم را داخل بر وفق ثبت کند و بعد از این حمله بخواند
و در کنار راه او دفن کند یا در گورستان که آنکس تا توبه نکند به نشود و اگر خواهد که کسی از عشق دلش سرد شود بگیرد
عدد آیه یا نار کونی برداً و عدد اسم آنکس در وفق ثبت کند و در کنار آب روان دفن کند دلش تسکین یابد و سوره تبت یدا
سداء الحطب یعنی خوانده و اگر خواهد که کسی را مطیع خود کرد اند عدد لو انفقت تا حکیم بگیرد و با اسم آن شخص در مثلث ثبت کند
و از باد بیاویزد آنکس مطیع او شود و اگر خواهد که کسی را زبان بندد عدد صم بکم عمی فهم لا یعقلون و عدد اسم آن شخص در این
شکل ثبت و در شبیب سنگ کرده نهد که آن کسرا زبان بسته شود و بهر باب از این اعمال نظیر است که اکثر بخور لیحوزاید و
مزید بخواند که مجرّبست فصل در طریقه حکما و مغرب و بحث ایشان در مفردات و موهبات و در مزومات خواص اسما
ذکر رود اند مثل کشایش و رفت در رزق و تسخیرات و در مفردات قهر و تسلیط حمی و تبعض و آواره کن و قبض و هرچه که خواهند
و هر عملی که کنند از قرآن مجید آیتی که مناسب باشد در حال و خواص آن وفق نویسند بدین مثال اذا زلزلت الارض زلزالها
و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها یومئذ تحدث اخبارها بان ربک اوحی لها یومئذ یصدر الناس اشتاتا
اشتاتا اشتاتا تفرقوا ارتحالا وانفروا خفافا وثقالا باسکم بینکم شدید و خرجا بکم ماذا دمکم الا خبالا بغضب قلب فلان
بن فلان علی فلان بن فلان الساعة الساعة تا کار بنیعلا کند رسید برای عمل و دفع هر حریف مشغول شود تا مضرت
نیابد و وفق برین مثال و دیگر جماعتی از اهل مغرب از این غرضانه و اسم استخراج کرده اند و عمل آن کنند بدین مثال
اول ططهیال دوم بطططمیسال سیم حططهسال چهارم وططهسال پنجم هطططهیال ششم وطهیال
هفتم زططهیال هشتم حططهیال نهم ططططهال بدین صورت و قسم مید هند بدین طریق که اقسمت علیکم یا اطططال
تا آخر بحق الحق بحق خالق الخلق بان تفعلوا کذا کذا فصل در طریقه مظهر و وفقا کتابه و آنچنان است که از مجموع عدد
ثلث بیرون آورد و در خانه قطب نهد و باقی عدد در طول مربع قسمت کند برای جمع این عدد ٢٧٩ ثلثش ٩٣ باشد
بیرون کردیم و در قطب نهادیم و باقی عدد را قسمت کردیم بدین مثال شد

عباد	لطیف	الله
٧٥	٩٣	
١٢٠	٥٧	١٠٣

الله	الا	لا اله
مبدی	دائم	[illegible]
جلی	حکیم	[illegible]

www.telasm.com

www.telasm.com

دوم

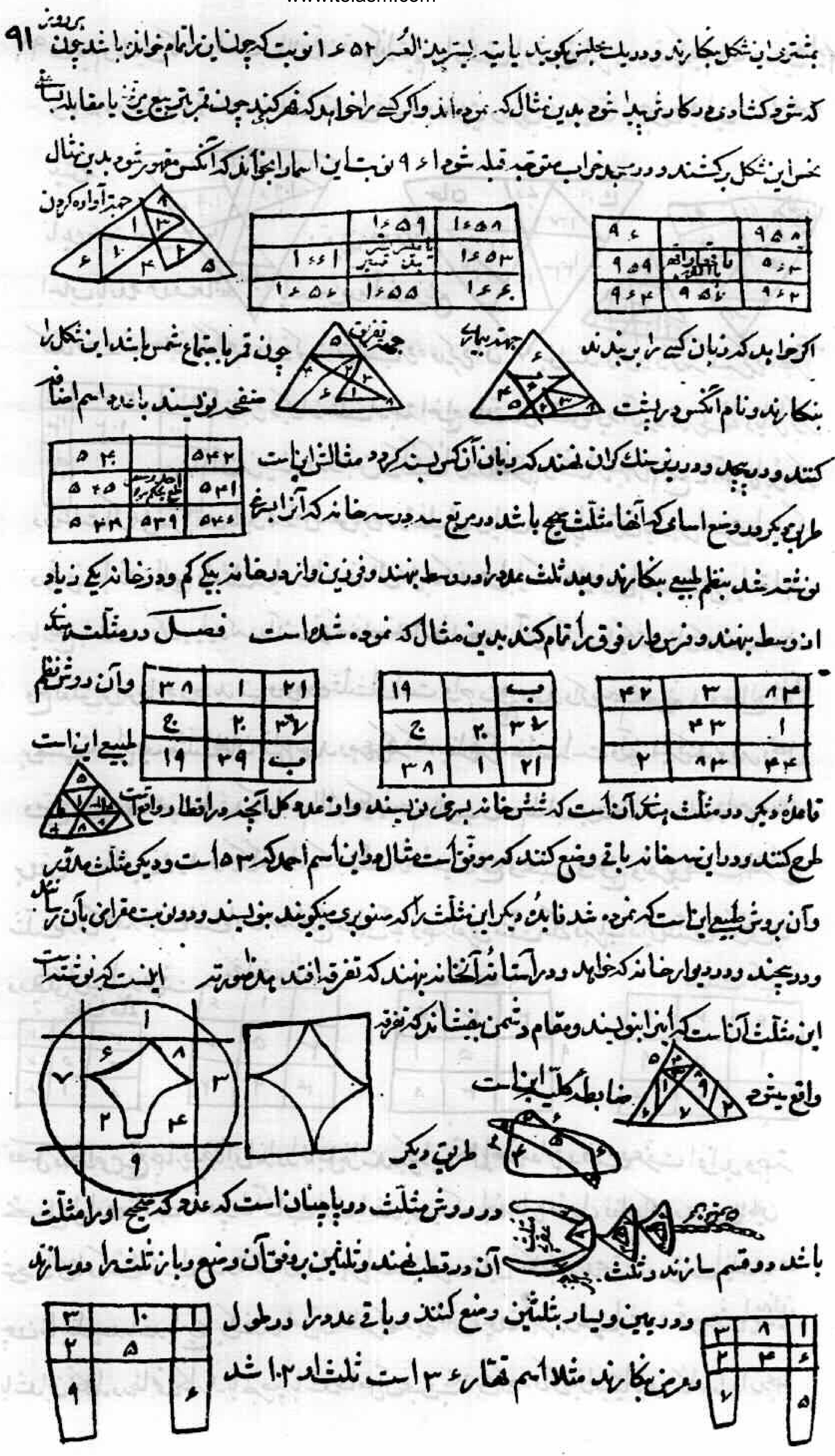
۹۰ فصل در طریقه حکمای بابل و یانان فرموده اند که چهار ملک ملازم این شکل اند اول مالیس با بعضیون و فوات نگشته اند
ابتدا کنند ۹ نوبت این اسم بخوانند و در چهار خانه این اسم بنویسند دوم با مستعیها چون شکل دوم بکار
این در هفت خانه ۴ بنویسند ۹ نوبت سیم یا کشفتوتا و چون شکل سیم بکار برند این اسم در خانه ۶ بنویسند و نه نوبت
خوانند و چهارم مطبسلیجواه چون شکل چهارم بکار برند این اسم را در هشت خانه ۸ بکار برند ۹ نوبت خوانند و بخور آت
بسوزانند و اسماء خوانند که البته مقصود حاصل شود فصل در اصطلاح اهل بابل و یونان ایشان میفرمایند که چون خواهند
که این شکل بکار برند ابتدا بعدد یک کنند و یک نوبت بگویند آه آه و چون عدد ۲ بکار برند دو نوبت بگویند بعطوبال
و چون عدد ۳ المند ۳ نوبت بگویند جلشی و چون ۴ نویسند چهار نوبت بگویند دمیال و چون ۵ بکار برند ۵ نوبت
بگویند هطلمیشو و چون ۶ نویسند ۶ نوبت بگویند و کوهم و چون ۷ نویسند ۷ نوبت بگویند زنفطا و چون ۸ نویسند
۸ نوبت بخوانند هلالید و چون خانه ۹ نویسند ۹ نوبت بگویند طمیال این اسما و این عزیمت پس عزایم اعمال در دوست
و در جمیع اعمال مثلث این عزیمت باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم بَرْهِيَةٍ بَرْهِيَةٍ كَرِيرٍ كَرِيرٍ اَبرشان تَنْلِيَةٍ طُوران
مَرْجَلٍ مَرْجَلٍ تَرْجَلٍ تَرْقَبٍ تَرْهَشٍ تَلْمَشٍ خُوطيرٍ قَلْتَهُوَرٍ آبَرْشَانٍ كَظْهِيرٍ مُوشَغٍ مَلُوشَلَخٍ بَرْهَبُولا
نَشْكِلِيخٍ كَرَمَزٍ لَغَنْلِيطٍ تَبْرَاطٍ تَخْطِيرٍ غَيَّا هَا كَبَدَ هُولا شَمخَا ميرشَا خيرشَهَا هيرِ بحق العهد المأخوذ عليكم
والانقياد فيما امركم به وبعزة العزيز في عزة عزة وبطشه وشدة قهره واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الايمان
بعد توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا ان تحضروا وتفعلوا كذا وكذا بحق الله الذي ليس كمثله وهو السميع البصير وبحق بدوح
اَجْهَرْطٍ بَعْلَدٍ ذَهَجٍ وَاحٍ وبحق قسم اول آل و آخر آل ذو الجلال والاکرام وبحق الله لا اله الا هو الحی القیوم فافعلوا
ما تؤمرون بارك الله بكم وعليكم اجابتم ما وصف عليكم انصرفوا بحق من خشيتم من اجله بلا ضرر ولا اضرار بارك الله فيكم و
عليكم و بعد از آن قل هو الله و آیة الکرسی و معوذتین بخوانند و بخور دهند تا از ضرر ایمن کردند دیگر از جمله خواص
این شکل آن است که اگر چیز را دزد برده باشد و ظاهر نشود بنویسند این شکل را بر بیضه و نام سارق یا ذاهب یا آبق
و در تنور یا مطبخ چون بخار آتش به بیضه رسد آن دزد یا آن گریخته متغیر شود و باز گردد بامر الله تعالی و چون دفن کنند
بگوید اللهم اجعل جمعا بین فلان و فلان بدین مثال بنویسد فصل در طریقه حکمای مصر و اعمال ایشان بدین مثال که
که عدد اسم هر چیز که خواهند از خیر و شر و مطلوبی که دارند در مطلب شکل نویسند و بعد و اسم مشغول شوند و مقصود خود
حاصل کنند مثال یا مفتح فتح با الخیر در وسط نویسند و وفق تمام کنند و این اسما را بعدد وفق بخوانند که مراد حاصل شود
بدین مثال نموده شد این شکل

۱۸۲۳	۱۸۲۶	۱۸۲۱
۱۸۲۸	یا مفتح فتح احمد حرب	۱۸۲۲
۱۸۲۹	۱۸۲۴	

و اگر کسی را خواهد که قهر کند چون قمر در مریخ باشد یا مقابل باشد بساعت نحس این شکل بر کشند و در مسجد خراب بنهد و چون قمر در سرطان باشد ناظر

www.telasm.com

www.telasm.com



بمشتری این شکل بنگارند و در دیلت خلیس بگویند یا ... العمر ۵۲ ءا نوبت که چنان این را تمام خواند باشد چون

که شود کشاده و کار در شود بدین مثال که نموده اند و اگر کسی را خواهد که قهر کند چون قمر تربیع زحل یا مقابله باشد

نحس این شکل برکشند و در بستر خواب متوجه قبله شود ۹ نوبت این اسما را بخواند که آنکس مقهور شود بدین مثال

۱۰۵۹	۱۰۵۹ ءا	
۱۰۵۳	یا ...	۱۰۰۱
۱۰۶۰	۱۰۵۵	۱۰۵۰

۹۵۸		۹۰
۹۰۳	یا ...	۹۵۹
۹۶۲	۹۵۰	۹۶۴

اگر خواهد که زبان کسی را ببندند چون قمر با اجتماع شمس باشد این شکل را

بنگارند و نام آنکس در رایت ... اسم اضافه

کنند و در پیچند و در بن خنک کرانی بنهند که زبان آنکس بسته گردد مثال این است

۵۴۲		۵۴۰
۵۴۱	...	۵۴۰
۵۴۰	۵۳۹	۵۴۴

طریق دیگر و در وضع اسمائی که آنها مثلث صحیح باشد و در مربع سه در سه خانه که آن ابدح

نوشته شد بنظم طبیعی بنگارند و بعد ثلث عدد را در وسط بنهند و فوقین وا زدو خانه یکی کم و در خانه یکی زیاد

از وسط بنهند و در سطر فوق را تمام کنند بدین مثال که نموده شده است فصل در مثلث و آن در نظم

طبیعی این است

۲۱	۱	۳۸
۳۶	۲۰	ج
ب	۳۹	۱۹

ب		۱۹
۳۴	۲۰	ج
۲۱	۱	۳۸

۴۳	۳	۴۲
۱	۴۳	
۴۴	۴۳	۲

قاعده دیگر در مثلث آن است که شش خانه ببرین بنویسند و از عدد کل آنچه در انطار واقع آید

طرح کنند و در این سه خانه باقی وضع کنند که موفق است مثال او این اسم احمد که ۵۳ است و دیگر مثلث ...

و آن بر وش طبیعی این است که نموده شد فایده دیگر این مثلث را که صنوبری میگویند بنویسند و در نوبت عزائم با آن را

در پیچند و در دیوار خانه که خواهد و در آستانه آن خانه بنهند که تفرقه افتد ... اینست که بنوشته

این مثلث آن است که ابجد بنویسند و مقام دشمن بنشانند که تفرقه

واقع میشود ضابطه کلی این است

طریق دیگر

و در وش مثلث و دو پایه آن است که عدد که صحیح او را مثلث

باشد و دو قسم سازند و ثلث آن در قطب بنهند و ثلثین بر وفق آن وضع و باز ثلث را دو سازند

و در یمین و یسار بثلثین وضع کنند و باقی عدد را در طول

و عرض بنگارند مثلاً اسم قهار ۳۰۶ است ثلث او ۱۰۲ شد

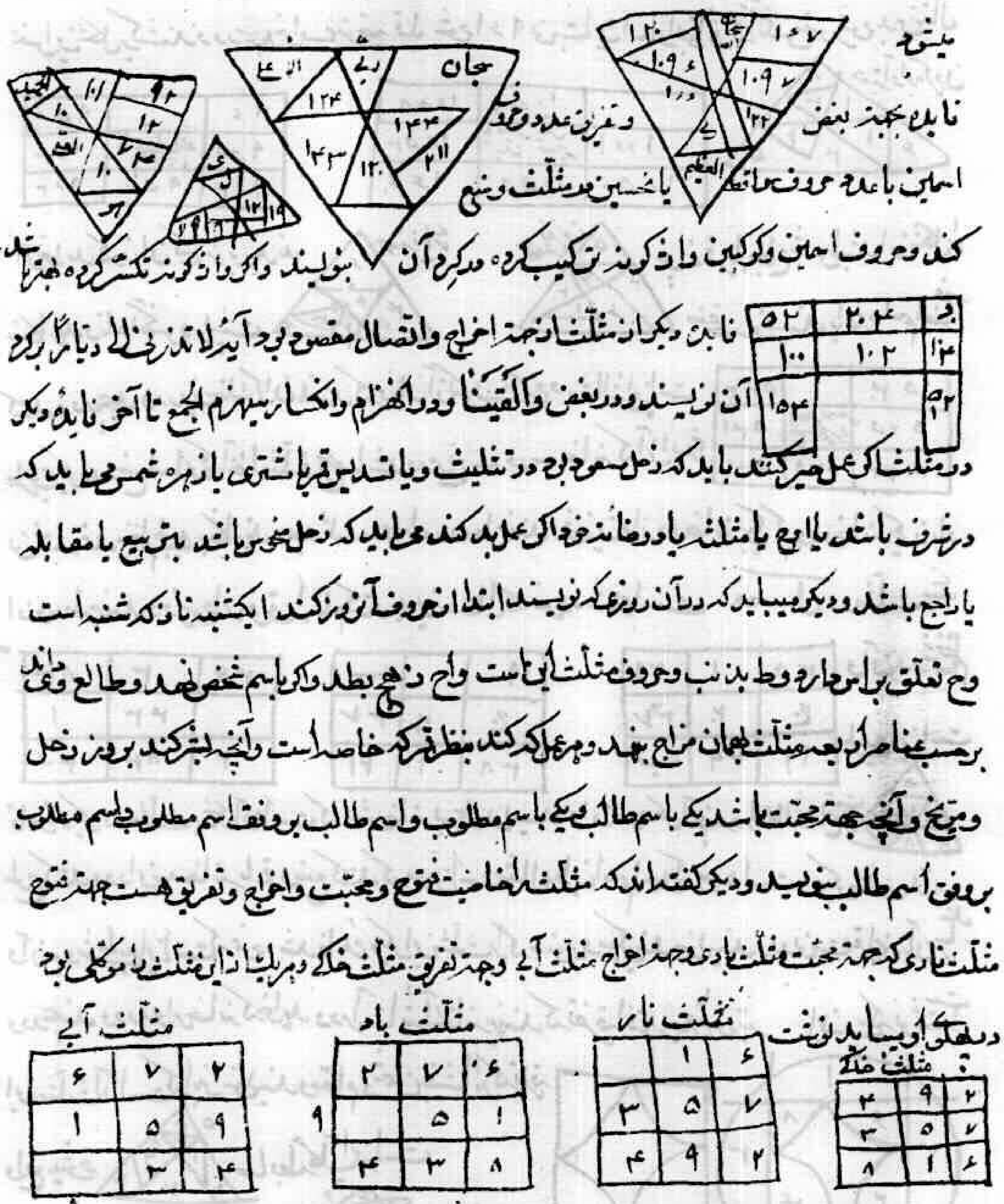
۳	۱۰	۱
۲	۵	
۹		۶

۳	۸	۱
۲	۴	۶
۷		۵

www.telasm.com

www.telasm.com

۹۲ نهادیم و ثلثین که ۲.۲. است بر بالای آن قسم گذاشتیم و باز ثلث را و نصف چهارم ۳۰ و قسم کردیم و ۵ در یمین نهادیم
و ۲. ۵ در یسار و باقی عدد در خانها قسمت شد بدین طریق و طریق دیگر و الکتابه بر نحوی دیگر این است که نموده
میشود



تا بدانی جهت بغض و تفریق عدد و حروف
اسامی با عدد حروف ... یا مخمس و مثلث و مربع
کند و حروف اسامی و کواکبی را که در ان ترکیب کرده و در کرد آن بنویسند و اگر را که در انها تکسیر کرده بجهت را باشد

٥٢	٢٠٤	ب
١٠٠	١٠٢	٣٢
١٥٤		٥٢ ١

تا بدین دیگر از مثلثات جهت اخراج و اتصال مقصود بود آیه لا تدرک ... دیار آ برکرد
آن نویسند و در بغض و القینا و در الهزام و انکسار سیهزم الجمع تا آخر باید و دیگر
در مثلثات اگر عمل خیر کنند باید که زحل مسعود بود در تثلیث و یا تسدیس قمر یا مشتری یا زهره شمس و یا باید که
در شرف باشد یا رابع یا مثلثه یا در خانه خود اگر عمل بد کنند می باید که زحل نحس باشد با تربیع یا مقابله
یا راجع باشد و دیگر میباید که در آن روزی که نویسند ابتدا از حروف آن روز کنند ایکتیبه تا در که شنبه است
و حرف تعلق برامور دارد و ط بد ز ب و حروف مثلث این است واح د هج بطد و اگر با اسم شخص نهد و طالع وقت داند
بر حسب عناصر اربعه مثلث مهمان مزاج بنهد و هر عمل که کنند بنظر قمر که خاص است و آنچه اکثر کنند بروز زحل
و مریخ و آنچه جهت محبت باشد یکی با اسم طالب و یکی با اسم مطلوب و اسم طالب بر وفق اسم مطلوب و اسم مطلوب
بر وفق اسم طالب بنویسد و دیگر گفته اند که مثلث را خاصیت فتوح و محبت و اخراج و تفریق هست جهت فتوح
مثلث ناری که جهت محبت مثلث بادی و جهت اخراج مثلث آبی و جهت تفریق مثلث خاکی و هر یک از این مثلث را موکلی بود
و هیکلی او یسا بد نوشت

مثلث آبی

٦	٧	٢
١	٥	٩
	٣	٤

مثلث بادی

٢	٧	٦
	٥	١
٤	٣	٨

مثلث ناری

	١	٦
٣	٥	٧
٤	٩	٢

مثلث خاکی

٤	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

فصل در خواص مربع چهار در چهار این اعداد را تماثیل خوانند و هر که این شکل با خود دارد رفعت و عزت و فواید و جهت
تحصیل مرادات مناسب است و چون آفتاب در شرف باشد بنویسد که با خود دارد مقبول نظرها گردد و محبوب سلاطین
شود و اگر ماه در کف الخضیب باشد و ناظر مشتری یا زهره باشد بنظر دوستی این شکل نگارند محبت و موافقت ... باشد و
چون ماه بنظر سعد باشد با مریخ برکشند حامل آن مظفر گردد بر دشمن و چون زهره در شرف باشد و قمر در ثور یا در میزان
باشد این شکل را در خانه می نگارند یا بر جیب باشد حامل آن محبوب خلایق گردد و اگر ابر ابنیا با خود نگاه دارد از ...

www.telasm.com

www.telasm.com



www.telasm.com

www.telasm.com

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا

www.telasm.com

www.telasm.com

ایمن شود و قولنج را برد و چون قمر ناظر مریخ باشد بدوستی این شکل بر کشند حامل آن از درد رفتن ما نه نترود و بر دشمن
مظفر گردد و از شر اعدا بسلامت باشد و از مکاره و خسران ایمن باشد و اگر بقران زهره و عطارد بنویسید دفع (الفقر)
گردد و اگر در ربع ان سرب بفش کنند کالبحک زحل در شرف باشد و قمر در حد زحل حاملش معروف و مشهور گردد و نافذ
القول شود و نزد سلاطین مقبول و محفوظ گردد و از کید اشرار ایمن باشد و اگر در خشت پخته نگارند و در منبع کاریز
تعبیه نمایند آب افزون شود و چون قمر بتثلیث آفتاب یا زحل بر بصا ملش نزد ملوک با حرمت بود و اگر قمر بتثلیث
عطارد بود نزد وزرا و اهل قلم با حرمت باشد و اگر قمر بتثلیث زحل بود حاملش عزیز گردد و نزد اهل احتشام و قلاع
با حرمت باشد و اگر در ساعت اول این شکل بجا آرند و بآب حل کنند و بیاشامند مجموع علتها را دفع کند و اگر بنویسند بسبب
و مصروع که بیهوش باشد ببرند او بر زند باز بهوش آید و اگر بنوشد با شد آید و با علت تمام باشد حامل این شکل محفوظ باشد
و اگر در پشت کتاب بنویسید از دزدان ایمن شود و در هر خانه که باشد همین خاصیت دارد و از برای تألیف القلوب و صلح بین الزوجین
موافق بود و گفته‌اند که در کشتی نوع ۴ این شکل نگاشته بجوانین بهتر از غرق ایمن گشت و از خواص مشهور او آنست
که در مهر حیر بنگارند آنچه را نگاه دارد و از خواص او وفاق بین طبیعی در مربع گفته‌اند که اگر در نقش نوع الزوج باشد
در وقت اجتماع و قمر در شرف یا در خانه خود باشد بر صفحه یا در خاتمی زر و نقره بنگارند حاملش بسلامت باشد
و اگر وفقی که در نقش فرد الفرد باشد و قمر متصل بود با زحل یا قمر در وبال بود هر وفق که با خود دارد حامل نشود
اما اشهر انواع که مبنی بر احرف وجه است با تمام و معنی این کلمات آنست که اح در سطری باشد و زه بجد در سطری
و وح در سطری و ده در سطری و خواه طولی و خواه عرضی بدین منوال میشود   کرکگر زا هو سر بجا و چهار آت
احوف وجد یقین تا دو کار است از قطر باب و فروز باب و رخ و اسب و ز اسب بغروز است بلاغ همه نیل
در خانه نیل هر یکی بهنده سازند نقصان کن انکه مرتا معیار است و شارح رساله نجلی فرموده است که ۴
نوع مربع ۴ در ۴ نگاشته‌اند و از هر ده نوع بطریق نظم طبیعی نموده شد و صورت او این است

٩	٧	١٤	٤	١٠	١٤	١١	١٢	٨	٤	٩	٧	٨	١١	١٤	١
٦	١٢	١	١٥	١٢	٧	٢	١٣	١٥	٦	١٢	١	١٣	٦	٧	١٢
٣	١٣	٩	١٠	٦	٩	١٦	٣	١٠	٣	١٣	٨	٣	٢	٩	٦
١٦	٢	١١	٥	١٥	٤	٥	١٠	٥	١٦	٢	١١	١٠	٥	٤	١٥
١٢	٦	١٥	١	١٢	٧	٢	١٣	١٤	٤	٩	٧	١٣	٢	٧	١٢
٧	٩	٤	١٤	٦	٩	١٦	٣	١	١٥	٦	١٢	٣	١٦	٩	٦
٢	١٦	٥	١١	١٥	٤	٥	١٠	٨	١٠	٣	١٣	١٠	٥	٤	
١٣	٣	١٠	٨	١	١٤	١١	٨	١١	٥	١٦	٢	٨	١١	١٤	١
٩	٨	٧	١٣	٣	١٠	٥	٤	١٥	١	١٣	٦	١٢	٨	١	١٤
	١٢	١	١٥	٨	١١	١٤	٢	١٤	٤	٩	٧	٢	١٣	١	
٣	١٣	٨	١٠	١٣	٢	٧	١٢	١١	٥	١٦	٢	١٦	٣	٦	٩
١٦	٢	١١	٥	٣	١٦	٩	٦	٨	١٠	٣	١٣	٥	١٠	١٥	٤

www.telasm.com

www.telasm.com

 فاین در اصطلاح وهفتیان مربع یا مظهر است یا مظهر و یا ذو الکتابه و اما مظهر آنست که اسمی یا حرفی را بجنبه

در مربع بکار رند بدین طریق که نموده شد صورت او این است

م	ی	ظ	غ
ظ	ع	م	ث
ع	ظ	ی	م
ی	م	ع	ظ

اما مضر جنبی نوع نصفی و ربعی و سدسی اما طریق سدسی آن است که از یکی تا بدو نوع خانه بنظم طبیعی نویسند و از کل ۲۱ طرح کنند و عددی که خواهند در خانه ۱۳ افکنند و تمام کنند بر این مثال در

اسم فتاح ۴۸۹ از یک تا دوازده بصورت نظم طبیعی آمدیم و از عدد کل ۲۱ طرح نمودیم ۴۶۸ در خانه ۱۳ انداختیم و تمام کردیم بدین صورت

٨	١١	٤٦٩	١
٤٦٨	٢	٧	١٢
٣	٤٧١	٩	٦
١٠	٥	٤ھ	

اما طریق نصفی و آن چنان است که عددی که خواهند بگیرند و از آن عدد نصف کرده و باقی که بماند از یکی تا ۸ بر نظم طبیعی ثبت کنند و بعد از آن آنچه باشد در خانه ۹ بنهند و تمام کنند بر این مثال که عمل کردیم در اسم عظیم ۱۰۲۰ نصف کردیم باقی ۱۰۵ از یکی تا ۸ که ۵۱۰ بود و ۵۲ دو ماند در خانه نهم ثبت کردیم و تمام نمودیم بدین صورت و اگر در عدد کسری باشد در خانه ۱۳ بیفزایند که راست آید بر این مثال در اسم مالک ۹۱ طرح نصف الباقی ۵۰۴ کسری از یکی تا هشت بصورت نظم طبیعی آمدیم و ۸ از ۵۰۴ رقم ۳۷ ماند در خانه نهم نهادیم و در خانه ۱۳ کسر را افزودیم تمام کردیم بدین مثال که مستوره شد این است

٨	٥٠٤	٥٧	١
	٢	٧	٥٠٥
٣	٥٠٩	٥٠٧	٦
٥٠٣	٥	٤	٥٦

طریق نوع یک ربعی است و آن چنان است که از عدد مطلوب ۳۰ طرح کنند و باقی را بچهار قسمت کنند و خارج قسمت را در خانه اول افکنند و بصورت نظم طبیعی تمام کنند و اگر کسر یکی واقع شود یک عدد در خانه ۱۳ بیفزایند و تمام و اگر دو باشد در خانه نهم بیفزایند و تمام سازند و اگر ۳ کسر باشد در خانه ۵ یک عدد اضافه نمایند و وفق را تمام کنند مثال این است

٣٢	٣٥	٢٩	٢٣	٢٢	٢٦	١٩	١٥	٢٧	٣٠	٢٤	٢٠	٦٤	٦٧	٧٠	٥٧
٣٧	٥	٢٥	٣١	٣٦	٣٨	١٦	٢١	٢٧	٣٣	٢٦	٣٩	٦٩	٥٨	٦٣	٦٩
٢٦		٣٣	٣٠	١٧	٣١	٢٤	٣٠	٢٢		٢٨	٢٥	٥٩	٧٢	٦٥	٦٢
٣٤	٢٩	٢٧	٣٩		١٩	١٨	٣٠	٢٩	٢٤	٢٣	٣٥	٦٦	٦١	٦٠	

مربع مالک

٨	٣٩	٤٣	١
	٢	٧	٤٠
٣	٣٥	٣٧	٦
٣٦	٥	٤	٤٢

با ملحقات آتش ضرب کنند و حاصل ضرب را نیز از حاصل ضرب اول که ضرب اسم طالب در مطلوب است کم نمایند آنچه باقی بماند بچهار قسمت کنند و سه قسم را طرح نمایند و یک قسم را بگیرند و عدد اسم را یعنی اسم مطلوب را با ملحقات آتش اضافه نمایند و در اول خانه مربع ثبت نمایند و دیگر بار همین عدد را یعنی عدد اسم مطلوب را با ملحقات آتش اضافه نموده در دوم خانه ثبت کنند بهم چنین بر حاصل هر خانه عدد اسم مطلوب را با ملحقات آتش اضافه نمایند و مربع را بدین دستور نمایند اما اگر عددی که عدد حاصل ضرب اول را چهار چهار طرح نمایند اگر یک باند از خانه آتش مربع شروع کند و اگر دو ماند از خانه باد و اگر سه باند

www.telasm.com

www.telasm.com

ازخانه آب واگر چهار باشد ازخانه خاک شروع نماید بعد از آن مربع را بار کرده تا مربع گردد باشند مثلا عدد اسم طالب یا لطیف
این است ۲۷۸۱۸ ۲۷۱۴ است ضرب کنیم چنین شود ۲۷۸۱۸
این است ۲۷ ۵ ۴ در عدد اسم مطلوب یا لطیف تنزل کرده این است
۳ ۱۱ دیگر باره عدد نظم طبیعی مربع ۴ ۳ باشد در عدد اسم مطلوب ضرب کنیم چنین شده ۹۲۲۲۶ بعد از آن ضرب ثانی
از حاصل ضرب اول بیرون کنیم باقی ماند این عدد ۳۵۵۴۲ ۱۱۱۱ ربع او این عدد شد ۵۸۸۳ ۲۷۸۳ کسر او در خانه
هم یکی اضافه نمایند عدد اسم مطلوب را اضافه او نمودیم این عدد حاصل شد ۵۹۹۶ ۲۷۸۱ صورت شبکه اول
و صورت شبکه دوم است چون حاصل شبکه اول بعد از طرح ۴ ۳ دو ماند ازخانه باد شروع کند و مربع کند بر سان

که مضبط است ان شاء الله تعالی

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

		۴	۵	۳	۷
	۸	۱	۶	۲	۱
۲	۸	۵	۲	۴	۹
		۱	۵	۳	۷
۱	۶	۲	۱	۲	۸

	۳	۴
۲		۶ ۹
۷	۲ ۱	۲ ۸
۱	۳	۴
۴	۱ ۲	۱ ۶

بخور کوکب مطلوب و بعد از شرط این عمل آن
و بعد از آن استخراج اسماء الله نماید از چهار دستی
بیان بیرون آورند ازخانه اول و یا اسم ملک و از چهار گوشه اسم ملک از وفق لوح سر اسم ملک
و از مساحت کل وفق لوح لوحی با مرضی ملک ازخانه چهارم پنجم اسم ملک اعوان و ازخانه ششم و ۴۲ اینی اسم
اعوان ازخانه سیزدهم و ۴۱ اینی اسم اعوان ازخانه ۱۱ و ۴ یعنی اسم اعوان و از عدد چهار اعوان اسم صیغه بیرون
آورده عزیمت سازد بطریقی که در کتب اهل این فن مذکور شده است اقسمت علیکم یا فلان بحق الملک بحق فلان
نام ببرد و قسم دهد اعوان با اسماء الله و عزیمت تمام نماید فاعلم اعوی المحبة بگیرد حروف مرکب خاتم دوآیه
والقیت علیک محبة منی را در دو مثلث وضع کند بحیثیتی که خطوط اضلاع دو مثلث مساوی باشد و ب در برا ب
ح باشد و دال برابر دال باشد و اسم طالب در قطب مثلث وضع کند در طرف ... اسم مطلوب در قطب مثلث
وست چپ دباغ را بدستور که در مثلث نموده میشود وضع کند و بخور کند بسوزاند بعد از آن که تمام شود طرف راست
بر بالا طرف چپ گذارد و این آیات که مذکور میشود نه مرتبه یا یازده مرتبه یا چهل و پنج مرتبه بر مثلثات بخواند و
تو انست بخور مذکور را بسوزاند بعد از آن مثلثات را در زیر سنگ گران گذارد که اثر عظیم دارد و میباید که مثلثات
طالب بالای مثلث اسم مطلوب باشد و آیات والواح این است که نموده شده است کهیعص کما انزلناه من السماء فا
بنبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم یوم الا

www.telasm.com

www.telasm.com

۹۶ اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین وما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع ع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس

الجوار الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس ص ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق

مثلث طالب

ب	ولقب	د
محبة	لها کل	تملیك
و	متی	ح

مثلث مطلوب

و	تملیك		ح
مالقیت	اسم ملکن		متی
ب	محبة		د

در استخراج اسما و اجبار از صفحات جامع و کیفیت سؤال سائل و استخراج جواب بدانکه استخراج اسما نقطع در بیوت و اثبات بینات برو بروا سطر بلی تکرار

بعد و جزو صفحه عاکه بخانه اسماء الله الذی بعرف و اسماء اعوان بین بخانه ولی بخلاف غایب در دین تکسیر از جهة

حد ممکن باشد مطلوب عابع نازل و بعضی در غایب بین چنین عمل کرده اند و لجواب سؤال سائل از حروف

بیع و حروف اسم سائل و حروف نیت چهار چهار گرفته و در هر صفحه که باشد حکم کنند و اگر صفحه از برای ایام سال حصه

و مطلوب هر وقت از سهم مخصوص آن طلب دارند ابین و اظهر یابد و این اطلاع مغیبات را با صطلاح جفریان نرشف

خوانند که در مقابل کشف است و بعضی حروف سائل را دو دو رقم حرف صفحه کرده اند و طلب مدعا کنند حرف اول

اشارتست بعدد حروف یعنی حرف چندم است از حروف ابجد ۲ اشاره بعدد صفحه از حروف معین ۳ اشاره است

بعدد سطر از حروف معین صفحه معین ۴ اشاره است بعدد خانه از حروف معین و صفحه معین و سطر معین باب

۷ از جزو ۲ که ابتداء آن این است ب ن ۱۱ تعلیق آن سبب عزت و رفعت و کلمه بزرگ در اوست باب ۸ از جزو ۲

که ابتدای آن ب ح ۱۱ است در سفینه سبب نجات میشود و کلمه بحار در اوست باب ۹ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ط ۱۱ است

تعلیق آن جهة درد شکم خوبست باب ۱۰ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ی ۱۱ است جهة محبت مفرط تعلیق آن نماید و لفظ

بیدل در اوست و اسم خدا در این صحیفه در خانه نهم از سطر نهم و نوشتن جهة بزرگی باب ۱۱ از جزو ۲ که ابتداء

آن ب ک ۱۱ است تعلیق آن جهة خلاص از تشویش و لفظ بگذرد در اوست باب ۱۲ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ط ۱۱

است جهة دخول بلد و دفع تشویش و حصول آمال بنور آن و کلمه بلاد در اوست باب ۱۳ از جزو ۲ که ابتدای آن ب م

۱۱ است جهة دفع دشمن در خرابه دفن کند و در عقب صفحه نام دشمن را با نام او ثبت کند و در حین دفن بخور کند و ۲

بار بگوید که یا فلان بمیرد دشمن هلاک شود و کلمه بمیرد در اوست باب ۱۴ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ن ۱۱ است

بجهة دفع خوف و سبب از بندها مناسب است و در پشت صحیفه خدایا مرا محفوظ دار نوشته تعلیق نماید و کلمه بگذراند

در این صحیفه میتوان یافت باب ۱۵ از جزو ۲ که ابتدای آن ب س ۱۱ است جهة عقد الرجال در پشت صفحه بستم فلان

ابن فلان را بر فلان ابن فلان نوشته در قبرستان دفن کند و کلمه بستن در اوست باب ۱۶ از جزو ۲ که ابتدای

آن ب ع ۱۱ است جهة آواره کردن از شهر و خانه بنام آنکس نوشته در منزل او پنهان کند از آن روز که از مقام خود دور افتد

www.telasm.com

www.telasm.com

و کلمه بقنطه در اوست باب ۱۰۷ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ف ۱۱ است جهت فهم با این طفل اگر تعلیق آن و کلمه مفهم در اوست
باب ۱۰۸ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ص ۱۱ است جهت درد چشم و زیادتی روشنائی بدیهه مال البته با الاجسام آویزد
و کلمه بصیر در اوست باب ۱۰۹ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ق ۱۱ است تعلیق آن جهت برکت و لفظ برکت در اوست
باب ۱۱۰ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ر ۱۱ است جهت بشارت دادن بخیر و در نزد بزرگی خوب است و کلمه بشیر در اوست
باب ۱۱۱ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ش ۱۱ است جهت شفقت است و عدم ضربان دوا نیز است تعلیق آن خوب است و لفظ
بتارز در اوست باب ۱۱۲ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ت ۱۱ است نوشته در موم گرفته از آب آن تدریج بر جامه خود افشانند
با آن جامه المجیب رسد و لفظ مدنما در اوست باب ۱۱۳ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ث ۱۱ است نوشتن اسم دشمن را
در پشت صفحه نوشته در جای او پنهان کند اگر در منظر مردم خوار گردد و اسم ذلت در اوست باب ۱۱۴ از جزء ۲ که ابتدای
آن ب خ ۱۱ است جهت بخیل بد سخی شود و کلمه بخیل در اوست باب ۱۱۵ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ذ ۱۱ است جهت عقد الرجال
در پشت صفحه نویسد ابتم ذکر فلان بن فلان از بن فلانه بنت فلانه و کلمه ابتر در اوست باب ۱۱۶ از جزء ۲
که ابتدای آن ب ض ۱۱ است جهت تسلیط غم و مرض در پشت صفحه نام دشمن و مادر [illegible] هر عبارت که خواهد نوشته
در منزل او پنهان کند و لفظ نصالد در اوست باب ۱۱۷ از جزء ۲ که ابتدای آن ب ظ ۱۱ است جهت اطلاع بر حقیقت
نوشته با خود دارد باب ۱۱۸ از جزء ۲ که ابتدای آن ب غ ۱۱ است جهت دفع دشمن ظالم و آفات نوشته با خود نگاه
دارد باب ۱ از جزء ۳ که ابتدای آن ج ۱۱ است تعلیق آن سبب قرب حکام گردد باب ۲ از جزء ۳ که ابتدای آن ج
ن ۱۱ است جهت ثواب حج و عزت تعلیق آن خوب است باب ۸ از جزء ۳ که ابتدای آن ج ح ۱۱ بر کفن مرده بستن ایمنی از
مفزع است باب ۹ از جزء ۳ که ابتدای آن ج ط ۱۱ در این صفحه ملکی حاصل میشود از برج قوس تعلیق آن [illegible] اعمار
وسعت آن ملک در مهام میشود و لفظ ملت [illegible] باب [illegible] از جزء ۳ که ابتدای آن ج ی ۱۱ هر که
با خود دارد از اهل و دوستان خود خیانت نبیند باب ۱۱ از جزء ۳ که ابتدای آن ج ك ۱۱ است تعلیق آن سبب نجات
از بلایا گردد باب ۱۲ از جزء ۳ که ابتدای آن ج ل ۱۱ است تعلیق آن علت بزرگی بین الناس گردد باب ۱۳ از جزء ۳
که ابتدای آن ج م ۱۱ است تدفین آن در منزل جهت عزت و در نظر مردم که همه بر آن جمع آیند باب ۱۴ از جزء ۳ که ابتدای
ج ن ۱۱ است نوشته جهت محبت در خانه مطلوب دفن کند باب ۱۵ از جزء ۳ که اولش ج س ۱۱ است جهت قوت بدن و موی
گرفتن با امداد بمیان [illegible] آن اختیار بخود باب ۱۶ از جزء ۳ که اولش ج ع ۱۱ است جهت رواج مذهب حق و یاد گرفتن علم
امداد و جعفر و خلاص از دشمنان در ساعت معین با شرایط نوشته تفتیش کند بهر جا مقصد اوست حاصل شود و کلمه مقصد در اوست
باب ۷ از جزء ۵ که اولش ه ۱۱ است بر جای بسته مقابل لشکر دشمن نگهدارد که دشمن مغلوب شود و کلمه هزیمت که عبارت

www.telasm.com

www.telasm.com

 ه زمت باشد در اوست چرا که قاعده علمای این فن است که حروف علت داخل حروف نیست تحریر نمیشود چنین است

باب ۹۰ از جزوه که اولش ع ح است تعلیق بهتر فتوحات غیبی و لفظ فاتحه مقلوب بی حروف علت در اوست باین صورت هـ ح ت

ف باب ۹۱ از جزوه برای احالت جمع که بفرمان خود آورد در عقب صفحه نام مثال الیهم را نوشته در منزل نگاهدارد باب ۱۰۰ از جزوه

که اولش ه ی ا است برای هیبت و سیاست در نظر خلق با خود تعلیق کند و کلمه هیبت در اوست باب ۱۰۱ از جزوه که اولش ه

ا ت ا است برای حصول فرزند خلف و رسیدن از تعلیق نماید و کلمه برکت مقلوب جدا اوست باین صورت ه ل ت ب ر باب ۱۰۲

از جزوه که اولش ه ل ا است برای ابطال دشمن در چهار راه دفن کند باب ۱۰۳ از جزوه که اولش ه م ا است برای همراه

راه و همه جیب یافتن و برای الهام کردن در دخترین نوشته تعلیق کند باب ۱۰۴ از جزوه که اولش ه ن ا است برای تفرقه نوشته

در میان راه هر دو دفن کند مقلوب لفظ کینه در اوست ه ن ی ک باب ۱۰۵ از جزوه که اولش ه س ا برای رفع تعلیق

کند و لفظ بسته مقلوب در اوست باب ۱۰۶ از جزوه که اولش ه ع ا است برای دفع گرانی گوش و قوت سامعه بر گردن بندد

و لفظ سامعه در اوست مقلوبا باب ۱۰۷ از جزوه که اولش ه ف ا است برای درد سینه و سرفه دمعوم گرفته در تربت

اندلحتمنا شاخ و سرفه مقلوب در اوست باب ۱۰۸ از جزوه که اولش ه ص ا است برای دفع متعاع از بیع ملک حصول اعمال

و کلمه حاصل در اوست باب ۱۰۹ از جزوه که اولش ه ق ا است برای قبول صدقه و نوبه سه صباح برکت مال و طلب مغفرت کند

و صدقه بدهد باب ۱۱۰ از جزوه که اولش ه ر ا برای هراس و هیبت انداختن بر اهل جمع که تعلیق کند و کلمه هراس در اوست

باب ۱۱۱ از جزوه که اولش ه ش ا است برای کثرت عقل و هوش و مجنون تعلیق کند هشیار شود و کلمه هشیار در اوست باب ۱۱۲

از جزوه که اولش ه ت ا است برای کشتن دشمن در تربیع زحل یا مریخ نوشته نام دشمن را در پشت و محل خود ثبت کند

و در کوهستان کهنه دفن نماید و کلمه مقلوب میتوان یافت باب ۱۱۳ از جزوه که اولش ه ث ا است حامل بیع تیر

که صفه ابل است در اوست در ساعت میزان نوشته تعلیق کند باب ۱۱۴ از جزوه که اولش ه خ ا است حامل بیع عقرب و بادت

برای عداوت در برجش نویسد باب ۱۱۵ از جزوه که اولش ه ذ ا است حامل بیع قوس که هندیسائیل است در اوست در

ساعت قوس نویسد باب ۱۱۶ از جزوه که اولش ه ض ا است برای رفعت تعلیق کند و کلمه هضبه که بمعنی فراز است در اوست

باب ۱۱۷ از جزوه که اولش ه ظ ا است برای شنیدن مردم سخن او را خوب است و کلمه موعظه مقلوب بی واو در اوست باب ۱۱۸

از جزوه که اولش ه غ ا است جهت در ارغم اطفال و کمال الجد بلوغ و مقلوب بلغته در اوست باین صورت ه غ ل ب

باب ۱۱۹ از جزوه که اولش و ا ا است برای تسلیط وبال و پریشانی بر دشمن در ساعت نحس نوشته در منزل دشمن دفن کند باب ۱۲۰

از جزوه که اولش و ج ا است برای وجاهت نوشته تعلیق کند در میان خلایق وجیه نماید باب ۱۲۱ از جزوه که اولش و د ا

برای محبت و مودت و دوستی در جمیع قلوب بنی آدم نوشته با خود دارد که اسم ودود پیدا شود تمت

[illegible]

[illegible]

www.telasm.com

www.telasm.com

وما ادريه [illegible] الا [illegible] السيد [illegible] [illegible] تم [illegible] الله ربنا [illegible]

[illegible] ١٠٣٩ [illegible] [illegible] بقوة بسم الله الرحمن الرحيم

فأوجس في نفسه خيفة موسى قلنا لا تخف انك انت الاعلى والق ما في يمينك تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد

ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى فألقي السحرة سجدا قالوا آمنا برب هارون وموسى فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين

فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون وأوحينا الى موسى ان اضرب بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم

عذت بالله ربي وربك كل شيء من شر كل ساحر وغدر كل غادر ومكر كل ماكر ومن شر كل شامت ونمام

ولائم ومن شر كل ذي شر واستكانت كل ذي صولة وغلبة كل متعد وشماتة كل كاشح ادرأ بالله في نحورهم

واستعيذ بالله من شرورهم واستعين بالله عليهم تدرعت بحول الله من بأسهم وتحصنت بقوة الله من شرورهم دفعتهم عني

بدفاع الله القاهر وسلطانه الباهر ورميتهم بسهم الله القاتل وسيف الله القاطع اخذتهم ببطش الله طرحتهم باذن الله

رفعتهم تفريقا بحول الله مزقتهم تمزيقا بقوة الله شتتهم تشتيتا بمنعة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

وغلبت من ناوأني بجند الله الاغلب وقهرت من عاداني باذن الله الاكبر ودمرت من قصدني بحول الله الاعظم وبترت

من آذاني بأخذ الله الاسرع ودفعت عني بجلال الله الامنع فلا حول ولا قوة ولا منة ولا منعة ولا عون ولا نصر ولا ابد

ولا عزة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيدنا ونبينا محمد وآله الطاهرين هزمت الاحزاب بسطوة الله قذفت

في قلوبهم الرعب باذن الله سلطت على افئدتهم الروع بعزة الله فرقتهم تفريقا بسلطان الله مزقتهم تمزيقا

بقوة الله دمرتهم تدميرا بقدرة الله اخذت اسماعهم وابصارهم وجوارحهم واركانهم ببطش الله القوي الشديد

وشدته ودفعتهم عنا بحول الله العلي العظيم وقوته دمرتهم وجنودهم وابطالهم وشجعانهم وانصارهم واعوانهم

بايد الله المتين ونصر الله المبين مهزومين مرعوبين خائفين خائبين محجوبين مغلوبين منكوبين خاسرين اللهم ادفعهم

عنا بحولك وقوتك وبطشك وسطوتك معذبين ممزقين مبهوتين منكوبين مقموعين مقهورين مدحورين مذعورين

صاغرين خاسرين مخذولين خاسرين مدبرين مغلولين مبهوتين مشومين مستبدين متشتتين تائهين في ذهابهم

عامهين في ايابهم حائرين الى ثيابهم مشغولين باجسادهم مكلومين في ابدانهم مجروحين في اديانهم مضروبين برقابهم

ممنوعين من بهائهم مردودين عن مرامهم محجوبين في كرتهم مصروفين عن رحمتهم ثباتا من متوجههم شتاتا عن مجمعهم

مطبوعا على قلوبهم مختوما على افئدتهم مغشى على ابصارهم معقودا على السنتهم مربوطا على احلامهم واقدامهم مشدودا

على ايديهم وارجلهم مدبوغا بك اللهم في نحورهم مستعاذا بك من شرورهم متعاذا بك منهم مستعانا بك عليهم

اللهم خذهم اخذك الشديد وسلط عليهم باسك الفجيع مدفوعين مصروعين مذعورين في انفسهم محجوبين في

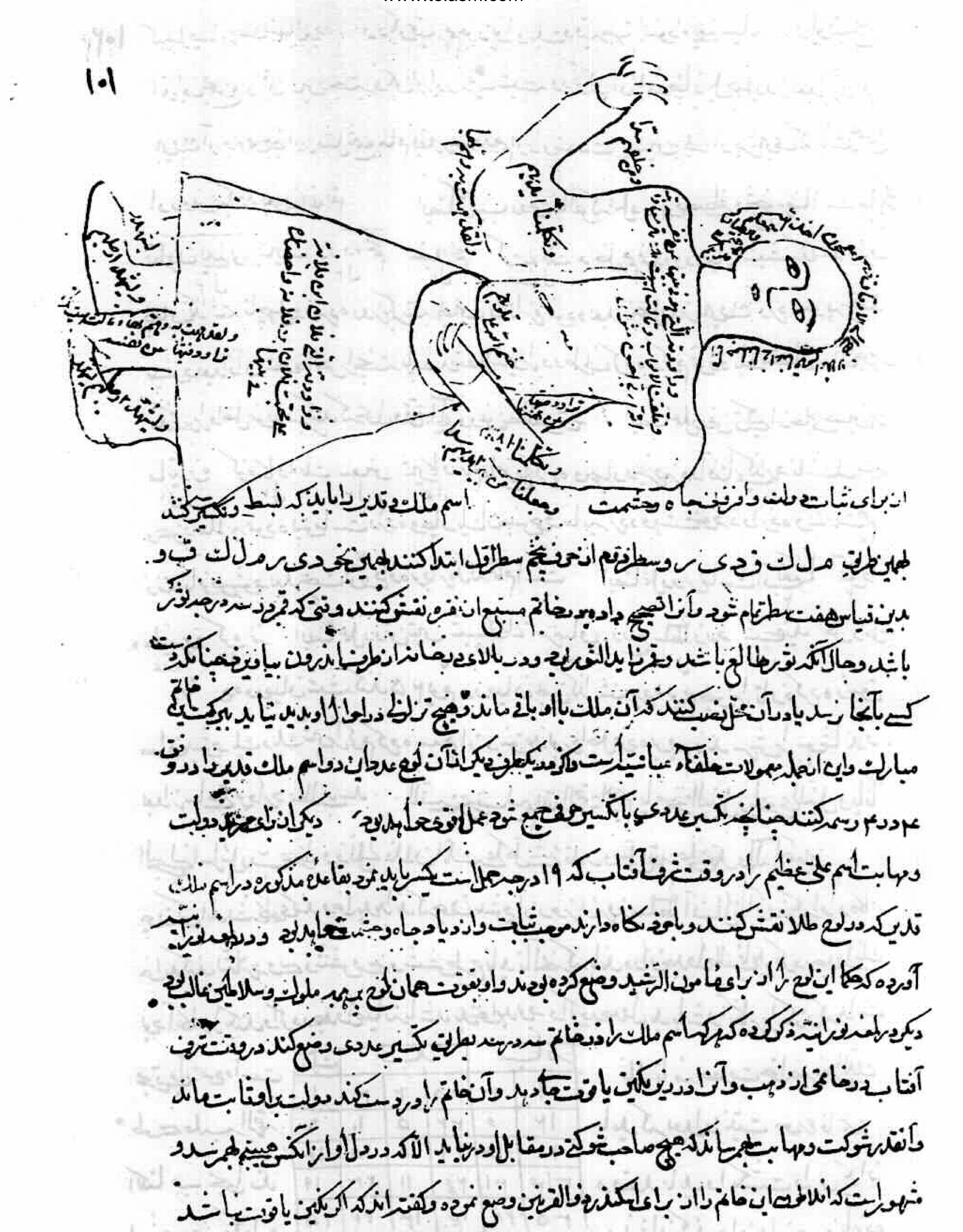
www.telasm.com

www.telasm.com

..ان آبائهم مكبوبين على وجوههم ومناخرهم خنونا بجنائبهم وأوثانهم مقيدين بالسلاسل مكبلين
بالأغلال مقرنين في الأصفاد معلوقين بمطارق الحديد يا مصعوقين بصواعق المنايا يا مقطوعا دابرهم
مفجوعا عابرهم مسلوبا سالبهم مغلوبا غالبهم يا موجدا عند الشدائد أمن يجيب المضطر إذا دعاه أمن يجيب
المضطر إذا دعاه كتب الله لأغلبن أنا ورسلي إن الله قوي عزيز الا ان حزب الله هم الغالبون إن
وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين إنا كفيناك المستهزئين فأيدنا الذين آمنوا
على عدوهم فأصبحوا ظاهرين لقلع الاعداء من كتاب سلاح المؤمنين بخط شريف مؤلفه وارجله دعائها
مجرب مانند براي قلع اعدا واستيصال اينها از غر عاست لو اعما نووا وصمّوا عما طووا رب لا تذرني فردا
وأنت خير الوارثين ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل ألم يجعل كيدهم في تضليل وأرسل
عليهم طيرا أبابيل ترميهم بحجارة من سجيل فجعلهم كعصف مأكول اللهم اكفنيهم بما شئت يا قدير اللهم
بك أدرء في نحورهم وأعوذ بك من شرورهم بك أحاول وبك أقاتل اللهم واقية كواقية
الوليد بكهيعص كفيت بحمعسق حميت فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وصلى الله على
سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين بعد از نماز عصر هفت مرتبه بخوانند وعقد انگشتان دست نمایند وقت
خواندن کهیعص ابتداء از انگشت کوچک دست راست نمایند و وقت قراءت حمعسق ابتدا از انگشت کوچک
دست چپ نمایند وبعد از آن مشغول شوند بقراءت آیه فسیکفیکهم الله تا آخر دعا انتهی انجمعه
دفع مخل بنویس ی ا ش ع خ م ح م د ب س ب ا س ع د ر یف پا مخل کذا شته بر یعه بر نجی
مجرب است طریقه این که صورت باید کشید بر کاغذ واسم طالب ومطلوب ومادر هر دو را باید
نوشت بجای هو فلان بعد از آن کاغذ را باید پیچید میان نی گذاشت وسر آن نی را بگل سرخ باید گرفت
و مهر کرد بعد باید قضا بلکفت بنام آن شخص گوسفند بکشد ودل او را در آورد وبشکافد وآن نی را
میان دل گوسفند آورد وقدری فلفل وسوزن فولاد در دل فرو کند ودل را بدوزد بجنیا طه
ودر میان ظرف گذارد وآن ظرف را در دیزان طاق دفن کند وآتش بالای او روشن کند
که حرارت آتش باو برسد پس دل آن شخص آتش گیرد بی آرام شود تا حاضر شود اما اگر
آن شخص مرد است گوسفند هم باید نر باشد واگر زن است بز باشد واگر پسر است
بره باشد واگر دختر است بز ماده جاهل باشد

www.telasm.com

www.telasm.com



از برای ثبات دولت و ازدیاد جاه و حشمت   اسم ملک و قدیر را باید که بسط و تکسیر کنند

بهمین طریق م ل ک ق د ی ر و سطر دوم از حرف پنجم سطر اول ابتدا کنند بهمین نحو د ی ر م ل ک ق و

بدین قیاس هفت سطر تمام شود و آن را تصحیح داده بر خاتم مسبع از نقره نقش کنند و وقتی که قمر در سنبله در حد نور

باشد و حال آنکه نور طالع باشد و قمر زاید النور بوده و در بالای در خانه از طرف اندرون بیاویزند و نگذارند دست

کسی بآنجا رسد یا در آن خاتم نصب کنند که آن ملک با او باقی ماند و هیچ تزلزلی در احوال او بدید نیاید بی‌گمان که

مبارک و این از جمله معمولات خلفای عباسیه است و از معدیکی طرز دیگر آن لوح عددی است دو اسم ملک قدیر را در دو

عدد مربع رسم کنند چنانچه بتکسیر عددی با تکسیر حرفی جمع شود عمل اقوی خواهد بود   دیگر از برای حفظ دولت

و مهابت اسم علی عظیم را در وقت شرف آفتاب که ۱۹ درجه حمل است تکسیر باید نمود بقاعده مذکوره در اسم ملک

قدیر که در لوح طلا نقش کنند و با خود نگاه دارند موجب ثبات و ازدیاد جاه و حشمت خواهد بود   و در لمعه نورانیه

آورده که حکما این لوح را از برای مامون الرشید وضع کرده بودند و او بقوت همان لوح بر همه ملوک و سلاطین غالب بود

دیگر در لمعه نورانیه ذکر کرده که هر که اسم ملک را در خاتم مسدس بطریق تکسیر عددی وضع کند در وقت شرف

آفتاب در خاتمی از ذهب و آن را در زیر نگین یاقوت جا دهد و آن خاتم را در دست کند دولت بر او ثابت ماند

و از قدر شوکت و مهابت بمرتبه رساند که هیچ صاحب شوکتی در مقابل او در نیاید الا که در دل او از انگشتری هیبتی بهم رسد و

مشهور است که افلاطون این خاتم را از برای اسکندر ذوالقرنین وضع نموده و گفته اند که اگر نگین یاقوت باشد

عوض آن عقیق میتوان نمود که چنان نابوده دانسته باشد   ترکیب بعض بخوری از سیر کار و زرد که بوی خوش باشد

یعنی آغوز را که دو رطل یعنی یکصد و هشتاد مثقال صیرفی بوده باشد و اضافه کن بر او و بجوشان از آن یک وقیه

www.telasm.com

www.telasm.com

که جای روغن خالص بوده باشد و مکوب هم چون تو او ملت و در زجاجه سوداء یعنی سیاه . . . و مکوب . . .

از او در جمیع در آن شیر بجه رد کن او را در ترتیب شیشه در . . . او را در جای زیل چهل روز بعد از آن او را

بیرون آورده همچنین ابل مثل تمیع خام بقدر سر در معم او را بر صحت نشیمن برخی از برآورده که باشد نیمی

او روغن . . . بعون الله تعالی ایضا ترکیب روغن خالص که . . . در نسخه مصطفی و شیخ رضا است ما بدرق

نطرون یعنی . . . زده مخم سفید تخم کر بے نمک داخل هم نموده و در میان شیشه کرده در زیر

پهین گذاشته تا چهل روز برده بعد بکرست پهین را تازه نموده بعد از چهل روز بیرون آورده جوهر سفید

میشود بعد از آن شیر خالص را بجسته با نصف مثقال شیر را در ظرفی کرده و گرم نموده یک مثقال از آن جوهر

مذکور را داخل نموده صبر کند که بحل و قوام آید روغن خالص شود ایضا عمل روغن ترکیبی از حاجی حسین

ما بدرق کره کاو نمک سفید شیر گاو تمام را ممزوج کرده و چهار و نیم جز در آفتاب گذارد تا خشک شود

و سحق و صلایه نموده . . . آورده و چهار یک از جنس جوهر مایه زده و هشت مغز دوازده و . . .

زنند تا خوب شود بعد سخت در ظرف ده روز بعد از آن که تمام است ایضا عمل روغن . . . آب نعنا . . .

مایدرق کره نمر ایضا عمل روغن نیز شب . . . مرصاف در بج سلطانی زده شب سفید جزراحد

. . . ده در میان شیشه کند ۵ ۲ یوم در میان پهین گذاشته هر ده یوم پهین را تازه کرده زیبق

صاف میشود یک و یک شیر را گرم کرده سوم از زیبق . . . داخل نموده بر هم زنند سر شیر را بجوشانند .

بعد از ساعتی بر دارد مطلب بسد للتسخیر مجرب بسم الله الرحمن الرحیم یا مسخر الفیل و یا مجری النیل و یا فالق

البحر لبنی اسرائیل رب سخر لی فلان انک علی کل شیئ قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

چون کسی اندیشه کاری کند و خواهد بداند که چون میشود از روز نوروز سلطانی آن سال تا آن روز که اراده کار

خواهد کند بشمارد و سی و شش و سی و شش طرح نماید تا آنچه که بماند در این جدول طلب نماید اگر در جدول نیک

بود آن کار را بکند و اگر در جدول میانه باشد بد نخواهد بود و اگر در جدول بد باشد آن کار را نکند که بدا است

نیک	بد			میانه	
۱	۴	۲	۳۵	۳	۹
۶	۱۰	۵	۳۲	۶	۱۲
۱۳	۱۵	۸	۲۹	۱۶	۱۸
۱۹	۲۳	۱۱	۲۶	۳۱	۳۱۴
۲۵	۲۷	۱۴	۱۷	۲۸	۳۵
۴۱	۲۴	۲۰	۲۳	۳۳	۳۶

مجرب و آزموده است فال نامه حضرت خاصه نصیرالدین طوسی علیه الرحمه باید که بعد از نیت سوره فاتحه الکتاب بخواند و قصد نماید و انگشت را بر یکی از این حروف بگذارد و نشان کند و از همان حروف پانزده

پانزده بشمارد و حرف پانزدهم را بنویسد تا آن حرف که نشان کرده است بعد از آن بخواند

www.telasm.com

www.telasm.com

ا	ب	أ	ب	ب	ش	ذ	ر	ا	ا	ف
ت	ی	م	خ	ج	ک	ر	ی	و	ی	ع
ب	ی	ذ	ق	ز	و	ر	ر	ر	د	ن
ر	ی	ا	ه	ض	ش	ی	د	ع	ب	ب
س	س	ت	ط	ب	و	خ	ک	ش	خ	د
پ	ت	ث	ف	و	س	ر	و	ب	ن	و
ر	ا	ا	ا	ع	ا	ی	ب	ب	ی	ک
ب	د	س	ی	ی	س	ج	ا	ر	ا	ا
ت	ی	ی	ت	د	د	ت	ب	ر	س	س

خواص اعداد لوح الفال حکما فرموده اند که چون کسی را مهمی پیش آید و در آن متحیر باشد این شکل را در کاغذ کشیده پیش خود نهد و آن کار را در دل بیندیشد و قصد نموده انگشت بر این خانها نهد اگر بخانه خالی نهد آن کار را بکند و اگر بخانه که دارد بیفتد مصلحت نباشد آن کار را نکند و صبر کند که آخرش خوب است

بسم الله الرحمن الرحیم

٦		٣		٣٢	
	١١		٢٧		٣٥
٢٣		١٠		٢٤	
	١٨		٢١		١٤
٢٥		٩		٢٦	
	٥		٢		٣١

بعد الحمد و الصلوة علی صاحب اللوا و الحمد صلی الله علیه و آله و سلم بعد بر ضمیر منیر ارباب اولوا الالباب فتح الله علی قلوبهم من الحکمة بکل باب مخفی نماند که علماء علم حروف در کتب و رسائل که در این فن نوشته اند بمثل از کنایات و رمزات و اشارات بر نوشته اند و طریق تکسیر حروف و نتایج برموز و عبارات گفته اند و این در نفیس چنانکه هر کس در نیابد نسفته اند و روا نداشته اند که کسی این نغمات را بنظر نامحرم مکشوف گردانند و رخصت نداده اند که عروس بکر این سر بدیع را بجز طالب محرم بی رنگ بوتش عرضه دارند و از امیر المؤمنین علی تا با امام جعفر و ائمه معصومین نفس بنفس منتقل میشد و علم در میان بود و از ایشان بمشایخ و اولیاء الله رسید از جهت آنکه طالب مستعد این معنی بواسطه بعد عهد کم شده بود در هر وقتی یکی میبافتند و این اسرار را در کتب ثبت میکردند تا کل منقرض و منقش نگردد

www.telasm.com

www.telasm.com

اما در جلباب بعض دقایق اشارات مستور داشتند و وصیت کرده‌اند که اینها که بعد از ایشان بسر این واقف کردند بر سنن ایشان روند و مخالفت روا ندارند و در تضییع نکوشند که مستحق این معنی بیابند که گفتنی نگویند و نتویسند اما نه هرچه بگفتن را شاید نوشتن را شاید بتوقع کمد و خاطر سپار شد خالی التکلم از تذکر و ضبط این بر کان است خاصه که بحکم ضرورت آنرا جمع می باید نوشت بسبب التماس آنکه میدانم که مستحق آن است این نوع تکثیر و قلم آمده با آنچه این بآن موقوف است چنانچه هیچ دقیقه مهمل نماندم اگر از نااهلی که این وصیت قبول فرمایند و بعد از آنکه ضوابط آن در ذهن مصور و در خاطر مقرر یا خود مقرر کرده باشند این شرح واضح از میانه بر دارند و بقلم یا وصفی که خود دانند پس آنچه ضرورت باشد ثبت کنند تا اگر از خاطر شریف چیزی فراموش شود بنظر کردن بآن آنرا دریابند و عند مبالغه که در این وصیت میکنیم مبتنا بر گفته شود و دانم که مقبول باشد مقدمات نتایج تکسیر که در این فصلها یاد می کند تا استحضار یکنند در عمل اهمال نکروند فصل اسماء حق جل و علا بر کواکب سیاره ملائکه موکل کرده‌اند است تا مدد اتصال که کواکب باشند با اثر است و نامها ملائکه این است رقیائیل جبرائیل سمسمائیل میکائیل صرفیائیل عنیائیل کسفیائیل و این اسماء کلیمینا اسرافیل رحمائیل سرائیل بهفائیل شرطائیل ربقائیل صهاکیل مهرائیل سواطیل طموشا سهکیائیل نفیائیل فصل بدانکه هر حرف از حروف بیست و هشتگانه هر یک بملائکه منسوبند اسرافیل جبرائیل عزرائیل میکائیل کلکائیل تنکفیل همکائیل وردائیل اسراطیل شرقائیل اسواکیل هواکیل هماکیل عطکیائیل اهمیائیل اسمعیل کردائیل کوهاطائیل لوصائیل ورحاکیل عطرائیل حبدوائیل طاطائیل روائیل جولائیل رتبائیل اورمائیل کلیطائیل فصل بدانکه حروف بیست و هشتگانه را بحسب ترکیب بر بروج دوازده گانه قسمتی کرده‌اند است بعین ترتیب و مراتب و قوت ایشان از روی طبیعت این است حار رطب هوائی ا ع ه ط ح ف ش بحمل و اسد و قوس داده‌اند حمل اسد قوس حار یابس ناری ق ض ع ظ ک س بجوزا و میزان و دلو داده‌اند جوزا میزان دلو بارد رطب مائی س ل ز ث ن و د بسرطان و عقرب و حوت داده‌اند سرطان عقرب حوت بارد یابس خاکی ج م ر ص خ ت بثور و سنبله و جدی داده‌اند ثور سنبله جدی فصل در طریقه دو الکتابه در وضع اسماء و آن طریق آن است که اسمی چند در سطر اول سطور تع بعرض ثبت کنند در هر خانه در حرفی باشد چنانکه چهار در چهار شانزده باشد و چون بنگارند در نقش را تا بچنانکه یک و دو و سه و چهار این خانه اول باشد و دیگر ابتدا از خانه ۵ کند و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ حرف او باشد دیگر ابتدا از ۹ کند و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ حرف او باشد و دیگر ابتدا از ۱۳ کند و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ حرف او باشد و تمام کند بآن مثال که نموده شد و شیخ ابوالعباس که در این علم از مشاهیر است در رساله نوشته موسوم بالوالح المذاهب و از الواح در آیات و اسماء در هر شبانی نگاشته و خواص هر یک نوشته در مظهر صید باشد بتصرف در آن بنقش

www.telasm.com

www.telasm.com

م	غ	ن	ی
۵۱	۹	۴۱	۹۹۹
۰۱	۳۸		۴۲
۱۰۱	۳۴۳	۷	۳۴۹

توان کرد و در خواص مربع زوج الزوج اگر کسی خواهد که شخصی را مطیع خود سازد چون قمر ناظر سعد بن باشد این شکل را بکشند و اسم طالب و مطلوب بگیرد و در صفحهٔ مربع در مقابل کشند و عدد پادشاهان در نبت کند چون طالب این مربع با خود دارد مطلوب حاصل شود بدین مثال که مرموده شده است

مربع زوج الزوج

۲	۲۸	۲۲	۱۶
۲۴	۱۴	۴	۲۰
۱۳	۱۸	۳۲	۶
۴	۹	۱۰	۲۰

اما خواص زوج الفرد آن است که چون قمر ناقص النور باشد و ناظر بزحل این مربع برکشند هر زنی که با خود دارد حامله نشود و عقیم ماند و اگر ساعت نحس بنویسند و اسم شخصین در صفحهٔ دیگر در مربع ثبت کنند و در میان ایشان تفریق افتد اما در گورستان یا در مقام ایشان دفن کنند بدین صورت

۱	۲۷	۲۱	۱۵
۲۳	۱۳	۳	۲۵
۱۱	۱۷		۵
۲۹	۷	۹	۱۹

فصل در خواص آیات چند مخصوص که در مربع بیاورند و بمشافهه در خدمت استادان باین فقیر رسیده و از مجربات این علم است اول در خواص بسم الله چون کسی مضطر الحال باشد و هیچ امید را چاره نداشته باشد این مربع در ساعت زهره و قمر ناظر سعود باشد ۶ ۸ ۷ نوبت بخواند و شرط خواندن آن است که اول صد بار بخواند و دو رکعت نماز کند بدین صورت که گفته شد و طریقه گذاردن آن آن است در رکعت اول ۱۹ بار بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعد از آن فاتحة الکتاب بخواند و رکوع کند و در رکعت دوم نیز بدان طریق که گفته شد بعد از آن سلام باز دهد و این مربع بکشد و بعده مذکور بخواند و بخور بسوزاند و در حالت خواندن سخن با کسی نگوید هفت روز این چنین کند تا هفت شب و این مربع با خود نگاه دارد و چون این عمل کرده باشد بیقین که در اول هفته جمله مقصود او حاصل شود و هیچ شک در آن نیست که اگر کسی خواهد که دختر را بخت گشاده شود همین عمل بدین صورت که ذکر رفت بجای آورد بخت گشاده و در جهت معاش و حرمت و عزت در چشم خلایق و همچنین که دارد مداومت نماید همه مهمات کفایت میکند اما می باید که پشت در پشت مساوی الشطور مظهر بنویسد و در دیگر مربع مضمر بدین طریق

مربع مظهر

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

مربع مضمر این است

۱۸۹	۲۰۲		۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۴	۱۹۷	۲۰۴	۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

دیگر خواص فاتحة الکتاب بعد او غرایب بسیار است و مشهور است که امیر المؤمنین ع بر دوست بزرگ خواند و دوست صحیح شد آن شخص پرسید که یا امیر المؤمنین ع بحق اسم اعظم که بر دوست من خواندی و دوست من صحیح شد که بگو چه اسم بود امیر المؤمنین ع فرمود که سورهٔ فاتحة الکتاب بود

www.telasm.com

www.telasm.com

آن شخص این سر تحقیر کند که سوره فاتحة الکتاب ... در شش ... بخواند ... بجا آرد ... که قرآن مجرب است
و اصل استفادات است و یقین چون این مربع بساعت مشتری بنویسد و قمر ناظر بسعد بود و به بیمار دهند تا با خود نگاه دارد
در صباح و مسا هفت نوبت بخواند و با وضو دارد الله تعالی شفا بدو ارزانی فرماید و هر کس که این مربع با خود نگاه دارد
و بدین نحو بخواند ۱۱۱۱ نوبت در رزق و روزی بر وی گشاده کردد و دشمن کرد و غرایبات و عجایبات از و بفعل آید

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین
اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم
مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم

خواص والهکم اله واحد چون این آیه را مربع بنگارند بساعت آفتاب و قمر ناظر بمریخ باشد بنظر سعد دارند این بر خصم غالب آید
و هیچ آفریده با او برابری نتواند کرد و اعدا مقهور گردد و اگر این را در ساز در چشم خلایق با هیبت نماید و چیزهای غریب مشاهده
کند و مثالش این است

والهکم اله واحد	لا اله	الا هو	الرحمن الرحیم
الا هو	الرحمن الرحیم	والهکم اله واحد	لا اله
الرحمن الرحیم	الا هو	لا اله	والهکم اله واحد
لا اله	والهکم اله واحد	الرحمن الرحیم	الا هو

و خواص آیة الکرسی هر که در مربع بنگارد در ساعت مشتری و قمر ناظر بسعود و دارند این مربع ایمن کردد از ظلم ظالمان و از قهر جباران محفوظ باشد و از جهت سحرها ایمن کردد و کشایش کارها و فتوحات از موی آید
و شرط خواندن آن است که چون این مربع بنگارند اسم خود
داخل کنند در عدد و بعد از آن پنجاه نوبت بخوانند و بخور بسوزانند و با کسی در آن حالت سخن نگویند و چون شرط بجا آورند
از عجایب و غرایب چیزها بیند دیگر و خاصیت آیت الرسول اگر کسی عدد این آیه را بگیرد و در مربع بنگارد وقتی که قمر ناظر بسعود باشد
بساعت سعد و اسم خود عدد بگیرد و در عدد داخل کند و چون مربع تمام کرده باشد صد نوبت بخواند و در یک مجلس بخور
بسوزاند و در آن با کسی سخن نگوید و چون این مربع با خود دارد و بدین آیه ملازم شود و دایما بخواند اگر درویش باشد توانگر کردد

www.telasm.com

www.telasm.com

و اگر تیر نیز نوشته کرده و بخشم خلایق غریب نکند در نفوس هیبت از عظیم دارد و دیگر خواص قل اللهم مالک الملک
تا بغیر حساب عدد کبیر او اگر کسی از منصب انداخته باشد یا منصبی طلبد این آیه را عدد بگیرد و عدد اسم آن شخص اضافه کند
و در مربع ثبت کند بساعت سعد و قمر مسعود باشد چنین نوشته شود و بخور بسوزاند بهشت روز بهفتصد بار بخواند و
در حالت خواندن سخن نگوید و در ناشب چنان عمل کرده باشد به منصب جاه و دولت روی نماید و اگر در عقب هر نماز نیز
ورد سازد فتح و جمعیتش روی نماید و توانگر گردد و دیگر خواص ان الله وملائکته تا آخر آیه هر کس این آیه را عدد بگیرد و
اسم داخل کند چنانچه قمر ناظر مسعود باشد بساعت نیک نه عدد بکار برد و بخور بسوزاند و عدد آن حاصل صد بار بخواند
و چون بدین عمل ملازم شود این مربع با خود دارد مقبول القول گردد و هر کس که سخن گوید مطیع و فرمانبردار گردد و جمیع خلق
او شوند بشرط طهارت و چون اسم خود و اسم مطلوب جمع بگیرد و اضافه این عدد کند و در مربع بکار برد و با خود دارد و این
آیه ملازم شود محبت عظیم روی نماید و اگر کسی نقاوت کرده و خواص آیه ختم الله تا غشاوة عدد بگیرد چون از شخص هراسان باشد
عدد اسم آن شخص بگیرد و عدد آیه اضافه کند و در مربع بکار برد چنانچه قمر در ثور باشد یا سنبله و قمر ناظر مسعود باشد
بساعت نیک و آن مربع با خود نگاه دارد و این آیه بعدد اسم آن شخص بخواند البته زبانش بسته شود و اگر خصمان جماعتی
باشد عدد جمله بگیرد و این عدد اضافه کند و در مربع ثبت کند و در روز نیک کارش کند و نام خصمان ببرد زبان جمله بسته
شود و هفت نوبت در آن ساعت بخواند این آیه را وجعلنا من بین ایدیهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون
قال اخسئوا فیها ولا تکلمون و شاهت الوجوه وعنت الوجوه للحی القیوم این آیتها [illegible] بنویسد و اگر جمله را بعدد بگیرند و نام خصمان
اضافه کند و در مربع ثبت کند اثر عظیم روی نماید تا غایتی که گنگ و لال شوند و این عمل از مجربات است
جهت عقد اللسان و دیگر خواص آیه محبت چون کسی ابتلای داشته باشد خواهد که اگر اسیر خود کرد از عدد لو انفقت
ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم و عدد اسم طالب و مطلوب بجمل کبیر بگیرد و
اضافه کند و در مربع ثبت کند و هفت روز بعدد اسم مطلوب این آیات بخواند و آن مربع با خود دارد که مطلوب مسخر گردد
و دیگر خواص یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله والقیت علیک محبة منی وانه لحب الخیر لشدید این هر یک خواص خواهند
و اگر این آیتها بجمیع عدد بگیرد و عدد اسم طالب و مطلوب اضافه کند اثر عظیم روی نماید و آن کس مسخر او شود و می باید که قمر ناظر بزهره
باشد و بساعت مشتری و زهره اولی و انسب باشد و دیگر خواص آیه زین للناس تا حسن المآب همین عمل کند و از مجربات است
و دیگر خواص لو انزلنا هذا القرآن تا یتفکرون جهت مسخر کردن احمقان و جباران چون اسم آن شخص اضافه این کند و در مربع
ثبت کند بساعت موافق مقصود حاصل گردد و دیگر خواص لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز تا رحیم چون کسی را خواهد که مسخر
خود گرداند بگیرد اسم خود و اسم آن شخص بجمل کبیر با عدد این آیه در مربع بکار برد و بساعت موافق و قمر ناظر بسعد و چون شب یکشنبه
یا چهارشنبه سه دوم هفته باشند وضو سازد و دو رکعت نماز کند در هر رکعت اول یکبار فاتحه و بیست بار لقد جاءکم و در رکعت دوم

www.telasm.com

www.telasm.com

فاتحه و بیت یا لقد جاءکم و در رکعت دوم یکبار فاتحه و بیت یا لقد جاءکم بخواند و چون سلام باز دهد ده نوبت بگوید
ترسند و بعد از آن بخوبی چند بیت یا بگوید یا رحیم فلان را مهربان من گردان و چون این نماز گذارده باشد هر که
شود مهربان گردد تا غایتی که وصف نتوان کرد و دیگر در خواص و من یتق الله یجعل له تا لا یحتسب چون کسی دست تنگ باشد
این آیه عدد بگیرد با اسم آن شخص در مربع ثبت کند بساعت موافق و در عقب هر نماز بعد از اسم خود بخواند و اگر نتواند
بجمل صغیر بخواند الله تعالی در روزی فتوحی بروی گشاده گرداند و مربع با خود دارد و دیگر در خواص قل ان الفضل بید الله
یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم چون این آیه کریمه را در مربع بنگارد
بساعت موافق و قمر ناظر بسعد باشد و در دکانی که بنا و بنیاد کند کثرة معامله پیدا شود و خرید و فروخت از حد عظیم دارد
و همچنین این آیه را ورد سازد برکتی در همه کار او پیدا شود و مقبول القول شود و خلایق او را عزیز دارند و دیگر در خواص
و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا آخر کتاب مبین چون کسی خواهد که احوال گمشده یا غایب خبر یابد یا از روزگار
آینده خود که چه پیش خواهد آمد شب یکشنبه یا شب چهارشنبه عدد این آیه بگیرد و عدد اسم خود و این جمله در مربع
بنگارند و این آیه را در حوالی مربع بنویسند و هشت نوبت بخوانند و هفت نوبت سوره والشمس بخواند و این مربع در زیر
سر نهد و در خواب رود و نیتی که دارد باز گوید روحانیان او را از آن خبر دهند و حقیقت استقبال بدانند و اگر بدین آیه
ملازم شود غنی گردد و هر صباح که شود هر کس که با وی سخنان غریب بگویند و بسی عجایب ابو ظاهر شود و اثر
عظیم دارد و دیگر در خواص آیه الله نور السموات والارض تا آخر آیه که چون کسی را چشم درد کند و این آیه را بگیرد و عدد
اسم آن شخص اضافه کند و در مربع بنگارد وقتی که قمر ناظر به شمس باشد و بر میان سر نهد که البته شفا یابد و درد
چشم از آید و اگر روشنی آفتاب این مربع بنگارد و با خود دارد تسخیر خلایق حاصل گردد و علوم غریبه او را روی نماید
و از سید شرف الدین حسینی اصلاح منقول است که بخواند آیه نور العزیز و دیگر اسرار حرف قاف و کاف چنانچه
دیگر رضا فلوکی و اثری اینجا بطبع بر خلاف کر [illegible] اند در کرآن هر زمان صد بر روی در کن
قاف اگر کسی را ببندد باشند این دو سوره را بمشک و زعفران بنویسند در مربع و عدد اسم آن کس بگیرد و اضافه
کند چون با خود دارد و بصحبت مشغول شود گشاده گردد و از جهت باطل السحر مجرب است همه بر این صورت که ذکر
رفت و تصیدن و خیال فاسد را مؤثر است و شیخ ابو علی بیهقی در خواص این دو سوره گفته دیگر در خواص حوامیم و سوابح
بدانکه این سر نیست از اسرار اولیاء الله و تسخیرات کلی تمام و فتوحات ظاهر و باطن از مداومت این آیات بظهور آید
و در این اوراد غرایب و عجایب بسیار است چون کسی خواهد که با این آیات مشغول شود باید که بطهارت باشد و پرهیز
و با رهبا باشد و ابتدا بروز یکشنبه کند بساعت از اسم خود بجمل کبیر بگیرد و اضافه این آیات کند و در مربع بنگارد هم مظهر

www.telasm.com

www.telasm.com

وهم مضمر ونحو لبس انند واین آیات بعدد آیات اسم خود بخواند ومربع با خود نگاه دارد و دست که از روز بگذرد و در عدد آیه دیگر بگرد و عدد اسم خود نگاه کند و دو مربع بنگارد و بعد از آیه و اسم خود بخواند و این آیه را با خود دارد تا آخر این مثال تا چهارده مربع از حم حاصل شود و چهارده از سوره بعد از آن با بن آیتها صباح و عصر مشغول شود با ین طریق که ذکر رفت چون ایام بعدد اسم او بگذرد نتایج غریب ازو بظهور آید و دولت بیش شود و صاحبه از اولیاء کبار شود ولذ مغیبات مجنون بود و اگر فقیر باشد غنی گردد و اگر ضعیف حال بود قوی حال گردد و روز کار رش بخوبی بگذرد و آوازه او در عالم منتشر شود در شهوت حرام و حلوا خوردن و دروغ گفتن احتراز کند و چون بصورت صلاح بین او را مشغول شود کرامات از و بفعل آید و انتشار بر مخلوقات و حیوانات او را حاصل شود و محبت و عقل ... و غالب شدن بر اعدا و شوکت او هر چه غالب باشد و صورت بانمایم تا بر طالبان آسان شود و باقی بر این قیاس کنند که مجربست والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم و دیگر بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل من الرحمن الرحیم کتاب فصلت آیاته قرآنا عربیا لقوم یعلمون بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم حم عسق کذلک یوحی الیک والی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم والکتاب المبین انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون دیگر بسم الله الرحمن الرحیم یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر و دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ان فی خلق السموات والارض لآیات للمؤمنین دیگر بسم الله الرحمن الرحیم فسبح باسم ربک العظیم دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز ما خلقنا السموات والارض وما بینهما الا بالحق بسم الله الرحمن الرحیم سبح اسم ربک الاعلی الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی یک دو تسبیح لله و یک لوح از حم است باز تمام مابقی بر این قیاس کنند

لبسم حم تنزیل	الله الکتاب من الله	الرحمن العزیز	الرحیم العلیم	۵۵۴	۵۶۸	۵۶۴	۵۶۱
الرحمن العزیز	الرحیم العلیم	لبسم حم تنزیل	الله الکتاب من الله	۵۶۵	۵۶۰	۵۵۵	۵۶۷
الرحیم العلیم	الرحمن العزیز	الله الکتاب من الله	لبسم حم تنزیل	۵۵۹	۵۶۲	۵۷۰	۵۵۶
الله الکتاب [illegible]	لبسم حم تنزیل	الرحیم العلیم	الرحمن العزیز	۵۶۹	۵۵۷	۵۵۸	۵۶۳

www.telasm.com

www.telasm.com

۱۰ الخواص ایضاً مجتحابه علماء اعداد متحابه شفوقا بسیار در کتب ذکر کرده اند و بعضی اسم الصباح بذکر او نیست و از جمله خود عدد

اعداد متحابه که اول المتحابین است آن است که این عددین یعنی ۲۸۴ و ۲۲۰ طالب مطلوب یکدیگر نموده اند که در شب

دیگر بیسکار در اسم مطلوب در صفحه طالب بنویسد و اسم طالب در صفحه مطلوب بنویسد طالب مطلوب باشد و مطلوب

طالب الکلام عند الله

وفق المحب

وفق المحبوب

٧٠	٦٤	٧٧	٦٣
١٠٦	٦٤	٦٩	٧٥
	٦٧	٢٢	٦٨
١٠٣	٦٧	٥٥	٧٨

٥٤	٥٩	٦١	٤٢
٦٠	٤٩	٥٣	٥٩
٣٠		٥٦	٣٢
٥١	٥١	٥٠	٦٢

منقول است آنکه بر کرد و نزد نام حضرت علی علام را حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در

در رق مربع نگاشته دارند و دفع مشهور است و خاصیت این مربع آن است که آفتاب در شرف باشد این مربع

بر صفحه نقره یا کاغذ دارند این مربع عزیز باشد بنظر سلطان و بندگان و مخصوص از شر ایشان ... و از جهت محبت

و در جمیع کار رها نماید و مربعات دو فوق بر مثلث ۷ ۲ ۳ ۱ ۹ و مجموع اضلاع شش ۲۸ ۷ ۷ ۳ مربع

حامل می باید که با طهارت باشد همیشه مداومت بر قرائت اسما کند تا اثر پیدا کند ان شاء الله تعالی خواص و نقش ۴ اسم

بقراءت چهل اسم مداومت نماید محتاج به عدد دو ۴ اسم را فراگرده در مربع وضع کند و با خود نگاه دارد که او را

حاصل گردد در مقصود رسد دیگر هر که این مربع بکار دو در شرف آفتاب در ثور باشد حامل این شکل چون ملازم با اسم

او را تسخیر ارواح علوی و سفلی حاصل شود و هیبت در دل خلایق از او پدید آید و اگر نزد ظالم برد آن ظالم مغلوب گردد

و این تجربت است دیگر کسی محبوب هر کسی داشته باشد چون با اسم

و دود مداومت نماید و در شرف زهره این شکل را وضع کند با خود

دارد محبوب و دیگر اگر کسی شکل مربع فوق را

تسخیر او شود ضعیف مزاج باشد با خود دارد

هیکل او قوی شود و با قوت و هیبت باشد در میان خلایق

و دیگر قواعد

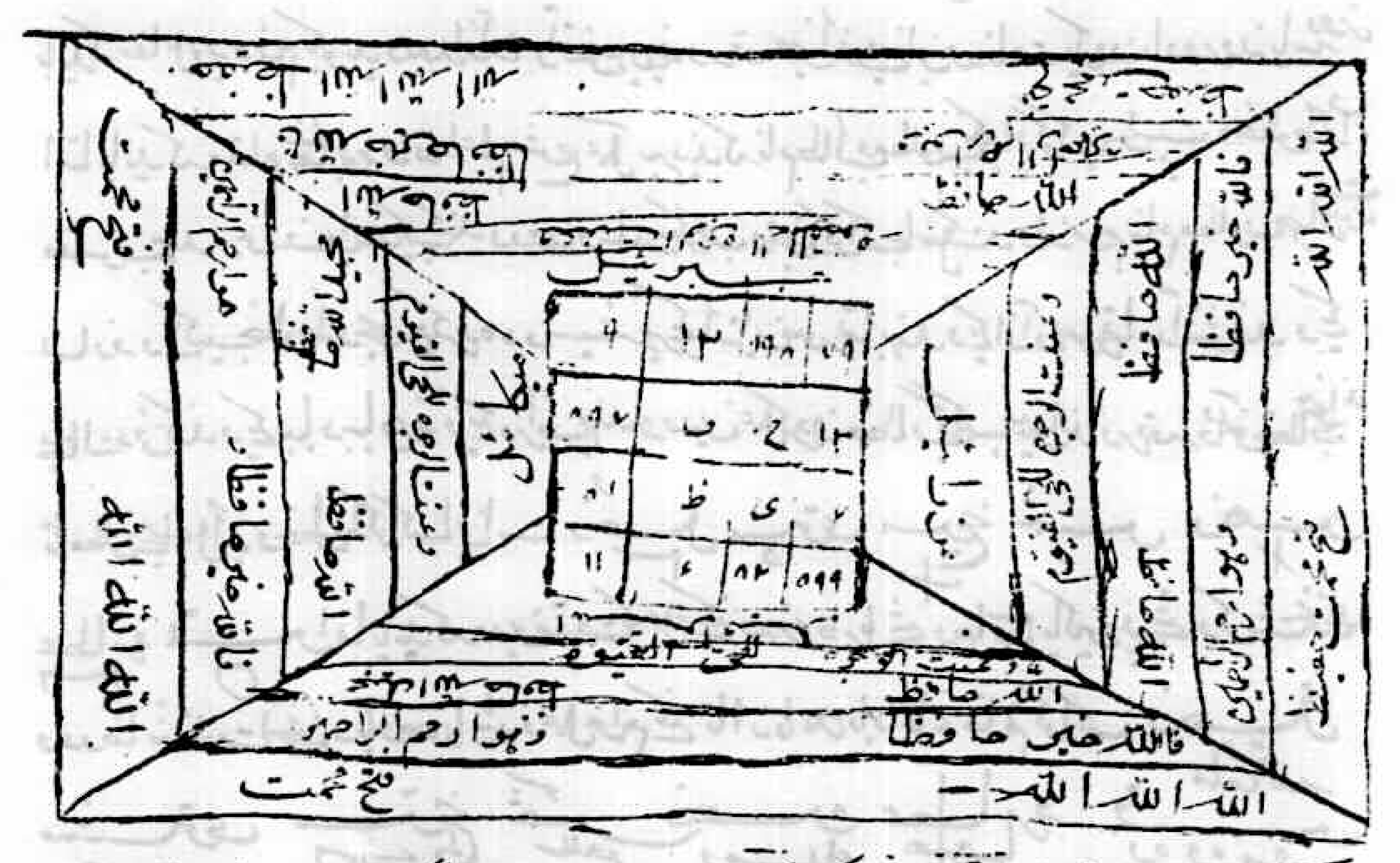
١٠ی	ی	ب	ب
ب	١٠٠ب	ی	ب
ب	ب	ی	ی
١٠ی	ی	١٠٠ب	ب

همچنین که در مربع نظر باید در رنگ و عین این است که اشکال آن در نزد ما است بصورت هذا

www.telasm.com

www.telasm.com

تعلیق هر که این شکل در شرف آفتاب با دود خوش بر این طریق نویسد بر کتف با خود دارد از شر حاسدان
نمود بنگارد آیات را
و کید حاسدان و شر ظالمان و جباران محفوظ باشد و اگر خوف داشته باشد ایمن گردد و کشایش
در کار او روی نماید و فواید بسیار در این مربع است بدین صورت که نموده شد



الفصل فی خواص الحروف و تاثیرات آن در اینجا کوئیم که هر چه در عالم از اجسام متکون شود هم چنانکه آن الطبیعت
و اجسام و اسمی بین و اجسام و آن اسم از طبایع اربعه خالی نباشد و بین میکوئیم که از طبایع دو فاعله و دو مفعول
و دو مفعول حسیحی که برودت و رطوبت لازم آید پس حرارت با یبوست مبارزان اند در فعل و برودت با رطوبت هم چنین
پس اسم در شخص حروف کوکبی که لشخص مطلوب نسبت معروف معجم کنیم بهر جا که در اول اسم معروف کنیم با حروفات معجم و معرب
آید و این معنی در بعضی اسمار است آید و در بعضی نباید فصل در ترکیب حروفات اسما چون خواهیم که عمل بغض و
محبت کنیم اول حرف از نام طالب و حرف اول از نام مطلوب و حرف اول از نورانی کوکب مطلوب منسوب است
بستانیم و مرکب کنیم و بر جای ترتیب از هر یک حرف سادس بکیریم بعد معجم و معرب کنیم جمله حروف را معرب و معجم کرده باشیم
و حنده عمل معین باشد پس بخور آن کوکب که در عمل آورده باشد بر آتش نهد از تا مطلوب حاضر آید و اگر کسی این نام
فاش کرده و بدست نامحرم دهد نا انجام عمل کرده آنم کرده در نزد خدا یتم و جدول عناصر بعد این است
حروفات کواکب سبعه این است زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
اجهب ون ر د ی کس ن ش ط م ف ع غ ض ت ز ق ث ظ ذ ج
حسب چون خواهیم که حروف محمود و فاطمه را و حروف اول زهره ترکیب کنیم این حاصل شود مقم باز حروف دوم

www.telasm.com

www.telasm.com

آن بلند ترکیب کردیم این حاصل شد مطلق مغ و حروف پنجم از کوکب باشد منوال حا ف ظ

حروف حار نخ	ا و ی ل م ن ع
حروف یابس نم	ج ز ک س ف ث ح
حروف رطب کسر	ه ح ر ش ث ذ ص ط
حروف بارد جزم	ب ه خ غ ض ف

این حاصل شد حاف و از حروف سیم و از حروف چهارم این حاصل شد و این شد دهم و چون حروف نامها زیادت باز از سر گیرند و معرب و معجم کنند بر این و مغ دهم لیس بجد و زمر بکار دارد

باید که مقابل روح و نم بگوید و بعد از آن بر آتش میریخ و در رقعه میخوانند یعنی این حروفات یکروز یا دو روز یا سه روز اما باید که مقام خالی بود والله اعلم شرح عمل بر بیند که نام طالب و مطلوب بکدام کوکب منسوبست و خطوط کواکب منسوب بنهد و حروف را و ترکیب کند و روز و ساعت کوکب و بخور کواکب حاصل کند و از موم بنام مطلوب چهار صورت بسازد و ترکیب خطوط و بخور کرده و در سینه هر یکی از این صورتها بنهد و یکی از آن صورتها در آتش نهد و یکی بخاک دفن کند و یکی بباد بیاویزد و یکی در آب بنهد و در این عمل کردن خطاب کوکب میخوانند در رقعه دائم خطاب میخواند تا مطلوب حاصل آید و خطوط کواکب این است زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر اما باید که در این مدت که عمل میکنی روزه دار باشی و جامها پاکیزه پوشی و گوشت نخوری و عورتان نزدیکی نکنی و با وضو باشی و عمل را علم بکنی تا از تمام بازمانی خاتم کواکب زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر

خطاب زحل این است ایها السید العظیم اسمک الکبیر شانک الرفیع قدرتک الغالبة و حیلک ثابت الزحل الیابس البارد المظلم النحس الصادق فی القول الغضب التعب المحروح بالغم والحزن المنفصل من الفرح المحتال المکار العالم الشیخ المحزون البخت والسعید من اسعدته اسئلک ایها الاب الذی بحق الآباء العظام والخلاق الکرام ان تفعل فی مرادی و مقصودی خطاب مشتری ایها السید المبارک الحکیم الدین الزاهد البایع عظیم الهیبة المصالح الکریم الشیخ المعین الوفی بالعهد اسئلک ایها الاب بحق احسانک الجمیلة و افعالک النقیة اسئلک ان تفعل فی مرادی و مقصودی خطاب مریخ ایها السید الفاضل الحار الیابس الشجاع القلب المهرق الدم القاهر الغالب العطاش الحدید صاحب الشر والعذاب والمقرون والنحس والکذب والنمیمة والقلیلة المقالات بالقتال توحید الغریب حامل السلاح کثیر النکاح اسئلک فی مرادی و مقصودی خطاب شمس ایها السید الحار الیابس الکریم الحکیم ملک الکواکب ذلک الفضل علیهم اذ هم بک یسعدون اذا نظرت و یحسوا اذا جامعت فلم یحط معرفة ضدک علی تدبیرک کنه شرفک فی السماء یا قوی الاقویاء و یا شدید البطش اسئلک

www.telasm.com

فی مرادی ومقصودی خطاب زهره ایتها السیدة المبارکة الرطبة المعتدلة اللطیفة الفطرة الحسنة الخلقة الضاحکة
صاحبة الحلی والزینة اللهو والطرب والذهب والفضة والسماع الذی یتحرک به العیدان صاحبة اللعب والمزاح القاهر
الطایلة المتوکدة العاملة المحبة للحنین والنکاح صاحبة السرور ان تفعلی فی مرادی ومقصودی خطاب عطارد ایها
المفسد فی حال القاصد صاحب بخت والمکر الصادق اللطیفة الکبیر الحنیف فلا یعرف الطبع ولطف فلم یوصف بصفة
وانت مع السعود سعد ومع النحوس نحس ومع الذکور ذکر ومع الاناث انات ومع النهار نهاری ومع اللیالی لیلی تمازجهم
فی طبایعهم ومشاکلهم اسئلک ان تفعل مرادی ومقصودی خطاب قمر ایها السید السعید البارد الرطب الجمیل القاضی فی التدبیر
المحب اللهو والهوی واللعب صاحب کل برید وقلب الاعمال البلد السخی الحکیم انت اقربهم الینا واعظم اسئلک فی مرادی
ومقصودی شرح عزیمت میططرون ملک الجن چون خواهی که سرگوشه دار طلبید و روغن کنجد در آنجا کند و بنده صبائی
خانه بیاویزد و این عزیمت بر وی بخواند تا هفت نوبت یا بیست و یک نوبت که بشنود مژده باشد آن چراغ که آن شخص
پیش تو حاضر شود و اگر خواهد این عزیمت بر پاره حریر ابیض یا جامه مطلوب بنویسد و فتیله کند و در چراغ غدران
بنهد و روغن کنجد بر افروزد و در حجره غدران بجانب خانه آنکس کند که آنکس سفر کرده و خود را بدان شخص
رساند عزیمت این است عزمت علیکم ایها الملک الکبیر بحق سلیمان بن داود علیه السلام و آصف بن برخیا و بحق
اسم الذی هو بین النجوم وساعتها ونقش الخاتم وما فیها بحق هذه العزیمة کلاوه هو بن کسقیوا کتیخ
کسطهر هشط الوحا الوحا الوحا طشکیاق اهوشط اططم هیال ططططعال میططرون یا
معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان ایها
الجان بحق میططرون الملک الموکل علی الجان والعفاریت اجابة اجابة یا اجا مع الارواح بحق عفاریت الذی
موکل علی البر والبحر وبحق هذا الاسم العظیم یا محتمطهها رش الوحا بحیححطلکیع اداوادا و
عزمت بحق رب البیت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور ان عذاب ربک لواقع ما له من دافع
استجیبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد له من الله ما لکم من ملجأ یومئذ وما لکم من نکیر وانتم سامدون
شرح عزیمت میمون الزنگی بیاد سفال آب نارسیده و این عزیمت بنویس سیاهی و در شود تا فتاد انداز که بقرار شود
مجرب است و اگر خواهد که غایبی را از راه دور بیاورد از موم دو صورت بسازد اما اگر یکی باشد بهتر بود و اگر مطلوب
مونث باشد صورت مونث بسازد و اگر مذکر باشد مذکر باید که هر دو را پیدا کند تا مقعد و خصیتین
و این عزیمت بنویسد و در زعفران بنویسد و در شکم صورت نهد و در محل خلوت نهد و این صورت سرنگون از چوب آویزد
بیاویزد و در صورت بخور بکند و بیست و یک نوبت این عزیمت بخواند و در دیگ علک و ساج و سندروس دود کند

www.telasm.com

www.telasm.com

و چون تمام شود عود و عنبر دود کند و یک نوبت عقد بخواند و بچشم صورت نزده بگذارد و اگر این عمل سه شب کند یا در یک روز سه بار و قسم بجان سلیمان علیه السلام دهد مقصود حاصل شود ان شاء الله تعالی تم عزیمت میمون زنگی این است عزمت علیکم یا میمون زنگی کرع کرع حرع حری زنگی ۳ اوکا ۳ بنیاکا ۳ اشکلینا ۳ کاعدکا ۳ تمخدکا ۳ اوجکا ۳ تلاش طلاش ۳ عبس ۳ الجیح ۳ بوداس ۳ مندوس ۳ مندوسکا ۳ سرهیوس ۳ سرهیوسا ۳ اسرار ۳ کهیکهیسوس ۳ مهراس ۳ کرهوش ۳ اجبت کیجت ۳ فه تفرع وتلیا وتقیطهطهیل ۳ طفنا ۳ طیشا ۳ وسکطیا ۳ کتمها ۳ ططاری ۳ ططمری ۳ سهیکال زنکیا ۳ احیا یا میمون الزنکی اجابت اجابت اجابت الوحا الوحا العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة النار والنار الحریق او خلاصه ایها الارواح بحق نقش الخاتم میمون الزنکی اظهروا صورکم وسیلکم علی هذا الیمان فی هذه الطلاسم کلام شقح شقشوخ درهوقوشوش آمین آمین الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة هر کس خواهد که صلاح و فساد کار عبدالله این پنج کلمه بر ناخنها دست راست بنویسد هر کلمه بر ناخنی و دست در زیر سر نهاده بخواب رود اگر سبز بیند بنایت نیکوست و اگر سیاه بیند کردن آن نکرده کلمات این است افتادین نراپش موهن سوهن سوهن هر که را امر کشتن نماید این نوشته را در صوم کرفته در زیر زبان کذارد خلاص یابد مسلمه رسالہ و هر که خواهد حال خود را در خواب ببیند این دعا بر پشت دست خود بنویسد و دست در زیر سر نهاده در خواب رود و حال خود را در خواب ببیند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم سیهیهیام مجهد یا حی یا قیوم بمحبتنا و تمیتنا و تحیینا اللهم مغفرتک اوسع من ذنوب و رحمتک عندی من عملی خاتم جهت آواره کی بنویسد و در پای کچکتک بندد و تا دو روز یکساعت باز نماند و مجرب است رهائی تم و اگر خواهی که بیاری بنویسی بدرخت میوه دار رها وی ناز آن طرفی که رفته است بیاید و اگر خواهد که زندانی خلاص شود این خاتم بر پاره خاک گورستان خواند و در آنجا برد که هم در روز خلاصی یابد و اگر خواهد که خواب کسی را ببندد این را بنویسد و در آن ازار بندد و از هوا بیاویزد که مجرب است شمخیال شر خیال اسرائیل مکربیال الشخوبیال السیطل و یخبرئیل الحمدلله وحده باب الحب اگر خواهی که کسی را مسخر خود کردانی که تا زنده باشد سر از قدم تو بر ندارد و مطیع و مبتلا کرده و اگر یکدم ترا نه بیند قرار و آرام و خورد و خواب نداشته باشد بنویس روز پنجشنبه که ساعت سعد باشد بمشک و زعفران و گلاب در شیشه مینا کند و این اجزا بدو شیشه کند مقل ازرق علک رومی بنفشه خشک پوست نارنج نمک هندی کوکرد عود و نبات بالادر

قدرے قدرے قدرے قدرے قدرے قدرے ۲ م ۳ م

روغن یاسمین روغن زیت روغن بز کهن سر شیشه را محکم کرده چهل و یک روز در آفتاب

۱۰ م ۱۰ م ۲۰ م

بیاویزد که مجرب است و بیم دیوانگی است و رسوائی و این عمل و این عمل جالینوس حکیم است تنها که پیش از چهل و یک روز در آفتاب

www.telasm.com

www.telasm.com

نگذارد که بیم خستگی و بلا کی در این عملست نفی که جهت حلال کند و بنا اهل بنا مور که شرمنده درگاه رب العزت

شرح ۱۳۱۱۲۱ لا ۴۳۳۱۱۷۱ ۳۱۱۴۱۱۴ ۱۱۹۱۹ ۱۱۲۱۱۸۳

ف ٨	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ت ٤٠٠	الفتاح
١١	ح ٨	١١	ح ٨	١١	ح ٨	العجل
ف ٨٠	ت ٤٠٠	١١	ح ٨	ف ٨٠	ت ٤٠٠	راح
الساعة حرکت	العجل تلب	العجل [illegible]	العجل [illegible]	العجل [illegible]	العجل [illegible]	العجل [illegible]

٨٣	١٣	٩٧	٥	٦٢	١٣	٣٣	٩٧	٢١
١٣	٩٧	٥١	٧٤	١٦	١٩	٧٣	١٩	١٢

۱۱ ۸ ۲۱ ۸ ۱ ۸۱ ۱۱۱۱ ۵۵۵۵ ۱۱

جهت گشایش کار بنویسد این نقش در رهشت روز
دیوار این است

فصل در بیان الواح ربع در نفع نخستین لوحی
که در ربع ممکن باشد مربع چهار در چهار است
و طریق وضع او مشهور است از هر خانه که ابتدا
کنند چون لوح تمام شود وفق او راست باشد
حکماء این نقش مربع را چهار صد نقش کرده اند
بر ضابطه اوفق و حکیم ابو ریحان که
از حکماء اسلام است چند فصل در خواص این مربع
از قول حکماء هند استنباط کرده بغایت مجرب است.

٤٤	✗	١١	٤٣	٨٤	٨٣	٨٤٠	٩٠ ٤
٣١١	١٨	٤٩	٣٤	٢٢	٤٢	٣	١٤١
٣لا	دم	٣٤	٣٣	٤٣	٢٣	٢٤	٢٦
٤٤	٣٦	٣٧	٨لا	٢	٢لا	٢٣	٢ ٣
٣لا	١٣	٢٣	٩٣	٤٨	٢لا	٦٦	٦٦
٤٤	١	٢	١٦	٤٦	٤	٩٤	٤٧
٨	٢	٦٣	١١١	٣٣	١٣	٢	١٠

و در جمیع امور از خیر و شر و نفع و ضرر و حصول مقصود و بر آمدن مهمات و رواشدن حاجات و در دفع شر اعدا
نظیر ندارد و واجب نمود شرح آن تا این مختصر از آن فواید خالی نماند فصل اول در محبت چون خواهد که کسی محب خود
سازد چنانکه یک لحظه بی تو نتواند بود بگیر نام آنکس که مطلوب است و نام مادرش و نام خود و نام مادر خود
بحساب جمل جمع کن و هزار و پنجاه عدد دیگر اضافت کن که در این عدد سری است از اسرار الله تم مجموع بطریق وفق
بهمین ضابطه که در مربع اول است درج کن می باید که در ساعت اول روز یکشنبه یا ساعت یکشنبه در لیل که
آفتاب باقی در ساعت کتابت این مربع کشند با عود بخور کند و در همان ساعت بنجد و در موم گیرد که در مجلس غربت
سوختن باشد اگر این عمل را از بهر مدح کند بر بازوی راست بندد و اگر از بهر زن نویسد بر بازوی چپ بندد و که
بکاغذ و در نویسد به بوده و اصل شکل این است

٤	١٤	١٥	١
٩	٧	٦	١٢
٥	١١	١٠	٨
	٢	٣	١٣

عقد اللسان در روز دوشنبه

بنده از دانش ۲۱۷ عدد اضافه کن و بر کاغذ
نوع دیگر بستان و در روز دوشنبه یا چهارشنبه یا پنجشنبه

زبان بند خصم ۱۶
با آدینه یا یکشنبه عطارد

٦	٩		٣
١٢	٧	٣	١٣
١	١٤	١١	٨
١٥	٣	٥	١٠

www.telasm.com

www.telasm.com

 چون زهره در ثور باشد یا در اسد ناظر بقمر یا مشتری بنظر عدو بر اعداد اسامی ۱۲۰۱ عدد اضافه کن و بر ورق آهو نویس و بر بند شلوار بند این است

۱	۶	۳	۹
۱۱	۱۰	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷

نوع دیگر در روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۸۲ ۱۸ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در زیر سنگ گران بنه اگر در ساعت نوشتن قمر در سنبله باشد ناظر بعطارد انسب باشد این است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳		۳
۱۱	۸	۵	۱۰

نوع دیگر بر اعداد اسامی ۱۵۰۶ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در زیر سنگ گران بنه زبان خصم بسته شود این است

نوع دیگر در عقد الرجال بر اعداد اسامی ۳۰۰ عدد اضافه کن و بر ورق آهو یا پوست نویس و در جای کتابت مقل اندر بخور کن و لوح نوشته را در زیر آستانه آن کس پنهان کن و نام مطلوب و طالب را یاد کن این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۵	۱۷
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	

نوع دیگر در روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۵۰۵ عدد اضافه کن و بر ورق آهو بنویس و بر بند شلوار بند و بقولی در روز شنبه باید نوشت لوح این است

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱

نوع دیگر بر اعداد اسامی ۶۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در آب انداز تا بخورد آن کس و هر دو بسته شود بفرمان خدا بستم آیت

۵	۱۰	۱۵	۴
	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱

نوع دیگر عقد النظر در شب چهارشنبه بر اعداد اسامی ۱۹۰۰ عدد اضافه کند که مجرب برسیده است این است

نوع دیگر در روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۲۰۰۴ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بر شکم ماهی بند و در گورستان دفن کن که نظر بسته شود این است

۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷
	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴

۲	۱۳		۳
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
۱۴	۱	۴	۱۵

نوع دیگر در روز چهارشنبه در ساعت آفتاب بر تثلیث زهره یا قمر و اگر قمر در ثور باشد بر اعداد اسامی ۲۰۹ عدد اضافه کند و بمشک و زعفران و گلاب بر ورق آهو نویس و در ساعت کتابت بخور کند عود و لادن و بشرط مذکور با خود دارد مقصود حاصل شود این است

نوع دیگر چون آفتاب بجوزا باشد در روز چهارشنبه بوقت طلوع آفتاب بر اعداد اسامی ۱۴۰۰ اضافه کن و بنویس و در خانه خود بیاویز که باد او را می جنباند و در زیر او قدری مقل بخور کند آرام و قرار دشمن نماند لوح این است

۸	۱۴	۱۱	۱
۳	۹		۶
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵

www.telasm.com

www.telasm.com

نوع دیگر روز پنجشنبه که آفتاب در ثور باشد بر اعداد اسامی ۴۰۲ اضافه کن و بمشک و زعفران و گلاب بنویس و بشرط مذکور با خود دار که مطلوب حاصل شود لوح این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
	۳	۲	۱۳

نوع دیگر روز پنجشنبه که قمر در ثور باشد بنظر تسدیس با عطارد و بر اعداد اسامی ۱۴۰۸ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و گلاب بنویس و نوشته را در موم گیرد و بشرط مذکور با خود دارد و نگاه حرام نکنی که اسم باری تعالی در این لوح مندرج است لوح این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

نوع دیگر چون قمر در ثور باشد یا در اسد و مشتری یا زهره بر تسدیس یا بر تثلیث قمر باشد بساعت مشتری یا ساعت زهره یا آفتاب بر اعداد اسامی ۱۰۱۲ اضافه کند و بنویس بشرط مذکور و با خود دارد صورت لوح این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۹	۶	۷	۱۲
۵	۱۰	۱۱	۸
	۳	۲	۱۳

نوع دیگر در محبت یا جهت نزد سلاطین روز شنبه بر اعداد اسامی ۶۳۵ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بموم گرفته در آب انداز و دیگر خود را بدان آب بشوید و نزد هر که خواهد برود در ساعت محبت بیفزاید این است

	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۴۵ اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم که در مجلس عشرت حاضر باشند بگیرد و با خود نگه دارد لوح این است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳
۱۲	۷	۲	۱۳

نوع دیگر روز پنجشنبه بر اعداد اسامی عدد اضافه کن و در روغن بادام انداز و هفت روز بگذار بعد از آن چون پیش مطلوب روی از آن روغن بروی خود بمال لوح این است

۱	۱۱	۱۴	۸
۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳
۱۲	۷	۲	۱۳

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰۲ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران بر پوست آهو بنویس و با خود نگه دارد که مجرب است و لوح مزبور این است

۱	۱۴	۱۵	۴
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۳	۲	۳	

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰۶ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و گلاب بر حریر سفید بنویس و با خود دار لوح این است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۸	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰

فصل در محبت شدید روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۲۲۴ اضافه کن و بر کاغذ پاکیزه بنویس و در موم گیرد و بر بازوی راست ببندد این است

۱	۱۵	۱۴	۴
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	

نوع دیگر روز جمعه بر اعداد

۷	۹	۱۲	۶
۲		۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۱۱	۵	۸	۱۰

www.telasm.com

www.telasm.com

اسامی ۲۰۰ اعداد اضافه کن و بنویس بمشک و زعفران و گلاب بر بازوی راست بندد که مجربست لوح این است

۱	۱۱	۱۴	۸
۶		۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

۱۶

نوع دیگر روز یکشنبه با اعداد اسامی ۲۰۱ اعداد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم گیر و بر بازوی راست ببند این است ۱۰

	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

نوع دیگر روز شنبه با اعداد اسامی ۲۱۰ اعداد اضافه کن و در کاغذ پاکیزه نویس و در موم گیر و بر بازوی راست ببند این است

	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

نوع دیگر روز سه شنبه با اعداد اسامی ۴ ۱۰۱ اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم گیر که در مجلس عشرت سوخته باشند و هر بامداد در گلاب نهد و در یک خوره مالد و در یک خوره بدان بشوید و خشک کند که هر کس او را ببیند دوست دارد این است ۱۶

	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

۱۶

نوع دیگر روز پنجشنبه با اعداد اسامی ۹۳۵ اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در روغن یاسمین اندازد و سه روز بگذارد و بعد از سه روز برگیرد و هرگاه پیش مطلوب بعد تدریج بر یک خوره بمالد که شیفته و عاشق شود این است

نوع دیگر روز آدینه با اعداد اسامی ۳۱۰۰ اضافه کند و بر ورق آهو نویسد و در روغن بادام اندازد و هفت روز بگذارد و بعد از هفته در یک خوره بمالد چون اگر او را ببیند دوست دارد لوح این است ۱۰

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	

فصل در دفع دشمنان اگر کسی را دشمنی باشد که با او بر نیاید روز چهارشنبه با اعداد اسامی ۴۵۰۷ عدد اضافه کند و بجوز کفتار یا مجرو بپوست خر نویسد و در دوا هلکه زان کس دفن کند مجربست

۱۱	۵	۸	۱۰
۲		۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶

نوع دیگر روز چهارشنبه با اعداد اسامی ۴۰۱۰۰ عدد اضافه کن و بجون آدمی بر کاغذ نویس و در گلخن حمام دفن کن لوح این است ۱۶

۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳
۶		۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

نوع دیگر شب شنبه با اعداد اسامی ۹۰۰۵ عدد اضافه کند و بنویسد بر کوباسه کمان کفن مانده باشد و از تیر صورتی سازد و نوشته را در شکم صورت نهد و در گورستان دفن کند تا عجایب ببیند لوح این است

نوع دیگر روز یکشنبه با اعداد اسامی ۵۰ بهم ۲ اضافه کن و بر پوست آهو یا پوست پلنگ نویس و بعد از عود و عنبر بخور کن و در سلاح خانه دفن کن

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

۱۰

نوع دیگر روز دوشنبه با اعداد اسامی ۱۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در گور باسه که از کفن مانده باشد

۱۵	۴	۵	۱۰
	۹	۱۶	۳
۱۳	۷	۲	۱۲
۱	۱۴	۱۱	۸

۶

www.telasm.com

www.telasm.com

بپیچد و در کوی کفن دفن کند شکل این است

۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸

(۱۶)

بر اعداد اسامی ۴ ۱۱۰ عدد اضافه کند و کرباسی که از کفن مانده بپیچد و صورتی سازد و در تابوت نهد و در گورستان نهد و دفن کند لوح این است

نوع دیگر روز دوشنبه بر کاغذ نویسد و در ولو شسته داده شکم صورت

فصل در فتح الرجال شب جمعه بر اعداد اسامی ۴۰۴ عدد اضافه کن و در پاره کرباس نویس و در آب روان انداز لوح این است

۹	۷	۶	۱۲
۵	۱	۱۱	۸
۴	۱۵	۱۴	۱
۱۶	۲	۳	۱۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۵۰۵ عدد اضافه کند و بر پوست آهو نویسد

۱۳	۳	۲	
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	۴

و نوشته با خود دارد گشاده گردد بفرمان خدا یتعم لوح این است

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵

(۱۶)

نوع دیگر شسته نویس و نو لبنوید کشادم

روز آدینه بر اعداد اسامی ۱۲۰۴ عدد اضافه کن و بر ورق آهو در موم گیرد و در کوزه آب اندازد و هر روز روی خود را از آن آب کرده لوح این است

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱
۶	۱۲	۹	۷
۳	۱۳		۲

(۱۶)

نوع دیگر شب دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰۴ عدد اضافه کند و بر حریر سفید نویسد و در موم گیرد و بر بازوی راست بندد گشاده گردد و بغایت مجرب لوح این است

فصل در آواره کردن خصمان روز شنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰۰ عدد اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در پای کبختک بندد و بیرون شهر رها کند که آنکس آواره گردد لوح این است

۱۵	۱	۸	۱۰
۴	۱۴	۱۱	۵
۹	۷	۲	
۶	۱۲	۱۳	۳

(۱۶)

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۵۰۰ عدد اضافه کند و بر کاغذ نهد و در گورستان جهودان دفن کند آواره شود لوح این است

۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵

(۱۶)

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۵۰۰ عدد اضافه کن و در آستانه وی دفن کن آواره شود البته لوح این است

۱۴	۴	۵	۱۱
۱	۱۵	۱۰	۸
۳	۱۳	۶	۱۲
۷	۹		۲

(۱۶)

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۴۵ عدد اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در میان گوشت نهد و در آب روان اندازد مجرب است لوح این است

۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	
۱۲	۷	۶	۹

(۱۶)

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۲۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بر پر عصفور بندد و رها کن که آواره شود لوح مرتب

۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳

(۱۶)

www.telasm.com

www.telasm.com

این است

نوع دیگر شب شنبه بر اعداد اسما ۰۰۰۴ عدد اضافه کند و بکاغذ نو لیسد و در پر کنجشک بندد و رها کند مجربست

۶		۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

نوع دیگر شب یکشنبه بر اعداد اسما ۹۵ ۴ عدد اضافه کن و بر پارچه کرباس نویس و در میان گوشت نهد و در آب روان اندازد که مجربست و لوح این است

۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	۴
۱۳	۳	۲	
۸	۱۰	۱۱	۵

نوع دیگر شب دوشنبه بر اعداد اسما ۴۴۲ ۷۷ اضافه کند و بر کاغذی نویسد و در مکانی که کس نبیند پنهان کند که مجربست این است

۸	۱۰	۱۱	۵
۱	۱۵	۱۴	۴
۱۳	۳	۲	
۱۲	۶	۷	۹

فصل در بغض و عداوت روز شنبه بنام آن دو کس که میان ایشان عداوت افکنی و نام مادر ایشان بحساب جمل جمع کن و بر اعداد اسما ۱۰۵۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در خانه او دفن کن لوح این است

۶	۱۶	۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسما ۲۲۰۵ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در چاه افکن یا در کوره تا دو ملک جدا شوند لوح این است

۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۳		۱۳	۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسما ۵۰۰۲ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در گورستان جهودان دفن کن که مجربست لوح این است

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسما ۶۰۵ عدد اضافه کن و بر پوست خر نویس و در جایی که نم باشد دفن کند که مجربست البته البته لوح این است

۱۵	۴	۱	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱
۶	۹	۱۲	۷
۳		۱۳	۲

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسما ۹۰۷۷ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در آستانه دفن کن که مجربست لوح این است

۱۴	۴	۱	۱۵
۱۰	۵	۸	۱۱
۷	۹	۱۲	۶
۳		۱۳	۳

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسما ۲۲۵ عدد اضافه کن و بر پوست خر نویس و در میان گوشت بند و در آب شب گرما بیندازد لوح این است

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵

نوع دیگر شب چهارشنبه بر اعداد اسما ۲۵۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ بنویس با دو پوست و در میان خانه دشمن اندازد

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

فصل در صلح میان زن و شوهر روز دوشنبه بر اعداد اسما ۱۰۰۰ عدد اضافه کن و بنویس و بر بازو بند

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

www.telasm.com

www.telasm.com

راست بندد مراد حاصل شود این است

۷	۱۲	۹	۶
۲	۱۳	۱۶	۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۱۱	۷	۵	۱۰

نوع دیگر روز یکشنبه باعداد اسامی ۲۰۷ عدد اضافه کن و بر بازو راست ببند و با خود دار لوح این است

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵
۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

نوع دیگر روز دوشنبه باعداد اسامی ۴۰۰۰ عدد اضافه کن و بر پوست آهو نویس و با خود دار لوح این است

۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵

نوع دیگر روز پنجشنبه یا شب شنبه باعداد اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و بر حریر بنویس و بر بازو راست بند لوح این است

۱۱	۸	۵	۱۰
۲	۱۳		۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۲	۹	۶

نوع دیگر روز سه شنبه باعداد اسامی ۵۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نوشته با خود دارد لوح این است

۲	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴
۱۱	۹۱	۸	۱۴
	۶	۳	۹

۱۶

نوع دیگر روز آدینه یا شب سه شنبه باعداد اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و بر حریر نویس و با خود دار این است

نوع دیگر شب سه شنبه یا یکشنبه باعداد اسامی ۵۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بر کردن بند همین طریق

۶	۱۲	۹	۷
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱

۱۶

فی المحبة بنویس روز جمعه بوقت طلوع آفتاب بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ زرد و پاکیزه و باعداد اسامی ۶۰۶ عدد اضافه کن و بر فلفل بخور کرده در پیچد و بموم که از شمع عروسی باشد گرفته بادیم دوخته با خود دارد اگر مرد است بر بازوی راست بندد و اگر زن باشد چپ آنکس از محبت بیقرار گردد و بیم دیوانگی است

۴	۸	۵	۱۱
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۶	۱۲	۹	۷

۱۶

شک نیاری که کافر گردی که اسمی از اسماء عظام در این درج است لوح این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
	۳	۲	۱۳

۱۶

نوع دیگر بنویسد در روز پنجشنبه بمشک و زعفران و گلاب و باعداد اسامی ۵۵ ۲ عدد اضافه کن و با خود دار بشرط مذکور در حبیب القلوب بطلوب حاصل شود این است

فصل دوم در بغض و عقد اللسان اگر کسی را خصمی بوده باشد و علاج او نداند بنویسد این مربع را بر ورق آهو و بر سر اعداد اسامی ۹۸ ۴ عدد اضافه کند و در روز چهارشنبه بوقت طلوع آفتاب در موم گرفته در جای خصم دفن کند این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

۱۶

نوع دیگر بنویس بر پاره کاغذ بجهت عقد اللسان و باعداد اسامی ۴۹۶ عدد اضافه کن و بر کلاه بند زبان آنکس بسته شود بفرمان خدا تعالی

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳		۳
۱۱	۸	۵	۱۰

۳۴ ۱۶

www.telasm.com

www.telasm.com

این است فصل در عقد النوم اگر خواهی که خواب کسی را ببندی چون آفتاب بقمر متصل باشد

۱۰	۹	۵	۱۱
۱۵		۴	۱۲
۳	۱۳		۳
۶	۱۲	۹	۷

و عطارد بمشتری در روز چهارشنبه بساعت عطارد بنویس بر کاغذ و بر اعداد اسامی ۲۰۲ عدد اضافه کن و بر زیر بالین بنه و بخواب رود خواب آنکس بسته شود این است

نوع دیگر در روز جمعه بر اعداد اسامی ۶۰۰ ۲ عدد اضافه کند و در کاغذ نویسد بساعت عطارد و در وقت نوشتن بگوید بسم خواب فلان بن فلان بعشق و محبت فلان ابن فلان و بعد از کتابت با کسی نگوید و نوشته در زیر سر نهد و بخوابد و خواب آنکس بسته شود لوح این است

۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳

نوع دیگر روز جمعه بساعت عطارد بر اعداد اسامی ۲۰۲۰۶ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و پاره عود بخور کند

۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱	۱۱	۱۴	۸
۶	۴	۹	۳

و نوشته را بر ران چپ بندد و بگوید بسم خواب فلان ابن فلان را بعشق و محبت فلان بن فلان و با کسی سخن مگوی و خواب کن و خواب آنکس بسته شود لوح این است

فصل چهارم فی عقد الرجال بنویس این لوح را بنام آنکس که تو خواهی بر اعداد اسامی ۱۹۵ عدد دیگر اضافه کن و در وقت کتابت این شکل بگو بسم الله فلان ابن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق هذه الاسماء الاعظم بعد از آن

۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱	۱۱	۱۴	۸
۶		۹	۳

بستان زه نداف در وی بند و در جایگاه نمناک دفن کن و سنگ گران بر زیر آن بنه و باید که از برای حلال کند که اسم اسلم در این لوح است

فصل در عقد النظر اگر خواهی که نظر کسی بربندی و بغیر از تو در کسی نه بیند باید که نظرها و ساعتها سعود نگاه داری و ساعتی که این عمل مناسب باشد بستانی کاغذ پاکیزه و نام ها را حساب کرده عدد بر سر آن اضافه کن و بطریق دفق بنویس و در روز

۲	۱۶	۱۳	۳
۷	۹	۱۲	۶
۱۹	۵	۸	۱۰
	۴	۱	۱۵

سه شنبه در موم کار ناز موده کیر و در آبی که در کرما بیرون می آید دفن کن و در آن حالت بگوی بسم نظر فلان ابن فلان را بر فلان ابن فلان تا مطلوب حاصل آید این است

۲	۱۳		۳
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
۱۴	۱	۴	۱۵

نوع دیگر بستان پوست درانکو تود در روز چهارشنبه بساعت عطارد نامها را حساب کرده بر سر اعداد اسامی ۲۰۱۹۰ عدد اضافه کن و در این لوح درج نموده در آستانه آنکس پنهان کن تا در دیگر نظر خود را بغیر از تو آنکس مشغول دارد

نوع دیگر بنویس بر پوست گرگ در روز دوشنبه بر اعداد اسامی عدد اضافه کن و در این لوح درج نموده در آبی که از ما به بیرون می آید دفن کن یا در درگاه آنکس

۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	
۷	۱۴	۱۳	۲
۳	۱	۸	۱۱

در عقد النظر نظر ندارد و نعاد که بحرام نگاه تا در دبال نیفتد که اسماء عظام در این مربع است و لوح این است

فصل ششم در عقد الطریق اگر خواهی که کسی را از زنی مهربان دارای

۷	۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵
۱۲	۱	۸	۱۱

www.telasm.com

بنویس این مربع در روز دوشنبه بر پوست کفتار و بر اعداد اسامی ٢٠٢٤ عدد اضافه کن که هیچ وجه رنج

انکس میسر نشود و روزها که این کار را شاید شنبه ٣ یکشنبه ٧ دوشنبه نشاید سه شنبه و چهارشنبه

١٢ و روز پنجشنبه نشاید روز آدینه و شب شنبه و شب یکشنبه پنجم شب پنجشنبه و آدینه نیکست لوح این است

نوع دیگر بیاور پاره کاغذ روز یکشنبه ٧ و بر سر اعداد اسامی ٢٠٠٤ عدد اضافه

٣		٩	٦
١٠	٥	٤	١٥
٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢

کرده بنویس و در زیر سنگ گران نه آنکس را سفر هیچ وجه میسر نشود و مانع

ضروری پیدا شود لوح این است

٥	١٠	١١	٨
	٣	٢	١٣
٤	١٥	١٤	١
٩	٦	٧	١٢

نوع دیگر در عقد الطریق روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ٤٠٠ عدد اضافه کن و کاغذ بنویس و در موم گیر و بگور مرده کهنه خر

بند او بسته شود و هیچ جا نتواند رفت این است

نوع دیگر شب یکشنبه بساعت پنجم بر اعداد اسما ٩٥٠ عدد اضافه کن و در ساعت

١٣	٧	٢	١٢
١	٤	٥	١٥
٨	١٤	١١	١٠
٣	٩		٦

کتابت عود و سندروس و مقل ازرق بخور کن و این مربع بر پوست آهو نویس و نوشته را با پاره عنبر و مقل ازرق بخور کن و در موم کافور نازموده گیر و پاره ده کمان نداف برگ بیج و دیگر با بن نا شسته گیر و در زیر سنگ گران بنه یا بر سنگ

بند و در چاهی انداز که آب ایستاده نکشند لوح این است

فصل هفتم فی حل الرجال بستان حریر سفید

٣	١٦	٩	٦
١٣	٢	٧	١٢
٨	١١	١٤	١
	٥	٤	١٥

و بر نامها حساب کرده این عدد ٢٩٥ اضافه کن و در روز پنجشنبه بنویس و بر کمرگاه بند

که مراد و مقصود حاصل شود این است

فصل هشتم در گشایش کارها اگر کسی خواهد که کار بسته او گشاده

١٤	١	٨	١١
٤	١٥	١٠	٥
٩	٦	٣	
٧	١٢	١٣	٢

و برکت و جمعیت و در رزق بر وی گشاده گردد شرایط بجا آورد نظرها مسعود و ساعتها و روزها نیک و بودن قمر در حمل شاید نقد در نیمه آخر جوزا نیک است سرطان

نیک است اسد شاید سنبله شاید میزان نیکست عقرب قوس جدی دلو حوت نیکست بستان پاره حریر

سفید و نامها را حساب کن عدد دیگر اضافه کن در روز پنجشنبه ٥ بنویس و در موم گیر که با وی مشک آمیخته

باشد و در بازوی راست بند هر مهمی که داشته باشی کفایت کرده بشود و در رزق و روزی بر وی

گشاده شود باذن الله تعالی و توفیقه و صورت لوح مزبور این است

نوع دیگر بنویس در روز دوشنبه بساعت مشتری و بنامها حساب کرده ٤٠٨ عدد دیگر اضافه کن و بوقت کتابت

٧	٩	١٢	٦
١٤	٤	١	١٥
٢		١٣	٣
١١	٥	٨	١٠

عود و لادن بخور کن و بموم کافور نازموده بگیر و با خود دار در گشایش کارها و زیادتی رزق و دولت بی نظیر

نادر این است

نوع دیگر بنویس بر حریر سفید و در شب چهارشنبه بر نامها حساب کرده

٦	٩	١٢	٧
٥	٤	١	١٤
٢		١٣	٣
١٠	٥	٨	١١

٩٩ عدد اضافه کن و بیاور ١٤ فلفل و بر آن عدد نفث و بر هر یکی ١٠١ بار قل اعوذ برب الناس

www.telasm.com

١٢۴ بخوان و پاره موم کافور ممزوج ٢١ قل اعوذ برب الفلق بخوان و بیاید پاره مقل ازرق و بروی ۴١ قل هو الله احد
بخوان و فلفل و مقل و مندق را بکوب و موم را بگداز و همه را در موم ببندد فقط ابتدا و در وقت کتابت این لوح
بخور کن که اسم اعظم باری تعالی در این لوح است و با خود دارد عجایب بیند این است

٧	٩	١٢	۶
١۴	۴	١	١٥
٢		١٣	٣
١١	٥	٨	١١

١١	٥	٨	١٠
١۴	۴	١	١٥
٢		١٣	٣
٧	٩	١٢	۶

فصل نهم در دفع خصمان و ظفر بر دشمن اگر کسی خواهد که دفع او کند باید
پاره پوست شیر و نام او را حساب کرده ٢٠٠١ عدد دیگر اضافه کند و بخور عصفور
بنویسد و در موضعی که مردم آنجا زراعت می کنند دفن کند و بگوید نفس فلان ابن فلان است انا لله و انا الیه
راجعون اگر کسی بعد از سه روز یا سی روز هلاک گردد باید که تا مؤثر باشد که این است

١٣	٢	٣	
١٢	٧	۶	٩
٨	١١	١٠	٥
١	١۴	١٥	۴

نوع دیگر بیاید پاره پوست آهو یا پاره پوست پلنگ و نام او حساب کرده ٥٥ ۴۴ عدد دیگر
اضافه کن و بقولی دیگر ٥ ۴۴ عدد بنویس روز یکشنبه در وقت نوشتن عود و عنبر بخور کن و در سوراخ
خانه دفن کن که دشمن با بدن از زحمت هلاک گردد و از غبار زمی این است

١٥	۴	٥	١٠
۶	٩	١٠	٣
	٧	٢	١٣
١	١۴	١١	٨

نوع دیگر بنویس
بر کاغذ در روز پنجشنبه نام او حساب کرده عدد دیگر ١٢ اضافه کن و
بخور بنویس و در پاره کرباسی که از کفن مرده مانده باشد در پیچ و در گور کهنه دفن کن این است
و دیگر این حروف را جمع کرده اند و آن را حروف متواخیه نام کرده اند براین مثال است

١٢	٧	٢	١٣
۶	٩		٣
١٥	۴	٥	١٠
١	١۴	١١	٨

ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ه ک ا ی ١٦
حروف را بمشک و زعفران و شیر زنی که اول پسر زاده باشد بر کاغذ بنویسد
و در کلاه یا دستار دوخته بر سر نگاه دارد هر کس او را ببیند دوستدار او گردد حضرت اسد الله الغالب علی ابن
ابیطالب علیه السلام در کتاب خافیه آورده است که هر کس این که آیت کلمات است و لا منقطع می شود اول آن
واو است و آخر آن میم و این در سوره انعام است و تمت کلمة ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السمیع
العلیم بحروف مقطعه بنویسد خاصه اولیا راست اول آنکه بدین وجه که ذکر کرده شد بنویسد و در پیچد
چنانکه نوشته بیرون باشد و سفیدی اندرون و در موم گیرد و در دهن نگاه دارد و با مطلوب سخن گوید
مراد حاصل گردد و چنانچه فرزند یا برادر او را کشته باشد از سر خون او درگذرد و در عقد العین نیز اثر
بسیار دارد اگر بشرایط عمل کند و اگر کسی را زحمت تب باشد نعوذ بالله این حروف را مقطعه بنویسد و در موم
گیرد و در کلاه اندازد و بنبات مصری شیرین کرده هفت روز پیش از طعام و شربت دیگر این را بیاشامد
از آن زحمت نجات یابد بفرمان خدای تعالی هر که شک آورد کافر گردد و اگر کسی را زحمت برص پیدا شود او را باید این را بر جسم

www.telasm.com

لاالدکه بشفاء بن النعمان معروف است بخواند و بر ریزه زیلت مثقال پس از طلعا با آب سرد بیاشامد و هفت روز مداومت نماید حضرت عزت آنکس را از آن زحمت شفا دهد و اگر کسی را درد دل ضعفی باشد این آیه بهایی طریق که ذکر رفت بر صحن چینی یا زجاجی بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بزبان پاک کند پیش از غذاء دیگر هفت روز آن مر ضعیف از دل او بیرون رود و قوت پیدا شود و اگر کسی را دشمن قوی باشد و از وی بیم باشد این آیت را هفت بار بر هفت چهار راه بخواند و بطرف دشمن باشد آن دشمن مقهور و حقیر گردد و خواص این آیت را نهایت نباشد بدین قدر اختصار کردیم و طریق مقطعه این است و ت م ف ك ل م ظ ت ر ب ل ك ص د ق ا و ع د ل ا ل ا م ب د ل ل ك ل م ا ت ه د ه و ا ل س م ع ا ل ع ل ع م و هم در آن کتاب مسطور است و شیخ الدین حموی از انجا نقل کرده حدیث رسالت پناه محمد صلی الله علیه وآله وسلم که لکل شیء قلب وقلب القرآن یس وقلب یس سلام قولا من رب رحیم است و میگوید که در ۲ درجه در شرف آفتاب میباید نوشت و چنین خوکه نوشته اند اگر این آیه که چهار کلمه است و هر کلمه چهار حرف است و چهار در چهار که شانزده خانه است بطریق دق بنویسد و با خود دارد از سوختن شدن و غرق شدن در امان باشد و اگر زنی خواهد این شکل را با خود دارد بار را آسانی بنهد و اگر کودک حایم گرید این نوشته را بر عضو که او نبند از آن کریه قرار گیرد و اگر ایضا در شرف آفتاب نوشته با خود دارد از شر هار و کژدم و تب و جنون و صرع در امان باشد و این شکل را صد و یک خاصیت نوشته اند و این مختصر احتمال آن نکند و طریق نوشتن شرف آفتاب که اصحاب حساب و حکماء نباتی وضع کرده اند بر این نهج است و شکل این است

سلام	قولا	من رب	رحیم
۲۹۳	۲۵۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۵۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۵۵	۲۹۱

و طریق نوشتن حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام این است بعمل و طریق نوشتن امام جعفر صادق علیه السلام این است و طریق نوشتن لوح الوعهام که نموده شد

ا م ۶ ۹ ل ا م ع ل ا م س ۲۲۲ ح ۱ ۳ و طریق نوشتن شیخ سعد الدین حموی رحمه الله علیه این است ۱۱۱۶ ۲۲ ا ع ح ۲۱۲۱۱ ا م ع ۳ ۱ ۲ ۳۴ ا ع ل ا ۲ ۱۸۲۲۳ بدانکه حکماء علوم ریاضیه را اتفاق است در این آیه که ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین اسم اعظم باری است جل جلاله و اصحاب حساب بهر نوع نوشته اند و طریق تکسیر امام جعفر الصادق ع بدین طریق نوشته اند ال ه ا و ذ ا ن ا ا و ر ق و ی ا ه ز و ل ت م ن و شیخ سعد الدین حموی بدین طریق نوشته اند ال ا ه ا و ق ا ت ن ا و د ق ا و ی ذ و ل ت م ن اگر کسی را مقصود و مهم یا دینی باشد پیش از صبح بر خیزد لباس سفید بپوشد و کند بخور کند و هزار و یکبار بخواند مقصود حاصل شود چنانکه هیچ سعی در آن مدخل نباشد اما باید هفته باید خواند و اگر کسی غم حال باشد

www.telasm.com

۱۲۶ بهمین شرایط که گفته شد یکهفته بخواند دنیا بدانکس غلبه کند بغیر حساب. واگر کسی را حبس کرده باشند و بیم کشتن
باشد بهمین طریق بخواند از آن حبس خلاص یابد واگر کسی غایب باشد به نیت غایب بهمین طریق و شرایط بخواند آن
غایب حاضر شود هر چند میان او و آن غایب مسافت بعید باشد واگر کسی را علتی مخفی باشد و از اظهار آن اندیشه
باشد بدان نیت بخواند حضرت عزت شفا بخشد واگر کسی را در چشم خللی و ضعفی باشد بهمین طریقه بسرمه بخواند و در چشم
کشد از چشم او آن ضعف زایل شود واگر کسی لعنت پیدا شود نعوذ بالله من ذلک بهمین شرایط هفت عدد خرما بخواند
و هر روز یکعدد خرما بر ناشتا بخورد با بعضم اولاد از آن علت نجات دهد واگر خواهد که بر مغیبات وقوف یابد بهمین
شرایط بر خروس سفید بخواند و او را بسمل کند و خون آن خروس را در سایه خشک کند و در شب با آن در چشم کشد
چیزها بیند که کسی دیگر را بعینه اصلاً میسر نشود و عجایبها بیند و در این شک نیاورد که کافر گردد خواص اشیاء را
منکر نتوان شد خاصه اسم اعظم با بعضم از این آیه است و بوقت خواندن بطریق امام جعفر باید خواند که اثر
آن زودتر ظاهر گردد و هم از امام منقول است که اگر حاجتی کسی را باشد بنویسد این حروفات را و در دست گیرد
از هر کسی که حاجتی خواهد طلبد او روا کرده حروفات این است لاع لاع بدح جبله سمه هـ و هم از امام
منقول است که اگر کسی را دل بطرفی نگران باشد و خواهد که خبردار شود این حروف را بر کف دست بنویسد و بخسبد
یکی از ارواح بنزد او آید و هر چه از او سؤال کند جواب گوید و حروفات این است بسم الله سمت الهبت لهت
لهت فایده جامعه هر کس در علم حروف خوض کند باید که در تقوی و ریاضت کوشد و پاکی ورزد چون خواهد
که بعمل حروف مشغول گردد باید که سه روز روزه دارد و حیوانی نخورد و سیر و پیاز نخورد و بغیبت و دروغ مشغول
نشود و با طهارت و تسبیح و استغفار باشد تا اندک مناجات او را حاصل شود و ملائکه و ارواح طیبه انس متنفر
نگردند پس در تکسیر و عمل مشغول گردد و در آن ساعت نام خود و نام مطلوب و نام آن کار که دارد از محبت و عداوت
وغیره بنویسد و در سطری یکبار تکسیر کند تا ممتزج شود و عدد آن حروف بگیرد و ببیند که چند است و بر پشت آن
کاغذ که سطر را آنجا نوشته است در مربع ثبت کند بطریق وفق و چون تعویذ با خود نگاه دارد آنگاه بتکسیر
طالب و مطلوب شروع کند این طریق بر وفق سعادت و نجاح و بر آمدن مقصود راهبر است و چون از تکسیر فارغ شود
نظر کند در جمع که از تکسیر حاصل آمده باشد اگر در یکی حروف حارث یا مرکب غالب باشد کار بر مراد خاطر باشد و مقصود
زود حاصل شود و بحصول پیوندد واگر حروف بارده در طبع غالب است آن مهم بشادی و طیب خاطر و آسان محصل گردد
واگر حروف یابسه غالب است مطلوب بزحمت و رنج بر آید تا اعداد متحابه که در میان حکما مشهور است اگر مربع
کند و نقش این م ۲۲۴ لوح بریان بنویسد یا بر کاغذ و بخورد صد کوه هر دو میان ایشان دوستی تمام پیدا شود و عاشق

www.telasm.com

www.telasm.com

یکدیگر کرده‌اند و اگر این وفق که گفته شد با خود دارد خلایق در محبت او بیفزایند و اگر این شکل را وقتی که ماه در سرطان باشد و آفتاب در رجوع برمیزند و در اسعد وقت در هر جا که خواهد بگذارد محفوظ باشد و دزد و خاین بر وی راه نیابد و بسلامت ماند و اگر با تصالات نحوس بنویسد بهتر بود و اگر با مرده در گور نهد آن مرده بپوسد و بریزد و اسنان و خاصیت این شکل معتبر که شرف آفتاب است یا بلند ندارد و در مقصود شروع کنیم ضابطه ارشاد و نقش کردن وفق مربع از قول سرور دانایان اسد الله الغالب و مظهر العجایب علی بن ابیطالب احزب وجده است و معنی احزب وجده آنست که اح در یک سطر و زب در یک سطر و وج در یکسطر و ده در یک سطر باشد خواه در طول و خواه در عرض

رباعی
ای آنکه هوس ترا بجاد و چار است احزب وجده یقین ترا در کار است در خانه ذیل هر یکی هفده گیر

معیار کن آنچه مر ترا معیار است و این یا مظهر است یا مضمر و مظهر را دفا لکتا به نیز گویند و طریق مملو کردن این لوح آن بود که چون احزب وجده نوشته شد رقم نه را در خانه هشت بنهد بر بالای چهار و رقم ده بر ضلع خانه امید در خانه الف بر عکس پنج و رقم یازده در عکس هشت چنانکه در میان هشت و چهار دهم بود و رقم دوازده بر بالای شش و رقم سیزده در میان هشت و سه و رقم چهارده در خانه دو تمام که از اول ابتدا کرده است و رقم پانزده را بر عکس چهار بر ضلع ایمن و رقم شانزده بر بالای پنج مسطور آید بر این طریق که در این لوحها نوشته شده و این است اما مضمر چند نوع است نصف و ربع و سدس و سدس آن است که نه از مجموع کم کنند و از یکی تا دوازده هم

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣		٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

١٦

١٥	٦	١٢	١
٤	٩	٧	١٤
٥		٢	١١
١٠	٣	١٣	٨

١٦

بصورت نظم طبیعی ثبت کنند و بعد از آن از ضلع دوازده طرح کنند و هر چه باند در بیت ثالث عشر بنهد و تمام کنند قطر و ضلعش راست آید مثلا غنی ١٠٦٠ است از یکی تا دوازده بصورت نظم طبیعی ثبت کردیم و از ضلع بیست و یک طرح کردیم ماند ٩٣ ١٠٣ ابد بیت ثالث عشر نهادیم بر این مثال این است

٨	١١	١٠٤	١
٠٣٩	٢	٧	١٢
٣	١٠٢	٩	٦
١٠	٥	٤	١٠١

فصل در طریق نصف و آن چنان بود که عدد اسمی که میخواهند بگیرند و از آن نصف طرح کنند و باقی که باند در مربع از یکی تا خانه هشتم بصورت نظم طبیعی ثبت کنند و هشت از نصف کم کنند و آنچه باند در بیت نهم بنهد و تمام کنند بطریق نظم طبیعی اقطار و اضلاع عش راست آید و اگر عدد اصل کسر شود بر این مثال مثلا منعم ٢٠٠ نصفش طرح کردیم ١٠٠ ماند هشت طرح کردیم و از یکی تا هشت ثبت کردیم و باقی را که ٩٠٢ است در خانه نهم نهادیم و اگر کسری باشد در خانه سیزدهم اضافه نماید مثلا بر این مثال لطیف ١٢٩ از نصف او

www.telasm.com

www.telasm.com

۱۲۸ طرح کردیم و از یکی تا هشت وضع کردیم ماند ۶۴ و از ۶۴ که نصف اوست هشتم کردیم ۵۶ ماند و خانه‌ها

هشتم نهادیم و یکی که کسر ماند بر عدد خانه نه سیزدهم اضافه کردیم و تمام کردیم این است

٨	٩٠٤	٩٠٧	١
٩٠٦	٣	٧	٩٠٥
	٩٩	٩٠٢	٦
٩٠٣	٥	٤	٩٨

٣

فصل در طریق مربعی و آن چنان است

٨	٥٨	٦٢	١
٦١	٢	٧	٥٩
	٦٤	٥٦	٦
٥٧	٥	٤	٦٣

٣

که از عدد مطلوب سی طرح بکنند و باقی را

بچهار قسم کنند و یکقسم را در خانه نه اول بنهند و بصورت نظم طبیعی

تمام کنند که درست آید مثال علی ۱۱۰ است سی طرح کردیم هشتاد ماند بچهار قسم کردیم هر قسمی بیست

عدد لوح یک بخش در خانه اول نهادیم بر این مثال و بصورت نظم طبیعی تمام کردیم این است

٢٧	٣٠	٣٣	٢٠
٣٢	٢١	٢٦	٣١
٢٢	٣٥	٢٨	٢٥
٢٩	٢٤	٢٣	

و مربع این حروف بعدد هزار و سیصد و هفتاد و دو باشد و مربع اسماء آن است

که در خانها مربع این اسم درج شد پنجاه و دو اسم از اسماء الله و سیزده حروف ۳۴

از مقطعات قرآنی و یک آیت از قرآن و یک اسم از چهل اسم و دو کواغذ و چند لفظ دیگر که ذکر آن مدخل

عظیم دارد در دعا چنانچه عدد مجموع خانها مضلع همان عدد حروف این حروف شود ناتما علینا البلاغ

و علیک حساب

سلام علی آل یس ... المعصومین ...	یا الله الا هو الرحیم ... جل الله یا علیم ...	یا فتاح یا رزاق یا واسع یا جامع	یا اول یا ... یا سمیع یا بصیر یا ...
هو العجائب ... عزیز ... یا واحد یا ...	مظ یا حکیم یا واحد یا وهاب	علی واحی خبیر جلیل	یا مالک یا مصور
... التواب ... یا وارث یا و کیل	یا احد یا والی یا هادی یا مجیب یا باقی	یا مفید یا ... یا محصی یا محیی یا کریم یا قادر	کهیعص حمعسق مالک حجت حق
و ختم یا حی طاهر	یا مبدی یا باقی یا علیم یا لطیف یا حمید یا ... یا علیم رئوف	... یا ... یا علی یا والی یا حی	یا غنی یا هو

اگر کسی این لوح حمعسق را نگاه دارد هرانکه خواهد از وهم رسد و اگر این لوح را بنویسد و با عنج بعد از آن که تمام کند در رقعه پاک بپیچد و لوح با طلا یا زر و نقره

کرده خالص باشد

بهم آمیخته یا مس و زر بهم کداخته در تم حصول مرادات و ظهور منیات و برکات مجمل این لوح باز بسته است

پس هر که با خود دارد رونق او وسیع شود و محبت او در دلها سرایت کند و بحجت بی‌عمل حاصل پیدا شود و اطلاع

بر امور خفیه و عواقب امور حاصل شود و اگر کسی این لوح را بوقت خواب در زیر سر نهد بعد از آنکه بروضوی

کامل بر دست راست خسبیده باشد که معوذتین و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و آخر سوره حشر

بخواند در خواب کسی را ببیند که هر چه از وی سؤال کند از امور خفیه عالم یا از حال غایب یا غیر آن جواب

شافی شنود و اگر در زیر سینه نهد ما فی الضمیر خود را ظاهر کند و بی اختیار بر زبان او جاری شود و اخراج دفاین

و اگر در مدفون شک و تردد داشته چون در زیر سر نهد و بشرایط مذکور خواب کند بر وجهی از وجوه بر حقیقت حال اطلاع

www.telasm.com

www.telasm.com

باید در دعوت شکلات و مکروهات احتراز نماید و دعا را باید بشرایط کتابت ملاحظه کند و منظرات صحیح تمام
بجا آورد و اگر بعد از عمل اثری که نوشته شد ظاهر نشود

بدانکه طریق حکمای یونان چنان است که هر گاه خواهند از حب بغض و فتوحات عمل کنند پنج اسم از آن و نوع استخراج میکنند و عزیمت میخوانند و مقصود حاصل میکنند بدین طریق اول انکه عدد پنجم بگیرند و ۳ بر او اضافه کنند و بحروف

لوح عددی

لوح هندسی

۹۰	۷۰	۱۰	۵	۲۰
۱۰	۵	۲۰	۹۰	۷۰
۲۰	۹۰	۷۰	۱۰	۵
۷۰	۱۰	۵	۲۰	۹۰
۵	۲۰	۹۰	۷۰	۱۰

ص	ع	ی	ه	ا
ی	ه	ک	س	ع
ک	ص	ع	ی	ه
ع	ی	ه	ک	ص

حمعسق

ق	س	ع	م	ح
۳۰۱	۱۱	۹۰۸	۵۸	۷۳
۵۶	۷۱	۴۱	۹	۱۰۱
۱۴	۹۹	۵۹	۶۹	۳۹
۷	۳	۳۷	۱۲	۵۱

لوح طبیعی

ه	ک	س	ع	ا
بر	[illegible]	ح	ه	غ
ف	ح	غ	[illegible]	بر
ع	[illegible]	بر	ع	ح
بر	ف	ح	ع	[illegible]
ح	ع	[illegible]	ا	ه

برند و گویند شیدا ئیل دوم نهایت عدد را که ندا است بر او اضافه کنند بعد ۳ را گویند شخیا ئیل سیم عدد عدل را که ده است بگیرند و بر او اضافه کنند بعد ۳ و گویند شیطا ئیل چهارم عدد ضلع که پانزده است بگیرند و بر او اضافه کنند بعد ۳ را و گویند شکدا ئیل پنجم عدد جمله را که چهل و پنج است بگیرند و بر او اضافه کنند بعد ۳ را و گویند شندا ئیل و بعد از آن نطق دهند و گویند عزمت علیکم و اقسمت علیکم بحق ربنا و ربکم یا شیدا ئیل یا شخیا ئیل یا شیطا ئیل یا شکدا ئیل یا شندا ئیل افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة و مبالغه در عمل واجب داند

ق	س	ع	م	ح
ع	م	ح	ق	س
ح	ق	س	ع	م
س	ع	م	ح	ق
م	ح	ق	س	ع

در دانستن طریق حکما و آنچنان است که باصطلاح این قوم سه در سه مضراست یا مظهر مضمر که اسم طالب و مطلوب را بگیرند و آیتی یا اسمی از اسماء الله که در وفق بکار برند مثلاً محمد ۹۲ است و مجموع ۹۸ و اسم الودود ۲۰ دو نوزده طرح کردیم و باقی را به سه قسمت کردیم هر قسمی شد ۶۶ دو قسم را طرح کردیم و یک قسم را انگاشتیم بر این مثال این است

۷۱	۶۶	۷۳
۷۲		۶۸
۶۷	۷۴	۶۹

۷۰

و اگر کسری واقع شود در خانه هفتم بهمان عدد را زیاده نماید و جهت فواید چند شکل نموده می شود اول چون کسی مبتلای دل بود و خواهد که دل خوش شود عدد سوره والعصر را بگیرد و با اعداد اسم شخص در مثلث ثبت کند و در کوزه آب اندازد چند از آن آب بخورد حق تعالی او را خرم گرداند و اگر خواهد که میان او و حرام تفرقه افتد آیه والقینا هم

www.telasm.com

۱۲۰ العداوة والبغضاء الی یوم القیمة را عدد بگیرد و اسم شخصین را نیز عدد کرده و در منزل آن کس دفن کند تفرقه در میان
شان افتد و اگر خواهد که کسی را از جا آواره گرداند عدد سورهٔ الم تر کیف را بگیرد و اسم آن شخص را در دو نقش
ثبت کند و در مکان او دفن کند یا در مقامی که بخواهد آواره گردد و اگر خواهد که کسی از مرتبه بیندازد بگیرد
عدد آیهٔ ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی و عدد اسم آن شخص و در دو نقش ثبت کند و آیه را بعدد اسم آن شخص
بخواند و در گورستان دفن کند از آن مرتبه بیفتد و اگر خواهد ظالمی را رنجور کند عدد آیهٔ فی قلوبهم مرض فزادهم الله
مرضا ولهم عذاب الیم بگیرد با عدد اسم آن شخص و در دو نقش ثبت کند و بعدد آیه بخواند و در گورستان دفن کند
رنجور شود تا توبه نکند بهتر نشود و اگر کسی خواهد که کسی را دل نرم گرداند آیهٔ یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم را
بگیرد و عدد اسم آن شخص را و در دو نقش ثبت کند و در آب روان افکند دلش نرم گردد [illegible] باید و حروف ثبت نیز بهای خاصیت
دارد و اگر خواهد کسی را مطیع خود گرداند عدد الفقت یا عزیز یا حکیم را بگیرد و عدد اسم آن شخص و اسم خود را این جمله
در مثلث ثبت کند و با خود دارد آن کس مطیع او شود و اگر خواهد که کسی را زبان بند کند بگیرد عدد آیهٔ صم بکم عمی فهم لا یعقلون
با عدد اسم آن شخص در مثلث ثبت کند و در دهن سنگ گران افکند زبان آنکس بسته شود و بدانکه سه در سه چهار
خاصیت دارد اگر الف را در خانهٔ دوم کشد تحصیل در آمدن مال را فایده دهد که خانهٔ [illegible] شمار سه در سه
از پانزده زیاده و کم نشود و اسم آن شخص را در شیب اعداد باید نوشت هر کاری که باشد اول چهار در یک شد
آنگاه خط در میان آن افکند و اگر در کشیدن اعداد کامل نباشد از قرار تامل بنویسید جا الف و دو دست راست
باشد دوم پنج در میان بکش سیم نه بکش بعد از آن به دست چپ چهار بکش و سه بکش و هشت بکش بر این
ترتیب تا نه در ترتیب کشیدن این است اگر خواهد که الف در خانهٔ دوم بکشی بجهت مال و فایده بدین ترتیب باید نهاد
اول ۶ خانهٔ دوم ۱ خانهٔ سیم ۸ خانهٔ چهارم ۷ پنجم ۵ خانهٔ ششم ۳ خانهٔ هفتم ۲ خانهٔ هشتم
۹ خانهٔ نهم ۴ و اگر خواهد که الف در خانهٔ چهارم بکشی حیات را فایده دهد خانهٔ اول ۸ خانهٔ دوم ۳ خانهٔ سیم
۴ خانهٔ چهارم ۱ خانهٔ پنجم ۵ خانهٔ ششم ۹ خانهٔ هفتم ۶ خانهٔ نهم ۲ و اگر خواهد که الف را در این که خانهٔ
هشتم است بکار محبت مهر بدین ترتیب باید نهاد خانهٔ اول ۲ خانهٔ دوم ۹ خانهٔ سیم ۴ خانهٔ چهارم
۷ خانهٔ پنجم ۵ خانهٔ ششم ۳ خانهٔ هفتم ۶ خانهٔ هشتم ۱ خانهٔ نهم ۸ و اگر خواهد که الف در [illegible] که
خانهٔ ششم است بکش خانهٔ اول چهار خانهٔ دوم ۳ خانهٔ سیم ۸ خانهٔ چهارم ۹ خانهٔ پنجم ۵ خانهٔ ششم
۱ خانهٔ هفتم ۲ خانهٔ هشتم ۷ خانهٔ نهم ۶ در رفتار مثلث بطریق درج کردن اسامی و مقصود کلی و ضابطه [illegible]
که رفتار مثلث باید دانستن بدین طریق که بیان کنیم اما شرط آن است که این طریق را هر کس نگوید و از نااهلان [illegible]

www.telasm.com
www.telasm.com

www.telasm.com

و نظر بر مشایخ این علم روند و مخالفت ایشان نکنند تا نتیجه بخشد و خلاف ورفاه نیفتند بدانکه مشایخ این
علم فرموده اند که انشای اسرار ربوبیت کفر است و طریق درج کردن نام در مثلث و غیره در لوح چهار در چهار و تا
مربعات است مثلث این است
بدانکه در مربعات مقدار عدد یک قطر
طرح کنند و یک قطر قسمت کنند اگر
کسر نیفتد یک قسم را بگیرند و یکی بر او
افزایند و در خانه اول ابتدا وضع کنند و تمام
سازند مثل یوسف خواهیم که در مربع سه در سه درج کنیم حاصل او صد و پنجاه و شش باشد پانزده طرح کردیم
صد و چهل و یک باقی ماند هر قسمی چهل و هفت باشد چهل و هفت را که یک قسمت بگیریم و هشت بر وی افزاییم و در خانه
ابتدا وضع کنیم و رقم تمام بنهیم بر قانون رفتار سه در سه و اگر در مربع چهار در چهار اسمی درج کنند مقدار
عدد یک قطر او باید طرح کردن یعنی و چهار که مقدار عدد یک قطر است باید گرفت و یکی بر وی باید افزود
و در خانه ابتدا باید نهاد و تمام باید کردن و سایر دیگر بر همین قانون است و پنج در پنج را زیادت بر وی و اگر
کسر واقع شود آن کسر را طرح باید کردن و باقی را بعدد خانها قسمت باید کرد و کسر آن تا عدد در میان رقم باید
نهاد یعنی آن کسر را باید افزود مثلا سه در سه کسر او دو است یا یکی و اگر کسر دو ماند در خانه چهارم یکی باید افزود
و اگر کسر او یکی باشد از خانه هفتم یکی افزاید چنانکه علی را حساب کنیم صد و ده باشد پانزده طرح کنیم نود و پنج ماند
باقی سه قسم کنیم دو کسر افتد و هر قسمی را عدد سی و یکی باشد و یکی بر سی و یکی افزاییم و در خانه ابتدا وضع نموده
در خانه چهارم یکی زیاده کنیم تا سی و شش باشد و تمام رقم بر این قیاس نهیم اما کسر چهار در چهار سه عدد است
یا دو یا یکی اگر سه باشد در خانه پنج یکی زیاده کنیم و اگر دو باشد در خانه نهم و اگر یکی باشد در خانه سیزدهم
و اگر خواهد که مقدار عدد یک قطر را بداند در مربع ۲ اعداد را در دو خانه مربع ضرب کنند آنچه حاصل شود عدد
یک قطر باشد مثلا عدد قطر سه در سه است و در مربع چهار در چهار منتهای او شانزده است با یکی جمع کنند
هفده باشد در نصف چهار که دو است ضرب نماید سی و چهار باشد و هم در بیان آن فواید بسیار است در اسما مختلف
و درج کردن در آن تمت

عدد آیه یحبهم و یحبونه ۱۲ ۸۵۰ انه لحب الخیر لشدید ۱ ۴۲۹ دفع ۴

کهیعص ۲ ام الله ۲۱۰۱ آیة الکرسی ۱۴ ۶ ۸ انا فتحنا ۱۸ ۹ ۲۱ و ان یکاد ۴ ۶ ۹۷ چهار قل ۲۰۳ ۴۶ عدد کل جفر جامع ۵۲ ۶۴ ۸۹۶

از امیر المؤمنین علی علیه السلام مرویست که در شرف کواکب موفق سازند جهت کل حاجات عدد الجد جمیع اوراد ۸۰ ۶ ۵ ۱۱۴

www.telasm.com

www.telasm.com

 شیخ کبیر بهر رفع آفات دو جهان که در مربع نهند عدد حروف یمانی ۲۹۹۸۵ ۴۳۴۲۹۵ عدد جمل اسم عدد نود ۱۸۲۰۰

و بینه نام باری تعالی ۴۲ ۳ ۳ عدد کل قرآن ۲۲۳۵۹۲۳۲ عدد آیات مجتبت ۵۳۷۲۷ عدد اذا جاء ۶۱۲۳ عدد

حروف مقطعات اوایل عدد مع آید ۱۴۸۴ ۳ عدد هزار و یک نام ۷۹۹۸۳۸ عدد حروف الجبر ۴۰ ۷ ۶۴ عدد

اوراد فتحیه عدد دعا قدح ۷۹۸۲۹ در ساعات و روز و شرف مشتری جهت رفع جمیع آفات ۲۰ ۹۴۴۷ ۱۴۴۵۲۷

مجرب عدد تراویح عدد دعا شیخ ۲۹ ۵ ۶ عدد فاتحة الکتاب ۹۷ ۱۴ عدد جوشن کبیر ۹۳۶۱ ۸۶۳۹۱

عدد ناد علی عدد صم بکم ۷۶ عدد وننزل من القرآن ۶۵ ۱۹۱۹ عدد آیه والقینا بینهم العداوه ۷۸۷ ۳۳۷۳ ۱

عدد کل ناد علی ۴۲ ۳ ۴۲ عدد یا ابصر الناظرین ۲۱۲ ۳ عدد الله ربی لا اشرك به احدا عدد ۹۰۱ ۳ ۳

بسم الله الرحمن الرحیم عدد و القیت علیك تا موتا ۱۱۶ ۶ ۱ زین للناس تا حسن المآب عدد ۹۱۵۸ ۷ ۹

صم بکم عمی فهم لا یعقلون ایضا لا یتکلمون ۱۰۲۴ ابضا لا یرجعون ۷۸۰ ایضا لا یبصرون سورة ۸۲ ۷۳۴

الم تر کیف بسمله بجنوبهم کحب الله تا اشد حبا لله ۹۴۰ ۱۲۴ ۵۸۲ لو انفقت ۶۰

تا عزیز حکیم انه لحب الخیر لشدید یا قاهر ذو البطش الشدید ۲۶۹۸ ۱۲۹۱ والقینا یوم القیامة ۳۳۷ ۳

اذا طلقتم النساء فطلقوهن وقالوا نسوة تا ضلال مبین ۹۶۳۹ ۱۷۰۴ سورة والضحی بسمله عدد ۴۶۷۴۲

والقینا بینکم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة قال هذا فراق بینی و بینك بعد المشرقین تا الغرب

ایما تکونوا تا قدیر عدد آیه وعنده مفاتح الغیب ۸۲۴۹ عدد آیه و ما رمیت اذ رمیت ۹۳ ۶۲ ۲۱۵ ۶۴۲

٣	٤	٦٩	٧٢	٢٧	٩٩	٢٦	٧٧	٨٠	١٩
٧١	٢٨	٣٣	٧٠	٩٠	١١	٧٩	٢٠	٢٥	٧٨
٢٩	٧٤	٦٧	٣٢	٩	٩٢	٢١	٨٢	٧٥	٣٤
٦٨	٣١	٣٠	٧٣	٢	٩٩	٧٦	٢٣	٢٢	٨١
١٨	٩٤	٩٦	٩٨	٤٠	١	١١	١٥	٨٥	٨٤
٨٣	٧	٥	٣	١٠٠	٩٧	٩١	٨٦	١٦	١٧
٥٠	٥٣	٥٦	٤٣	٩٥	٦	٤٢	٤١	٦٤	٣٥
٥٥	٤٤	٤٩	٥٤	٩٣	٨	٦٣	٣٦	٤١	٦٢
٤٥	٥٨	٥١	٣٨	٨٧	٤	٣٧	٦٦	٥٩	٣٠
	٤٧	٤٦	٥٧	١٢	٨٨	٦٠	٣٩	٣٨	٦٥

ابجد صغیر

ا ب ج د هـ و ز ح ط ی ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ك ل م ن س ع ف ص ق ر

ش ت ث خ ذ ض ظ غ

ابجد کبیر

ا ب ج د هـ و ز

احد اثنین ثلثه اربعه خمسه سته سبعه

ح ط ی ك ل

ثمانیه تسعه عشره عشرین ثلثین

م ن س

اربعین خمسین ستین

ع ف ص ق

سبعین ثمانین تسعین مائه

ر ش ت ث

مائتان ثلثمائه اربعمائه خمسمائه

خ ذ ض ظ غ

ستمائه سبعمائه ثمانمائه تسعمائه الف

www.telasm.com

www.telasm.com

عدد جملی حروف صغیر غیر عدد صغیر واسع ابجد اهل مغرب سابقاً در میان عرب شایع بوده است

۱۸ ۲۹۶ ۹۹۰۱۴ ۲۴۱۲۰۸ ۲۸۵۲۹۲

ولیکن ابجد ایشان چنین است صعفض قرشت ثخذ ظغش یعنی صاد را شصت میگیرند وظاء را
هشتصد میگیرند وغین را نهصد میگیرند وشین را هزار و در باقی حروف با مشهور موافقند خواص آیه کریمه قل اللهم
مالک الملک تا بغیر حساب عدد بگیرد وان برای کسی که منصب مجلسی طلبد ویا از منصب افتاده باشد عدد آیه وعدد اسم سایل
مجموع را در مربع ثبت کند بساعت حمل وقمر مسعود وبعد از نوشتن بخور بسوزد وهفت روز هر روز صد نوبت بخواند
وسخن نگوید روز یا شب چنانچه عمل کرده باشد منصب وجاه ودولتش زیاد نماید وان عظیم بخشد واگر عقب هر نماز ورد سازد ختم
بخواند فتح وجمعیتش رو دهد خواص آیه ان الله وملائکته تا آخر عدد گرفته واسم خود داخل کند چون قمر ناظر
بسعود باشد بساعت نیک در مربع نگارد با بخور وبعد آن مجلس صد نوبت بخواند چون بر این آیه ملازم شود این مربع با خود
نگاه دارد مقبول گردد وبا هر که سخن بگوید مطیع گرداند وجمیع خلایق مسخر او شوند بشرط طهارت وچون اسم خود واسم
مطلوب مدد بگیرد وامتزاج این عدد کند ودر مربع نگاشته با خود نگهدارد وبر این آیه ملازم شود مطلوب مطیع وفرمان
بردار وتابع خواهد بود طریق ختم سوره فاتحة الکتاب بدین چهل ویک روز هر روز چهل ویک مرتبه بخواند بشرطیکه اگر
یک روز فوت شود باز از سر گیرد بعد از آنکه چهل ویک مرتبه بخواند سیزده بار بگوید یا مفتح فتح یا مفتوح فتح یا مسبب
سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم بعد از چهل ویک روز فتوحات رو دهد که بشرح راست نیاید
تا بدین چون خواهی که زبان در حق تو بسته شود این آیه را نه مرتبه بخواند هر سه مرتبه که خوانده محو شود انگشت
سبابه را تر کرده با آب دهن از میان هر دو ابروی خود تا سر دماغ بکشد البته زبان دشمنان بسته میشود دیگر
در حق او سخن نگوید مکرر تجربه شده [illegible] است این آیه مبارک این است والله المستعان علی ما تصفون طریق ختم
سوره الم نشرح هفده روز هفده مرتبه بعد از نماز صبح در یک مجلس بخواند وبعد از آن این دعا بخواند اللهم اغننی بحلالک
عن حرامک واغننی بفضلک عمن سواک خواص آیه یحبونهم کحب الله تا اشد عدد بگیرد وعدد اسم طالب ومطلوب را
امتزاج کند وهفت روز یا هفت شب بخواند که مطلب مسخر گردد وقمر ناظر به زهره باشد بساعت مشتری یا زهره او بنویسد
وآیه زین للناس تا حسن المآب همین خاصیت دارد وامتحان کرده تجربه است خواص آیه لقد جاءکم
تا رئوف رحیم چون کسی را خواهد که مسخر خود گرداند اسم آن شخص داخل عدد آیه نموده در مربع ثبت کند در ساعت موافق
وقمر ناظر بسعود چون شب یکشنبه یا چهارشنبه در سلکه مردم خفته باشند وضو سازد ودو رکعت نماز کند اول یکبار
فاتحة الکتاب ۲۵ بار آیه لقد جاءکم در رکعت دوم بدستور وسلام دهد وبیست مرتبه صلوات فرستد بعد از آن بسجود
رود ودر سجود ۲۵ مرتبه بگوید یا رحیم فلان ابن فلان را بر من مهربان گردان البته از عظیم محبت بخشد که تماشا باید کرد خواص آیه قل ان

www.telasm.com

www.telasm.com

۱۳۴ الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم چون

این مربع پر کنند در دکان بیامیزند سودا و معامله بسیار شود خواص آیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا فی

کتاب مبین چون کسی خواهد که از حال چیزی یا از غایبی خبر یابد و یا از دور کار آینده خود که چه پیش آید شب یکشنبه یا چهارشنبه عدد

این آیه بگیرد و عدد اسم خود و جمله را در مربع بکار برد و این آیه در حوالی آن مربع بنویسد و هفت نوبت بخواند و سوره والشمس یکی

هفت نوبت بخواند و این آیه را در حوالی آن مربع نوشته بعد از خواندن در زیر سر نهد و در خواب هر چه ببیند کند البته

او را خبردار سازند و حقیقت استقبال را بگویند و باید که ملازم شود هر صباح که شود هر کسی که با وی سخنان غریب بگوید

و بسی عجایب از او ظاهر شود و از عظیم دارد خواص آیه مبارکه فوقنا آخر چون کسی را درد چشم پیدا شود عدد این آیه بعدد اسم

آن شخص در مربع بکار برد و قرار یابد ناظر الشمس باشد و بر [illegible] نهد که البته شفا یابد و روشنی چشم بسیار آید و اگر در شرف

شمس این بکار برد و با خود دارد تسخیر خلایق حاصل شود و علوم غریبه او را روی نماید و این آیه را ملازم شود تا مراد حاصل گردد

خواص معوذتین اگر کسی را بسته باشند این دو سوره را ملازمت و عزایم بنویسند در مربع عدد اسم آن کس را اضافه نمایند چون با خود

دارد بعجب صد کس در و گشاده شود و بجهت باطل السحر و غیره مناسبت بسیار دارد و بجهت خواص آیه لو انفقتم ما فی الارض تا عزیز حکیم

عدد بگیرد و اسم طالب و مطلوب را بجمل بگیرد و با و اضافه کند و به مربع برد هفت روز آیه را بعدد اسم مطلوب بخواند و مربع را نگاه دارد

مطلوب مسخر وی گردد باذن الله تعالی جمله چون مضطر و نا امید و بی التجا باشد بنویسد بر ساعت زهره و قمر ناظر السعود [illegible]

۶ ۸ ۷ بار بخوانند و شرط خواندن آن است که وضو ساخته دو رکعت نماز گذارد که اول سوره حمد ده نوبت بار بسم الله الرحمن الرحیم ا

و بعد از سلام مربع صحیح بکند و او را به مربع ببرد و بخور ساخته مربع را با خود نگاه دارد پس بعد مذکور بخواند در یک مجلس و سخن

در میانه نگوید تا تمام بخواند و هفت روز چنین کند و با هفت شب یقین که در آن هفته بمقصود رسد و بجهت کسب معاش و حرمت میان

و تسخیر خلایق و بخت بسته و سایر مطالب اثر کلی دارد و چون بدین آیه متوسل گردد همه مهمات را کفایت است باید مربع

النطق باشد یک مضمر و یکی مظهر مظهر را حروف نوشته شود و مضمر را عدد ه خواص آیه [illegible] تجمیع

و من قالا استغاثت بک فلم تغثه وا غوثاه وا غوثاه و بک استغیث اللهم کما نجیت موسی من الغرق و نجیت خلیل

من ید المشرکین فاسئلک ان تنجینی مما انا فیه عاجلا بفضلک و جودک یا ارحم الراحمین بدایت عمل از روز شنبه شروع نماید

و سعی کند بعد از نماز صبح بجهت هر مطلبی پیش آید تکرار کند ۲۱ مرتبه و بعد از نماز ظهر ۲۲ مرتبه و بعد از نماز عصر

۲۲ مرتبه و بعد از مغرب ۲۲ مرتبه و بعد از خفتن ۰ مرتبه که مجموع صد مرتبه خوانده باشد البته بمراد میرسد و اگر هیچ مکروهی

همیشه مداومت نماید باعث سعادت دین و دنیا و آخرت خواهد شد ان شاء الله تعالی خواص از برای عزت و جاه و حرمت و تقرب

سلاطین مجلس هزار و هشتاد و دو بار بخواند عنقریب بمطلب برسد و اگر ورد کند هر که تمام او بکرد و این است والحکم الواحد لا اله

www.telasm.com

www.telasm.com

الا هو الرحمن الرحیم خواص آن برای آواره کردن مدفوعات کافر و تن و شفاء بیماران و حصول حاجات و حوائج کلی و طلب رزق و توانگری صد هزار ۱۳۵

وسیصد و سی و سه بار بخواند اگر تواند بیک مجلس بخواند خوب والا آنچه تواند بخواند این است فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین خواص آن

حصول حاجات و هلاک دشمن و دفع خوف و عقد اللسان جمله خصمان هزار و یکبار بخواند این است انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون خواص

برای الفت علما و وسعت رزق و طلب جاه و منصب و بزرگی و محبت سلاطین و عقد اللسان وزرا هزار و یکبار بخواند این است الله لطیف بعباده یرزق

من یشاء و هو القوی العزیز خواص آن برای هفت مطلب ۱ دعا ۲ عقد اللسان ۳ رفعت ۴ قبول عامه ۵ استجابت دعا ۶ آسانی کارها ۷ دوستی خلایق

این است عدد ابجد عدد کبیر چهار هزار و سیصد و سی و سه بار و بسط ششصد و شصت و شش عدد صغیر شصت و شش بار این است یس والقرآن الحکیم

حشمت
ص والقرآن ذی الذکر ق والقرآن المجید ن والقلم و ما یسطرون خواص این ورد نیز هفت خاصیت دارد ۱ عزت ۲ رفعت ۳ فراخ روزی ۴

۵ محبت ۶ قوت ۷ قدرت عدد کبیر شصت و چهار عدد و بسط چهل و هشت عدد صغیر هشت این است حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

و هو رب العرش العظیم خواص جهت برآمدن مهمات کلی دوازده هزار بار بیک مجلس بخواند و در آن هفته مقصود برآید این است امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء

اذا دعا خواص جهت ایمنی از بلاها سیصد و سیزده بار بامداد و شام بخواند این است فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب

العرش العظیم خواص جهت کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع خصمان یک کلمه را هفتصد و هفتاد و پنج بار بخواند کهیعص و اگر تواند جمعسق

بدو ضم کند و هر دو کلمه را دو هزار بخواند بیک مجلس مرادش بنوعی برآید البته خواص جهت فراخ روزی و استجابت دعا و در زنگ

شدن با ستغم و برآمدن حاجات کلی و خواستن پوره این آیه قیام نماید بعد از وضو هفت بار و بعد از هر نماز پیش از آنکه سخن گوید

هفت بار بخواند این است و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون خواص

از جهت ادای قرض و برآمدن مراد کلی و رجوع و خلاصی از حبس و دفع مرض و دفع دشمنان و دفع حزن و اندوه این آیه که عدد آن هفتاد هزار

بار بخواند هیچ روز از هزار بار کمتر نخواند اگر نیاید بخواند اول لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین خواص برای گم شده و

شدن دگر بخته و آمدن ما بیان و اظهار رضایا و امثال آن بیک مجلس دویست و یکبار بخواند ظاهر شود و در خواب ما ببیند یاد نمایند

و از عاقبت آنکار نشو لغبار کنند و آن فرو معرفت این است الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء و الارض ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر خواص برای

کفایت مهمات و بسر عمل آمدن و باز آمدن از غربت بوطن و حصول مراد کلی و عزت و رسیدن بمطلوب خویش و دفع دشمنان قهر و کفی بالله ولیا

و کفی بالله نصیرا و کفی بالله حسیبا و کفی بالله علیما و کفی بالله وکیلا و کفی بالله شهیدا خواص مرویست از حضرت رسالت پناه ص

که هر که این کلمات را در عمر خود یک بار بخواند حق تعالی فرماید هفتاد هزار ملک را تا ابد برای

او آمرزش میخواهند تا روز قیامت و از برای مهمات و حاجات و وسعت

رزق و طول عمر و دفع خوف و خاتمت ایمان کامل از این عالم رفتن

باین کلمات مداومت نماید جزا الله محمدا عنا ما هو اهله

www.telasm.com

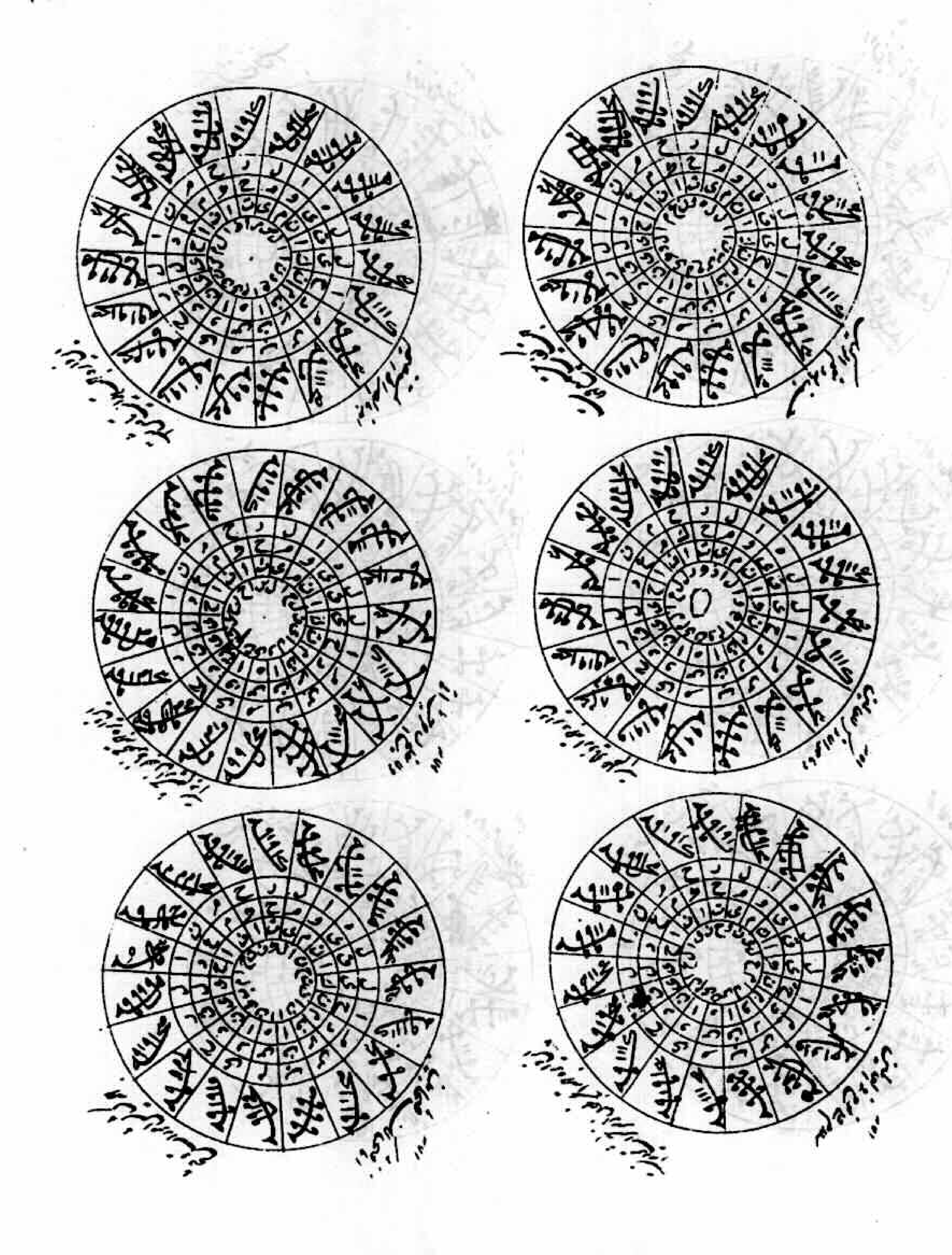
www.telasm.com

١٣٦ هذه صورة الدائرة التسعة عشر كما شرح ولطف من كلام مولانا
امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه الافضل التحية والثناء دائما

دائرة تختم ١٣٩ تصلية أن يذكر أو يسطر أسماء لا حول ولا قوة الا
(بالله العلي العظيم)

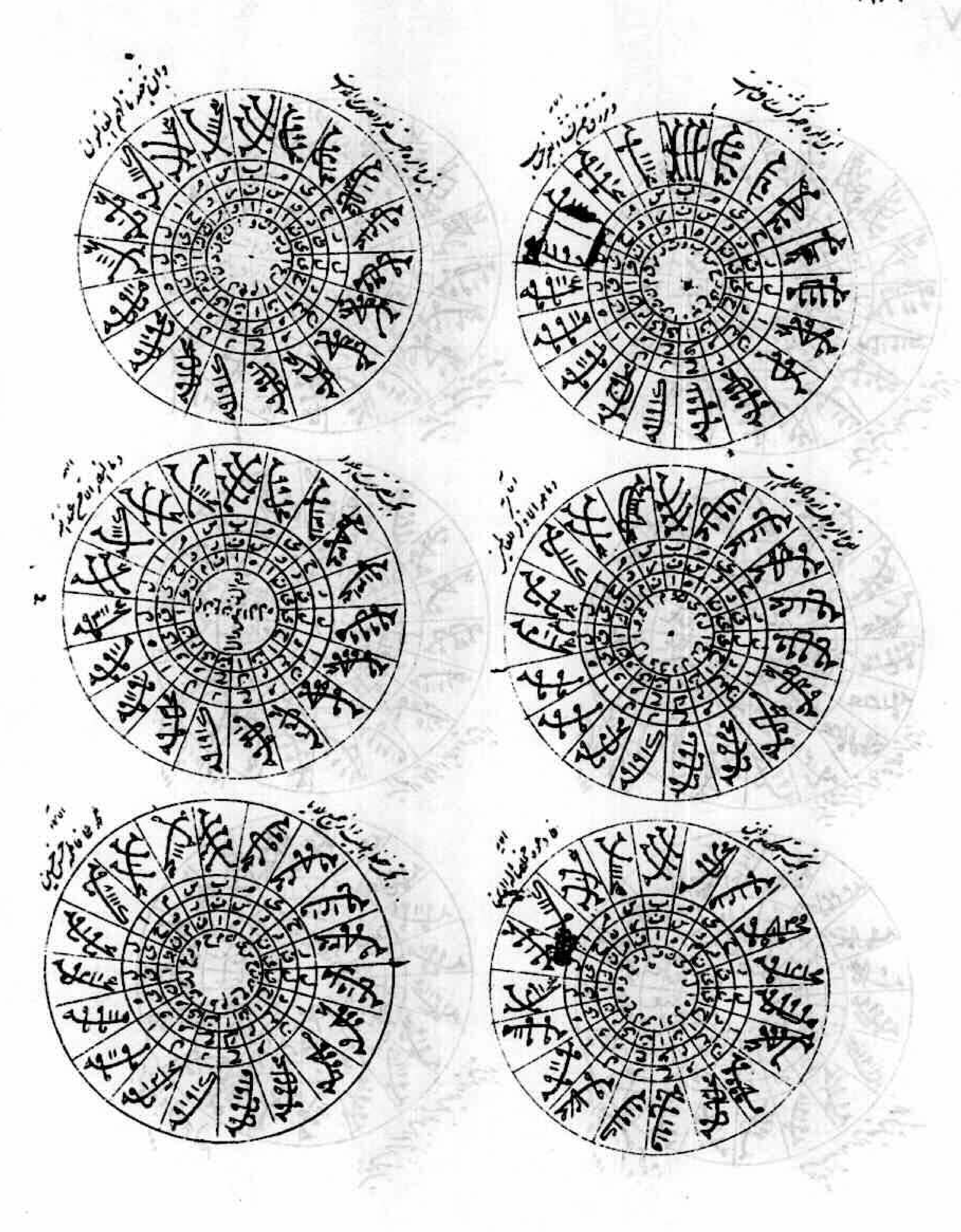
www.telasm.com

www.telasm.com



www.telasm.com

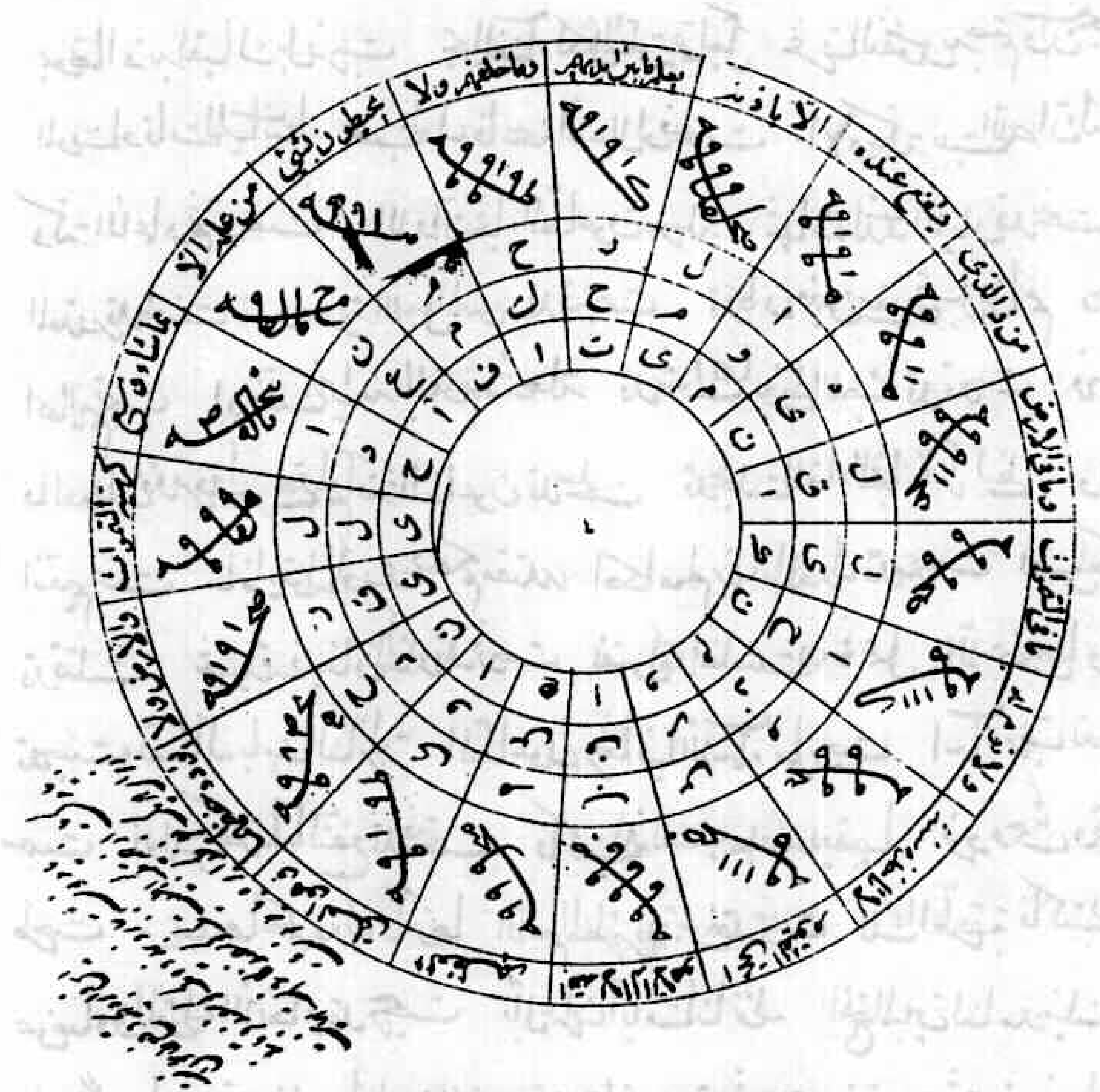
www.telasm.com



www.telasm.com

www.telasm.com

هذه الدوائر التسعة عشر معروفة دوائر جنة الأسماء منسوبة الى ١٣٩
امير المؤمنين عليه السلام مجربة في التأثير استخرناها من جمع مشايخ فاجازوا
لنا في كتابتها و اجازتها لمن هو اهل لها - كتبه العاصي الا عطاردي



بسم الله الفرد حي قيوم حكم عدل قدوس الفتح المبين ١٠٩ ٣م

با زعفران و مشك نوشته شود

www.telasm.com

www.telasm.com

١٤٠ هذه قصيدة منسوبة الى علي ع في خواص الدائرة وكيفية كتابتها وهي التي مذكورها في الرسالة الماضية لقد

بدأت ببسم الله مفتتحاً انك الحامد حمد الله فافتتحت مثنياً بصلوة الله اكملها على نبي به سبل الحمد

انفتحت محمد خير خلق الله سيدهم ومن بالخلق يوم الفصل قد سمحت ذنوب امته من اجله كرماً

عنها مكارم عفو الله قد صفحت وان مبغضهم عسرت فبالصلوة عليه مكثر انجحت يا رب

هب لعبدي من لدنك رضى يا من بقدرته الارضون قد سطحت نفسي لطول حنين الحيا لقد رضيت

بموتها اذ بد لقيان بل فرحت بحر الفناء لكل الخلق عم اجل غرق النفوس به حتم وان جمحت قد ضيق

الموت اوقات الحياة بنا هب طول فاسحة الاجال لو فسحت الا وكم بيت الله ان له لصدمة

وكم الاعمار ثم وحت الا وان فناء الطاعون مرسلة شهادة لذوي الايمان قد منحت استتر لقدر

المقدور قد طعنت ومدية الاجل المحتوم قد ذبحت فكان فيمن مضى من قبل من امم رجز القوم بهم

افعالهم قبحت انزلت نيرانه بالقوم مشعلة قد شواها بغطى الاصحا قد قدحت فهم على الاثم

والعدوان قد مردوا حتى لهم آفة الطاعون قد صلحت قد عجلت للقاء الفجار نارا لظى والمؤمنين لهم رحمة

انعيم منحت ماذا يقول الورى في حكم مقتدر احكامه لم يزل بالعدل قد مدحت نفس لمعركة الطاعون

قد قتلت شهيدة في جنان الخلد قد فرحت نفس لقد اخلصت لله في عمل الا بمتجرها والله قد ربحت

قد جئت تسئل باهل النازلة الطاعون رفعاً فبالاسماء ما برحت اسماء رب نعم قدست و

سميت ابواب حكمتها بالنفع قد فتحت فاكتب لذلك بسم الله يعقبها فرد وحي وقيوم وقد

طرحت من بعدها حكم عدل وآخرها الاسم المطهر قدوس فقد نجحت تلك الطريقة فاكتب بعض آية ما

عن صادق القول في الانعام قد رجحت بآل عمران آيات لنا نزلت الفتح المبين لنا مذ قبلنا منحت

واحرفاً معجمات صنع نلبسها في الوضع مثل ستاتي بعد قد شرحت فتسعة ثم عشر ضبط عدة ما

بعين دائرة الاسماء قد انمحت ببيت صنعهم في دور دائرة بالزعفران ومسك وبحد نفحت وسموها

جنة الاسماء والق بها استنة الطعن بالطاعون اذ جرحت ومن اصيب بطاعون فصابر شب للغيب

من نار لد لفحت فامح الكتابة بالماء المعين وكن للثقل دام ببيت شذ ما نفحت ثم اسقه الماء

واعلم ان به شفاء ما لم تكن روح عين النفس قد صلحت وقل لمن يدخل الاسماء منزله ما بن يقرب

شاة نذبته وبحت وبعدها تقرأ بان عذرهم هذه هبة من ربكم منحت ولا تبح سر هذا القول

غير فتى معالم الخير من سيماه قد لمحت من رام يطعن جهلاً منه او حسداً فلا تخف من كلام لحية ان نبحت

www.telasm.com

من خير علم رسول الله مقتبس فيا لها غرفة من بحر طفحت لطائف الله في اسمائه اجتمعت والعارفون بها

صدراً لقد شرحت خذها فانها نور ترى مطالبها بها نفوس كثير القوم ما سمحت

اقول

قد اتفقت الكتاب بل العلماء ان دائرة جنة الاسماء من افاضات امير المؤمنين علي عليه السلام وهي مشتملة على الاسم الاعظم وانها سر الاوحد والقصيدة التي مرت منسوبة اليه مشتملة على توصيف الدائرة وكيفية تحريرها ويفهم منها ان صورة الدائرة واحدة لا تعدد فيها وانها لدفع الطاعون فقط ولكن سمعنا بعض المشايخ يقول انها تسعة عشر دائرة كل واحدة منها على هيئة اخرى ولحاجة اخرى كما رسمتها مشروحا ومفصلا والظاهر انها واحدة على هيئة واحدة لا تعدد فيها مشتملة على خمس دوائر منقسمة على تسعة عشر حصة مثلثا ومربع ويكتب في الدائرة الاولى آية الكرسي الى العظيم وفي الثانية الاشكال المرموزة وفي الثالثة البسملة مقطعة وفي الرابعة الاسماء الستة كذلك وفي الخامسة آية مناسبة للحاجة مشتملة على تسعة عشر حرفا مثلا لدفع الطاعون او من كان ميتا فاحييناه ايضا توكلت على العزيز الحكيم ولدفع الاعداء حسبنا الله ونعم الوكيل وللفتح والنصرة انا فتحنا لك فتحا مبينا وللعداوة والقينا بينهم العداوة ايضا خصمان بغى بعضنا على بعض ولابطال السحر ولا يفلح الساحر حيث اتى ولدفع الشدة سيجعل الله بعد عسر يسرا ولدفع الغم رب اشرح لي صدري ويسر لي امري ولدفع الحمى يا نار كوني بردا وسلاما ولعقد اللسان اليوم نختم على افواههم وللاختفاء عن الاعداء فاغشيناهم فهم لا يبصرون ايضا صم بكم عمي فهم لا يعقلون ولتبديل الاحوال عسى ربنا ان يبدلنا خيرا ولاحسان الامراء واحسن كما احسن الله اليك وللخلاص من الحبس اياك نعبد واياك نستعين ولطلب الهداية اهدنا الصراط المستقيم ولزيادة العمر والحمد لله رب العالمين وهكذا العلم عند الله وجعله الكرام وقال بعض المشايخ انه لابد ان يحسب اعداد حروف البسملة والاسماء والآية التي في الخامسة وآية الكرسي ويجمع كلها واضيف اليها عدد اسم علي ع مع عدد كلمة طي ويكتب في مربع مرسوم في جوف الدائرة الخامسة وهو سر تاثير الدائرة قيل واضيف اليها ايضا عدد حروف اسم الطالب وامه ولابد ان يكتب الدائرة مطهرا بالمسك والزعفران على لوح من ذهب او ما يناسبه في اللون كالقرطاس الاصفر وغيره في ساعة سعادة القمر والمشتري ثم يبخرها بالعود وغيره وينبغي ان تكون الدائرة مساوية الوضع ويكون رؤس الخطوط محاذية لمركز الدائرة وان يشرع عند الكتابة من البيت الاول الذي تحته وهكذا وبعد تمام الكتابة يعلق الدائرة ويقرأ كل يوم بعد صلوة الصبح كل واحد من الاسماء الستة والبسملة والآية تسعة عشر مرة الى تسعة عشر يوما فقبل تمام تسعة عشر يوما يرى العجب ان شاء الله تعالى وبعد القراءة يقرأ هذه العزيمة مرة واحدة وهي هذه اللهم اني اسئلك بفاء الفردانية وحاء الحياة السرمدية وياء ينابيع الحكمة وقاف القدرة وواو الوجه وميم الملك وحاء الحكم وقاف القيوم ودال الديان

www.telasm.com

 وواد الولاية وبين السكينة اقسمت عليكم ايها الارواح الروحانية خدام هذه الحروف والايات العظام والاسماء المشرفات الكرام وبحرمة قدرته لديكم بارك الله فيكم وعليكم وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك واليك المصير نعم المولى ونعم النصير حسبنا الله ونعم الوكيل بحول الله وقوته وصلى الله على محمد وآله الا بلدا الا ما اجبتم دعوتي وامتثلتم لي قضا حاجتي ثم اذكر حاجتك قل بحق نون وصاد الله العظيم الاعظم وكبريائه وعظمته ولا يصف الواصفون كنه عظمته ومجده عليكم الانقياد فيما اريكم بحق اسم الله العظيم الاعظم عليكم قيل قال عليه السلام ان خفت من العدو فاكتب آية فاغشيناهم فهم لا يبصرون في الدائرة وادر تمها في قطعة من الديباج الابيض واجعلها على راسك من غير حايل بينها وبينهم فانهم لا يبصرونك يعني ان يقرء تلك الاية عند مقابلة العدو والكفار فان عدد حروفها تسعة عشر فلها سر عظيم فاذا اكتبها مايل عليها القسم الذي مر ذكره سبع مرات وبخرها حالة تلاوة تلك القسم بمسك وعنبر وعود ثم صم من يومك الذي كتبتها فيه الى سبعة ايام ان استطعت والا مثلة ايام ولا تاكل في تلك الايام ما خرج منه روح او خرج من روح ثم ضعها على راسك كما تقدم فان ابصارهم تعمى عنك بقدرة سبحانه الله تعالى مربع كه در جوف دائره بايد نوشت باين نحو است كه باعداد آيه او من كان ميتا فاحييناه نوشته شده است ودیگر آنرا هم باين نحو بايد نوشت ولو نوشتن اين مربع بطريق اصافه است بطريق مشهور تدبير اما دنجا بطريق مشهور است باين نحو

٨	١١	١٢	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١۶	٩	۶
١٠	٥	۴	١٥

۶ ٨ ٢٩	٥٩۴۴	۴٨٧
٥ ٣ ٥۴	٣۴٩	٢٩٢٢
٢۴١٧٨٢	١٩۴	١٥
۴٨٧.	١۴۶١	٢٢٣٥

وبقیه ١٦٥٦٨ کسر ١

عمل جلب القلوب

اول جلب القلوب را زمام ساختيم چنين شد ح ل ب ا ل ق ل و ب اين حروف را بسط غريبي كرديم يعني از حروف اهطمفشذ بو ينحتصض جز كسقثظغ دهلعرخع عزيز تركرديم چنين شد د ل ن ا ب ل ش ر ل ث ع ا پس آن حروف اگر زوج است ۵ و اگر فرد است ۱۲ م تركيب كنند وآنچه باقي مانند او هم يك اسم تركيب كنند وكلمه ئيل داخل كرده نام ملائكه حاصل شود واين مثال چون حروف مركب كرديم چنين شد دكائيل بكائيل اين است طريق استخراج نام ملائكه بعد نام اعوان را بايد حاصل كرد وطريقش آنست كه نام ملائكه را بي كلمه ئيل يكبار ديگر معكوس كنند چنانكه درين مثال اين خيال مشود ادع لش ادبلث وچون حروف فرد است به پنج وچهار تركيب داده وكلمه يوش داخل كرديم چنين شد ادهكيوش لشادبليوش اين است طريق استخراج اسم جن كه اعوان گويند از بسط غريبي وطبيعي ليپ سطر زمام

www.telasm.com

www.telasm.com

وسطر نیز از آن تخلیص کردیم چنین شد ج ل ب ا ق و د ک ر ه پس آن سطر خلاصه آنقدر تکسیر کردیم تا زمام
پیدا شد یعنی اگر بار دیگر تکسیر کنیم زمام که سطر اول است حاصل شود هکذا ه ج د ل ک ب م ا و ق پس حرف اول و حرف
آخر سطر اول را و کذا حرف اول و حرف آخر سطر آخر را برداشتیم ق ه و ج ا د ل ب ک و کذا حرف دوم و حرف ما قبل آخر
سطر اول و سطر آخر را و کذا حرف سیم و حرف ما قبل آن ق ب ه ل و د ج را ا ل ک ق ج ب ه ه د ل ا و ک
ه ر د ق ب ج ما قبل آخر سطر اول و آخر را تا سطرین تمام شود برداشتیم چنین شد ج ه ل ج ل د ا ب ب ک ق و ق
ا د ل ق و ه د چون زوج است ٢٢٤ ترکیب دادیم چنین شد جهلج لداب بکوق ادکد قوهر این اسماء ملک
الارواح است و طریق استخراجش همان نحو است که گفتیم پس استخراج طلسم میکنیم و قاعده اش آن است که تمامی سطور مسطوره
تکسیر را ٥٥ اگر فرد است ٢٢٤ اگر زوج است ترکیب میکنیم آنچه حاصل شد طلسمات است چون ما نحن فیه زوج است
٢٢٤ ترکیب کردیم چنین شد جلبا قودک رههج رلکب اوق قهوج ادلب کلکق هلوج را اگر تجدید و للا
وکهر دقبج پس این در میان سطور تکسیر میکردیم آنچه از اسماء الله پیدا میشود موافق مطلب استخراج میکنیم و اگر پیدا نشود
از خارج بعدد حروف زمام از اسماء الله هر اسمی که منسوب بیکی از آن حروف است میآییم و چون هر حرفی بملکی منسوب است
اگر منسوبات حروف زمام را از ملائکه هم استخراج کنی بهتر است و اگر همه کلمات اسماء ملائکه و اعوان و اسماء الله و طلسمات را
بعددها هم برابر کنی بهتر است پس یعنی انشا نموده یکان یکان ملائکه و اعوان و اسماء الله و ارواح را قسم بدهند
باسماء الله و بطلسمات چنانکه میآید و در وقت عمل طلسمات را بر سنگ سفید پاک نقش کرده در آبی که همه خلایق مو خوره نکرده
می اندازند بجهت جلب عموم ناس و اگر جلب خاص را خواهد آن سنگ را با آب اندازد و بجوشاند هر که دهد بیقرار و گرفتار او گردد
اما این وقتی شود که دعوت اسم مطابق را با شرایط بعمل آورده و بمبالغه تمام ورد خود سازد و بخورات بسوزاند پس آن
عزیمت را بعد السطور تکسیر که در ملخص نیز نوشته است و همه شرایط دعوت را چنانکه سابقا در این مجموعه در اکثر جاها
گذشته مرعی دارد و بخواند خطاب بارواح و ملائکه و اعوان کند تا یکهفته مداومت باین عمل نماید تا مراد حاصل شود و اگر
بعدد کبیر یا صغیر یا وسیط مجموعه اسم مطلوب یا شهر مطلوب تا یکهفته مداومت نماید بهتر و موثرتر خواهد بود و اگر منظور
تسخیر یکنفر باشد بعوض جلب القلوب فقره جلب القلب را بصیغه مفرد نظام کرده همه اعمال مذکوره را با تمام رساند این عمل
بغایت مجرب است و انشاء عزیمت را باین نحو باید کرد قد عزمت علیکم یا ارواح العالیات الطاهرات الزکیات و یا ملائکه
رب العزة بالله الذی لا اله الا هو مقلب القلوب مبشر المطلوب یا ارواح العالیات و یا ملائکه رب العزة و یا ایها الاعوان
اجیبونی و عزمت علیکم یا دکا بکائیل یا رکهائیل بالله و اسم الله المرقوم فی الالواح المسطور عزمت علیکم
و اقسمت لکم بحق محلکم و مقامکم و ذکرکم و تسبیحکم و تهلیلکم و مناصبکم عند الله ثم ان تمروا الی الاعوان و تامرهم

www.telasm.com

www.telasm.com

٢٢ ابطاء حتي وانجاح حاجتي وبها ادهكليوش اربكيوش يادكا بكائيل يا يكهائيل اقسم عليكم بالله مقلب القلوب بحق بدا

جهلج لراب بكوف ادكد قومر ان تأمروا اولاد هكليوش واربكيوش ان يسخر قلوب الخلايق والناس اجمعين والنساء

والرجال والغلمان والولدان والانس والجان بالحب لي بجميع الاكوان في جميع الاماكن والازمان بحق الله الرحمن الرحيم

يا اهل هذا العمل من الملائكة والاعوان والارواح اعينني بتسخير القلوب واخذ المطلوب اعينني وكونوا اعواني

وانصاري واحبائي وادركوني في جميع الاحوال والازمان اجيبوا يا دكا بكائيل يكهائيل سميعا مطيعا بحق جلبا يئيل قلبائيل

اجيبوني واعينوني بتسخير قلوب الخلايق اجمعين وبحق الاسم الاعظم جهلج لراب بكوف ادكد قومر وبحق هذه الطلسمات وبهذه

الكلمات جلبا قودات دهججي دكبت اوف فهوع اردل بكلكون جلود جرا اكرفجبده والا وكهر دفج اجيبوني

بالله مقلب القلوب الرحمن الرحيم يا معشر اعوان ادهكليوش اربكيوش ان لم تجيبوني الى حصول مرادي فسلط الله تعالى

عليكم دكا بكائيل يكهائيل بايديهم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران يضربون وجوهكم وادبارهم ويسوقكم الى النار

وان اجبتم لي فبشركم الله تعالى يوم القيمة لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة بارك الله عليكم بحق هذه الكلمات

اجيبوني بحصول مرادي العجل العجل الساعة الساعة الساعة الطاعة الطاعة الطاعة الوحا الوحا الوحا اجيبوا

ما يحي الله اجيبوا اليوم ينادي المنادي من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج اجيبوني يا ارواح

الطاهرات بحصول مرادي وانجاح حاجتي اعينوني يا ملائكة رب العزة باستجابة دعائي وتبليغ مرادي الى رحمة رب

رحيم سالفة بشرة وخطاب واين بشوح ادعاح واعوانه زود تو اهتمام نمايند وسوده منده تعالى فورا بحصول

مراد واجابت

في معرفة حال الغايب خذ اسم الذي تريد واسم امه

واطرح سبعة سبعة وان بقي واحد فهو حي ولكنه مريضا وان بقي اثنين يخاف عليه وان بقي ثلاثة مات وان

بقي اربعة فهو في الطريق ويحصل له مشقة عظيمة وان بقي خمسة احواله حسنة وان بقي ستة فهو بالسلامة متوجه

من قريب وان بقي سبعة قتل وايضا في هذا المعنى حسب احمه واسم امه واسقط اثنين اثنين فان بقي واحد

مات وان بقي اثنان فهو حي قال شيخنا البهائي ره قدس الله نوره في كشكوله اذا اردت ان تسكن في

بلدة او قرية فاحسب اسمك واسم امك واسم تلك البلدة او القرية واسقط اربعة اربعة فان بقي واحد فانت

فيها في تعب وان بقي اثنان فانت فيها متوسط الحال وان بقي ثلاثة فان الرزق سهل عليك ونفسك مطمئنة قطعية

وان بقي اربعة يكون سعادتك في تلك البلدة والقرية انتهى وقال الطاب ثراه اذا اردت ان تعلم من يموت من

الزوجين قبل صاحبه فخذ اسم الرجل والمرأة من الصغير واقسم خمسة خمسة فان بقي مفرد فيموت الرجل وان

بقي الزوج فالمرأة تموت والله اعلم وقال طاب ثراه في طلب السارق يكتب هذه الحروف ويوضع تحت الراس نيم

www.telasm.com

www.telasm.com

لا تشك انك ترى السارق في المنام حتى لا يعاد صاد اد ابلج سلح بوماح سلح مسح ٥ واذا اردت ان تعلم من هو
السارق فكتب اسماء المتوهمين كل اسم في خرقة وتكتب هذه الاسماء تحت اسمائهم وهي هذه اهيا طهيا تو ساين
واطرحها في النار فان اسماء البريئين تحرق ويبقى اسم السارق ٥ واذا سرق منك شيء فاكتب هذه الحروف في رق ظبي و
ضعه تحت راسك فانك ترى السارق في المنام وهي هذه هها ع عا ادما وادمح هك ٥ وقال ايضا طاب
ثراه چون مكتوبي يا رقعه يا عريضه بكسى نويسند وخواهند كه زود ميسر شود اول بقلم بى مداد بر فوق عريضه اين شكل
نويسند كه زود كار ساخته شود بتوفيق الله تعالى تاب لا سه ٥ سكل ب ب فائدة مجربة صحيحة منقولة
في بعض المجاميع المنسوبة الى الشيخ الاجل الفاضل الاعلم العالم بهاء الملة والدين رحمه الله ورايته ايضا بخط الفاضل العالم
مولانا محمد تقي المجلسي في بعض مجاميع بكذا رايته مكتوبا بخطها والله اعلم بحقيقة الحال من اراد ان يسخر سلطانا او حاكما او
من الاشخاص فليتوصل ليصلي ركعتين يقرء في كل ركعة فاتحة الكتاب وسبع مرات هذه الآية عسى الله ان يجعل بينكم وبين الذين
عاديتم منهم مودة والله قدير والله غفور رحيم ويقرء في القنوت اللهم اني ادرء بك في نحره واعوذ بك من شره واستعينك
عليه فاكفنيه بما شئت فاذا تم لا يتكلم مع احد ويقول سبعين مرة اللهم لين قلب فلان ابن فلان لي كما لينت الحديد لداود
بجاه محمد الاكرم وبجاه علي الافضل الاعلم وبجاه فاطمة ذي الفضل والعصمة وبجاه الحسن والحسين سبطي سيد المرسلين وسيدي
شباب اهل الجنة وبجاه ذريتهم الطيبين الطاهرة وبحق حم عسق وبحق كهيعص وصلى الله عليه وآله الطاهرة فان تفعل مرة
الصلوة في ليلة الجمعة او يوم كان احسن ويخرج هذا السلطان والحاكم وهذا الشخص المقصود واطاعه بحيث لا يتعسر مراده عليه
وقد جرب هذا مرة بعد اخرى والله اعلم للحمى نقل من خط الامير الداماد كه از خط شيخ علي بن عبد العالي الكركي
نقل نموده بود از براى دفع حمى كتب في رقاع ثلاث ما هذه صورته سوطا سوطا بالنار اخوينا يا ويحجر المحموم في كل يوم
برقعة في النار مجرب للسنب اگر خواهي كسى را دوست خود گرداني اين كلمات آينده را در حضور آنكس چهل ويك بار خوانده
بر دست دمد بشرطيكه مبادا فعل شروع يكدفعه بسم الله الرحمن الرحيم بگويد واگر حوزه في اذنبات وعين دو دست دا تعذر
باشد در حين خواندن كه بخورد و بآنكس بخورد انند بهتر است كلمات اين است استخحب الطيس عن النبي صلى الله عليه وآله من اراد ان
يوسع عليه الرزق فليكتب هذا الدعاء ويعلقه على نفسه او يكتب في منزله او يقرء كل يوم وليلة ثلاث مرات والدعاء هذا يا الله
يا الله يا الله يا رب يا رب يا رب يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام اسئلك باسمك العظيم الاعظم ان ترزقني رزقا
حلالا طيبا برحمتك الواسعة يا ارحم الراحمين ثم قال النبي صلى الله عليه وآله والذي بعثني بالحق نبيا انه من يكتب هذا الدعاء ويعلقه على نفسه
او قرءه وقع الله عنه وعن نسبته من غضب الغفر ناد عليا مظهر العجائب تجده عونا لك في النوائب كل هم وغم
سينجلي بولايتك يا علي يا علي يا علي من قرءه ليلة الجمعة ثلاثا وسبعين كما نقل عن الشيخ برهان الدين ابراهيم الحمي

www.telasm.com

www.telasm.com

١٢٦ و تا بر سب مرارا للمحبة و منظورا لحكام و بنی آدم جميعا يكتب يوم الخميس اول الشهر الله اكبر خمسمائة و لا حول و لا
قوة الا بالله العلي العظيم خمسمائة ثم تعلقه على عضدك ثلاثة ايام فانك تطاع و لا تعصى ما دام معلقا عليك و لا تخشى
من خيبة و لا فقر و لا سبع و الشيء مما خلقه الله تعالى و ذلك من الاسرار المجربة المنقولة من كتاب بيد الفن الشريف نقل من خط
المرحوم المولى محمد تقي المجلسي ره ٥ نقل من خط المرحوم ملا شاه الجيلاني ره كتبه على ظهر كتاب شرح الاشارات سمعت من استاذنا
من سيد الحكماء و سند العلماء الامير محمد باقر الداماد الحسيني ره ان من ابتلي بتضييق المعاش فليقرأ سبعة ايام في كل يوم سورة
زمر و حواميم و سورة محمد ص يحصل له الفرج البتة و هذا مجرب و الابتداء من يوم الجمعة و الاختتام بالخميس و من وظيفته
ان لا يتكلم مع الناس حتى يفرغ من القراءة و الحاصل انه لا يتكلم في اثناء القراءة حتى يفرغ و في بعض النسخ فليقرأ سبعة ايام في كل
يوم من سورة الزمر الى سورة محمد ص فعلى هذا النسخة سورة محمد خارج عن القراءة ٥ من السيد الداماد ره من اكثر ذكر اسمي
الغني المغني عشرين يوما ستين كل جمعة عشر الاف مرة و لا يأكل حيوانا اغناه الله تعالى عاجلا و آجلا بسم الله الرحمن الرحيم
سمعت من شيخي و استاذي العالم العامل الشيخ محمد بن فرج الحميري ان هذا الدعاء مروي عن مولانا امير المؤمنين ع يقرأ كل
صباح و مسا لطول العمر و القرب عند الامراء و السلاطين و كان رحمه الله يقول انه من جملة مروياته و مسموعاته و انه قد جرب
مرارا و الدعاء هذا اللهم اجعلني محبوبا في قلوب المؤمنين و ملحوظا في اعين الخلايق و منظورا في نظر السلاطين و محفوظا
من شر الشياطين و بلغني الى مائة و عشرين سنة معافا من كل آفة و عاهة و بلية و محنة برحمتك يا ارحم الراحمين
اول كتبه كما وجدته هر كس اين آيه را روز چهارشنبه هفتاد بار بخواند بر جمله اهل علم غالب آيد و فتوحات بر وی حاصل گردد
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة هو الرحمن الرحيم ٥ روز پنجشنبه هر كس اين آيه را صد نوبت بخواند
در نزد علما معزز و محترم گردد و تحصيل علوم بر وی آسان شود و توانگر گردد و بر اعدا ظفر يابد من كان يريد العزة
فلله العزة جميعا ٥ ذكر منسوبات حروف ان ملائكه و اسماء الله اللهم اني اسئلك بحق اياك نعبد و اياك نستعين ان
تقضي حاجتي بحرمة الالف عليك يا اله العالمين يا من اودع اسراره في اسمائه يا اله يا اسرافيل بحق الباء عليك يا بديع
السموات و الارض يا من لا منتهى لكونه يا بديع يا جبرئيل بحق الجيم عليك يا جامع الكل فليس شيء غير صفاته هو تيمر
يا جامع يا كلكائيل بحق الدال عليك يا دليل المتحيرين في كل حال يرفق بعباده يا دليل يا دردائيل بحق الهاء عليك
يا هادي كل شيء و اليه مرجعه يا هادي يا دوربائيل بحق الواو عليك يا ودود انت الذي جعلت المودة بين المرء
و زوجه يا ودود يا رفتمائيل بحق الزاء عليك يا زارع كل شيء منبته يا زارع يا مرفائيل بحق الحاء عليك يا حفيظ
ذو الامان من جميع الشدائد في سائر الاوقات حفظه يا حفيظ يا تنكفيل بحق الطاء عليك يا طاهر المتقدس عن كل شيء بجلال
كبريائه و عظمته يا طاهر يا اسماعيل بحق الياء يا يقظان الحي الكائن لم يزل و لا يزال كينونة اللهم يا يا سر كل عسير و ميسره

www.telasm.com

www.telasm.com

بزلى أمور عركلها في الدنيا والآخرة يا بوعيا سرا كطايل بحق الكاف عليك يا كفيل الكافي الوكيل بكل حين من فضله و
كرمه يا كفيل يا زرونا ئيل بحق اللام عليك يا لطيف المحيط بكل شيء ولا يدركه الابصار كما له يا لطيف يا طاطائيل
بحق الميم عليك يا مالك الملوك انت الذي لا يعسك على اهل مملكته يا مالك يا معيائيل بحق النون عليك يا نافع
الكريم الشافي يا من طابت قلوب المحبين بذكره يا نافع يا حولائيل بحق السين عليك يا سلطان المسخر لكل شيء ولا ينازعه
احد في حكمه يا سيد يا هوكيل بحق العين عليك يا عليم القادر على ما كان موقوفا في مشيته وما يعطي لمرتبته يا عليم
يا لوثيل بحق الفاء عليك يا فتاح كل مقاليد الامور بيديه يا فتاح يا سرحمائيل بحق الصاد عليك يا صانع العجائب
لا تبلغ اوهام العارفين بحكمته يا صانع يا جمرائيل بحق القاف عليك يا قديم الاحسان فلا يحيط احد بعد نعمائه يا قديم
يا عطوائيل بحق الراء عليك يا رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح من امره يا رفيع يا اموكيل بحق الشين عليك يا
شكور انت الذي انعمت على العباد نعمة ظاهرة وباطنة يا شكور يا مطكائيل بحق التاء عليك يا تواب في الرحمة
الواسعة على كل خلقه يا تواب يا عزرائيل بحق الثاء عليك يا ثابت للقوي المقتدر فلا يقدر شيء بقاءه يا ثابت
يا ميكائيل بحق الخاء عليك يا خبير لا يعزب مثقال ذرة من علمه يا خبير يا مهكائيل بحق الذال عليك يا ذا في الذكر
الكبير فلا يعرف الخلايق قدره يا ذاريء يا اهجليل بحق الضاد عليك يا ضياء الكاشف ظلمة الحجاب بنور قدسه يا ضيا
يا اهجمائيل بحق الظاء عليك يا ظاهر المعروف القائم انت الذي لا ينقطع ابدا ولا يحصيه غيره يا ظاهر يا لوضائيل
بحق الغين عليك يا غني الكريم الوهاب في الطول فلا ينقص شيء من خزائنه يا غني يا لوغائيل هر اسمي از اسماء الله
که اول او الف است بالف منسوب است و آنکه اول آن با است ببا منسوب است و همچنین الی آخر الحروف و نعم ما قيل التكسير
خير من الاكسير **قاعده** تسخير الناس اول اسمی مناسب مطلب از اسماء الله پیدا نموده پس اسم طالب و اسم مطلوب
با حرف مطلب را تکسیر نمایند تا نظام دهد یعنی هر گاه یکدفعه هم تکسیر کنند سطر نظام حاصل میشود مثلا اگر مطلب عزت
باشد و طالب علی اول از اسماء الله اسم عزیز است پس اسم طالب را که علی فرض کردیم پس لفظ عزت را که مطلب است تکسیر میکنند
و اگر مطلب علی تعزیر محمد نام است که در ما بین ایشان محبت حاصل شود اول از اسماء الله حبیب است پس اسم طالب را
که علی فرض کردیم پس اسم مطلوب را که محمد فرض کردیم تکسیر کنند تا نظام رسد با این شکل پس صدر و موخر سطور را
محکم میکنیم و آن قدر تکسیر میکنیم که هفت سطر شود با این شکل ح د ل ع م ع ح ی م ب ب د ل ع م ع ح ی م ب ح

م ح د ی م ب د ح م ب غ ل ح ی م ب ع ح د ب ح ل
ح ح ب ح ب ل م ی ع م ح ع ح م ی ع م ل ع ب د ب
ب ح د ح ب ب ل م و ب ی ل ع م م ع ح ع ح م ع ح
ح ب ب ع ب ع ل ع ح م ح د
ح ب غ ی ب ح ب ع ل ح د م م ی ب ل ی
ع ح ل ع ب ح ع ح م م د ع م ل ع ع ب ب ح
ح ی ب ح ب ل ع ب ل ط ب ل ی ح ع م ح ع م د م د م
د ح م ب ح ی م ب ع ع ل

www.telasm.com

م ل
۱۲۸ الدح ح ی م ب ب م ح ی پس صدر و منع آن هفت سطر را میکنیم باین نحو ح ب ح ی ح م ح ب ب ح ی ح
ی ل ح د م ع ب ع ب ع م پس اسماء ملائکه که منسوب باین چهارده حرف است استخراج میکنیم پس در سطور اکسیر
م ی عد ب ح د ب م ع اول و ثانی و غیره گفته آنچه از اسماء الله یافت شد استخراج میکنیم یا اسماء ملائکه
ع م م ی ب ع د ل ح ب ع ختم نموده عزیمه انشا نموده ورد می باید نمود تا یک هفته هر روز بعدد کبیر یا وسیط
ح ع ب م ح م ل ی د ب ع یا صغیر مطلوب البته مطلوب حاصل میگردد و این مداومت را وقتی باید کرد که عدد
ح ح ب م ل ح م جمل آن چهارده حرف را مربع برده و در لوح طلا یا چیزی زرد نوشته در ساعت سعد نوشته
م ع ح ح ل ب م ع ی ب و اسماء مستخرجه را بر دور لوح ثبت کرده و صدر منع آن هفت سطر را که عبارت
ب م د ع ی ح ح م ل ب از آن چهارده حرف باشد ترکیبا و بار دیگر تقطیعا بر دور آن لوح نوشته بخود
ب ل م م د ح ع ع ع ع ببندد باشد این عمل بغایت مجرب است قاعده اند برای حصول مطالب آنکه
یا اسمی مناسب مطلب پیدا و عدد جمل او را با عدد جمل اسم طالب جمع و استنطاق داده و از اسماء الله اسماء ملائکه آنچه
منسوب بآن حروف است استخراج و بعد عدد اسم مطلب تا یک هفته مداومت باید کرد مثلا محمد نامی را عزت مطلوب باشد
عدد جمل عزت و محمد را گرفتیم این شد ۱۱۹۶ استنطاق او اینست د ف ق ملائکه و اسماء الله منسوبه باین
حروف استخراج نموده بنحو مسطور مداومت باید نمود طریق اخذ مداخل جمل حروف و اعداد بدانکه مداخل جمل حروف
و اعداد علی الاطلاق چهار است مدخل کبیر و وسیط و وسیط مجموعی و صغیر اما کبیر عبارت از آنست که عدد آن حرف را
در مرتبه خود بگذارند و وسیط عبارت از آن است که یک مرتبه از مرتبه خود تنزل دهند بشرطی که پایین تر از دو مرتبه
دیگر داشته باشد و وسیط مجموعی آنست که دو مرتبه از مرتبه اش تنزل دهند بشرطیکه پایین تر از دو مرتبه
داشته باشد و صغیر آنست که با آخر مراتبش تنزل دهند بنا بر این غ که هزار است مداخل اربعه مسطوره را دارد
کبیرش هزار و سیطش صد و سیط مجموعیش ده صغیرش یک و هکذا سایر ما فی مرتبة الالوف و ما آن اسم
مدخل است کبیر و سیط صغیر مثلا ق کبیرش صد است و سیطش ده و صغیرش یک دیگر وسیط مجموعی ندارند
و عشرات و مدخل دارند کبیر و صغیر مانند ی که کبیرش ده و صغیرش یک است دیگر وسیط و وسیط مجموعی
ندارد و آحاد همین کبیر را دارند سایر مداخل را ندارند زیرا که پایین تر از آحاد دیگر مرتبه نیست مثلا لفظ محمد
سه مدخل دارد کبیر که ۱۱۲ است و سیط ۱۱۰ است صغیر که ۱۲ است و هکذا سایر الکلمات و الفقرات
طریق اخذ مداخل خمسه حروف و اعداد الفی عدد احد است واحد ۱۳ است و شماره حروفش ۳ است
بر ۱۳ افزودیم ۱۶ شد پس آن عدد را استنطاق کردیم ی و حاصل شد این مدخل اول الف است بعد از آن

www.telasm.com

www.telasm.com

مه ی و د را بعرجی بردیم ستة عشرة شد و عدد جملی ستة عشرة را گرفتیم ۱۰۴۰ شد شماره حروف ستة عشرة هفت است
بر او افزودیم ۱۰۴۷ شد استنطاق کردیم ع م ز شد این مدخل دوم است عز الفیه را بسرع م ز را بعرجی بردیم
سبعة اربعون الف شد و عدد جملی آن را گرفتیم ۵۷۷ شد شماره حروف آن را که ۱۳ است بر او افزودیم ۵۹۰
شد استنطاق کردیم ث ص شد این مدخل سیم الف است پس ث ص را بعرجی بردیم خمسمائة تسعون شد عدد
جملی آن را گرفتیم ۲۳۲ ۱۳ شد شماره حروفش را بر آن افزودیم ۳۴۲۳ شد استنطاق کردیم غ ش م ج شد این
مدخل چهارم الف است پس این حروف را بعرجی بردیم الف ثلثمائة اربعون ثلاثة شد عدد جملی آن را گرفتیم ۴۹
۲۵ شد شماره حروفش را که ۱۹ است بر آن افزودیم ۲۵۶۸ شد استنطاق کردیم ح س ث ب غ شد
این مدخل پنجم الف است و همچنین اخذ مداخل سایر الحروف از برای هر مطلبی که خواسته باشند آیه یا اسمی از اسماء الله
که مناسب مطلب باشد پیدا و اسم طالب و مطلوب اگر مطلب محبت باشد یا اسم طالب را اگر غرض عزت و دولت
و نصرت و غیر آنها باشد و اسم مطلوب را اگر غرض اهلاک و اخراج و مانند آن باشد آنها را مقطع نوشته حروف را
پنج پنج طرح کرده اگر در آخر فرد ماند مدخل پنجم آن حروف را باید گرفت و اگر زوج ماند مدخل چهارم حروف را باید گرفت
و اگر هیچ نماند باز مدخل پنجم را باید گرفت و قاعده گرفتن مداخل این قسم است که آن حروف مقطعه را خلاصه کرده
یعنی مکررات آنها را انداخته از باقی هر مدخل که مطلوب است باید گرفت و به چپ کج هم نوشته آنچه از حروف بعد از
گرفتن مداخل همه حروف باقیه حاصل شد تکسیر می‌کنند تا به نظام برسد پس هر چه از اسماء الله در صورت تکسیر
پیدا میشود استخراج کرده پس ملاحظه کند که با آن خلاصه مداخل منسوب است استخراج کرده آنها را با اسماء الله مستخرجه
ورد نموده انتظار حصول مطلب میکشند و اگر در صورت تکسیر از اسماء الله چیزی پیدا نشود باید اسماء الله منسوبه
با آن حروف را استخراج نمود مثلا از جهة القاء عداوت ما بین زید و عمر آیه مناسب این مطلب این را جستیم و القینا
بینهم العداوة پس ۹ و زید را با اسمی مزبور بعد مقطعا چنین نوشتیم و ا ل ق ی ن ا ب ی ن ه م ع د ا و ة
ز ی د ع م ر و پس خلاصه کردیم این شد و ا ل ق ی ن ب ه م ع د ة ز بعد از آنکه ۵ ۵ طرح کردیم
چهار ماند که زوج است پس مدخل چهارم آن حروف خلاصه را یکی یکی گرفته و اعمال با آخر رسانند قاعده تصحیح
جفر بردن آیات و اسماء از جهة هر مطلبی اولا آیه را که بیست و هشت حرف باشد و مناسب مطلب باشد پیدا کرده
یا اینکه چند اسم از اسماء الله مناسب که مجموع ۲۸ حرف باشد تحصیل نمایند پس اسم صاحب مطلب را بتدبیرات
آیه بیست و هشت حرف کرده و اگر آیه یا اسماء مناسب کمتر از ۲۸ حرف باشد او را هم بتدبیرات آیه ۲۸ حرف
کرده ملاحظه بعد از آن یک حرف از آیه و یک حرف از اسم صاحب مطلب را در خانه اول هر سطر صفحه جفر نوشته صفحه را با آخر رسانیده

www.telasm.com

۱۵۰ بشر خود نگاه دارند بسیار مجرب است قاعده ۲۸ حرف کردن آیات یا اسماء اگر خواسته باشیم که محمد تقی را مثلا

۲۸ حرف کرده بصفحه ببریم اول حروف آن اسم را بزبر و بینات بنویسیم ۱۸ حرف میشود پس مداخل کبیر آن حروف را

گرفتیم ۸۱۷ شد استنطاق کردیم ز ع ص ض شد علاوه ملحوظ نمودیم ۲ حرف شد پس مداخل وسیط

آن ۱۸ حرف را گرفتیم ۵۰ شد استنطاق کردیم ن شد پس مداخل صغیر آن ۱۸ حرف را گرفتیم ۳۵ شد

استنطاق کردیم ه ل شد پس عدد همان حروف را که بحساب ابجد استنطاق کردیم ح ی شد پس عدد نقاط آن

۱۸ حرف را که ۱۱ بود استنطاق کردیم ا ی شد همه را جمع کردیم ۲۸ شد باین شکل م ع م ح ا م ی م دال

ت ا ق ا ف ی ا ن ی ص ن ه ل ح ی ا ی قاعده دیگر اسم محمد تقی هفت حرف است عزیزیه آن را

حکم کنیم ۱۴ میشود پس نظیره آن ۱۴ حرف را میآریم ۲۸ میشود ایضاً اگر خواسته باشیم که اسم حسن را

۲۸ حرف کنیم زبر ح و زبر و بینه س ن را میکنیم ۷ حرف میشود پس عزیزیه آن ۷ را میآریم ۱۴

میشود پس نظیره آن ۱۴ را میآریم ۲۸ میشود اما ترتیب حروف این باید در قاعده عزیزیه و نظیره هر حرف را

در پهلوی او نوشت بعد از آن گذشت بحرف دیگر مثلا اول ح را نوشته پس عزیزیه او را که ن هست در

پهلوی ح پس نظیره ح ... در پهلوی آنها می نویسیم و هکذا در سایر الحروف ایضاً آیه الا الی الله تصیر الامور را مقطعا

نوشته پس مداخل کبیر آن که ذ ق غ است و مداخل وسیط آن که ف است و مداخل صغیر آن که ح ل ا ت

و عدد حروف آن که ک است گرفته مینویسیم ۲۸ حرف میشود باین شکل ال اال ی ا ل ه ت ص ی ح

ال ام و د ی ق غ ف ع ل ک ایضاً آیه نصر من الله و فتح قریب را مقطعا نوشته پس مداخل کبیر

او را که ب ش غ است و وسیط او را که ص است و صغیر او را که ن م است پس عدد حروف او را که ن ی است

حکم کنیم پس عدد نقاط را میکنیم ی میشود و چون همه را جمع کردیم ۲۶ شد ی ا ب ح ف تقسیم میکنیم ا ج و

میشود باین نحو ن ص ر م ن ا ل ل ه و ف ت ح ق ر ی ب ب ش غ ص ن م ن ی ا ج و ا ک

امیا تا از بیست و هشت زیاد شد عدد حروف و نقاط را بهم ضم بنوا کرده ۵ آیه فالله خیر حافظا و هو

ارحم الراحمین ۲۸ حرف است ۵ حرف ۲۸ کامل الجدر را با آن که ۱۴ است اسا ... ۱۴ آخر نظیره

میگویند ۵ قاعده استخراج صفحه عدد اگر عددی که در دست داریم از طرح جفر ۸۲۴ است بیشتر است

آن عدد را بر آن طرح جفر تقسیم میکنیم و آنچه باقی ماند بطرح صفحه ۲۸ است قسمت میکنیم خارج قسمت عدد صفحه

و باقی عدد جزو است پس جزو را بر صفحه مقدم داشته بصفحه میبریم و اگر آن عدد که در دست داریم از طرح جفر کمتر باشد

بطرح صفحه قسمت کرده ... [illegible] ... و اگر آن عدد را بر طرح جفر قسمت کردیم چیزی باقی نماند جزو ۲۸ و صفحه ۲۸ میشود

www.telasm.com

کدخ باید در صفحه نوشت و اگر بطرح صفحه قسمت کرده‌ایم چنانچه پیدا باشد تا بدانند ۲۸ مراد است که خ است مثلاً عدد عقل
اول که ۲۲۷ است چون قابل طرح جفر نیست بطرح صفحه قسمت کردیم خارج قسمت ۸ و باقی ۳ اشد بطرح
۱۲ و صفحه ۹ مراد است چون خ را بر صفحه مقدم باید داشت در خانه اول صفحه م ۱۱ می نویسیم و صفحه
بانه می سائیم در خانه چهارم سطر ۱۳ م ع م داستخراج میشود ایضاً از لفظ ننجان ضابطه البدها حاصل میشود
وانلفظ بلبل حب کل حاصل میشود و هکذا طریق استخراج دایره حس ج س ن ط ع ی ف ل ن ص ل ق م
ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ ا ب ج د ه و ز ح س ع ن ط ع ل ف ل ص م ق ر ش ت ث خ ذ
ض ظ غ ا ب ج د ه و ز   هر که این کلمات را در کتابی با قلم بی مداد بنویسد هر مطلبی که در دو نوشته
شده روا میگردد بسم الله الرحمن الرحیم وعد الله الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث
لا یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون   جدول الحیات والممات
حکما چنین آورده‌اند که اگر کسی خواهد که بداند که بیمار به شود یا نه نام بیمار و نام مادر او را بحساب جمل
جمع کند و بیند معلوم کند که چند روز است که بیمار شده است آن روز را بیفزاید و اگر عدد آن نداند جمل روز بر کی
بیفزاید و چون همه جمع کند بیست و یکی و دیگر بر کی بیفزاید و سی سی طرح کند آنچه بماند در جدول طلب کند
والله اعلم

لوح حیات		لوح ممات			
١	٣	٨	٢	۴	۵
١٠	١٣	١۶	[illegible]	۴	٩
١۵	١۶	١٧	١١	١٢	١٨
١٩	٢٢	٢٣	٢٠	٢١	٢۴
٢۶	٢٨	٣٩	۴۵	٢٠	٣٠

ایضاً نوع آخر اگر خواهی که بدانی
بیمار بهتر شود یا نه نام بیمار را بحساب
جمل بکیرد و از ایام هفته آنروز
که بیمار شده است بحساب اوتا
هفت بر آن بیفزاید و همه جمع
کن و سی سی طرح کن و در آن جدول
طلب نما اگر در لوح حیات باشد به شود
والا بمیرد یا بر نفع نبود به شود
بیماری در و اگر در لوح ممات
بسر رسیده باشد دیر به شود والله
بمیره العلم
عند الله

لوح حیات			لوح ممات			
١		٢		۴		۵
٣	٧		۶		٨	
١١		١٣	٩			١٠
١۴	١۶			١٢	١۵	
١٧	١٩		١٨			٢١
٢٢			٢۴		٢۵	
٢٣	٢۶		٢٧			٢٩
٢٨	٢٠		٢٠		٢۶	

www.telasm.com

www.telasm.com

۱۵۲ این سطر را بر روی سر نوشته انگشت را بر سر مریض نهد آنقدر بخواند که خوب شود بسم الله الرحمن الرحیم
ابجر جری مجر جری تذکره بیچ مانری کالحجر یا رندی بندی دولی بیلی یا سی حنا نته یرکی
هنکار ها دوا ما دها سر سر جا جا جا ایضاً دعا و بعد سر سه انگشت بنا به را بر سر مریض
بگذارد آن قدر بخواند که خوب باشد ده بار که بخواند پف کند و انگشتها را حرکت دهد که مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم کالحجر یا بندی رندی دولی حنو فنه یرکی ماد! غاد! سر
سر جا جا جا از جهت خلاصی از قرض بعد از نماز صبح ۱۴ مرتبه یا عزیز یا عزیز بگوید للتفریق
من مجربات ملا محمد زمان ابن ملا مصطفی قارعی این اسم را نوشته بجا بیاندازد هر که نزد یکدیگر با هم جمع میشوند
کهولة الساعة الساعة باسم فلان ابن فلان بمفارقت فلان ابن فلان فایده دارد روایت شده
که هرگاه کسی اراده کند که بکسی داخل شود و از آن آثار مهربانی بیند باید که وقتی که چشمش بر او افتاد
سوره انا انزلناه بخواند که انواع مهربانیها مشاهده مینماید نوشته اند که مکرر بتجربه رسیده که از برای
هر مهمی خصوص از برای وسعت بیت دو رکعت بعد از فریضه صبح رو بقبله هفتاد نوبت قبل از آنکه
با کسی حرف زند اسم الباسط را بخواند و بعد از آن هفتاد نوبت هر روز بنویسد و دو روز آنجا که
اندازد تا سه روز بلاشک که ما نگذشته مطلب حاصل میشود جهت بر آمدن حاجات شب جمعه نیت روزه
کرده و صبح کند بقصد روزه و بعد از طلوع صبح ششصد بار بگوید ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی:
البته بمطلب برسد لتوسعة الرزق چون کسی تنگ روزی باشد و چاره نیابد باید که اول توبه کند و با خدای تمام
رجوع بدرگاه الهی نماید و مدت یکهفت هر روز ۵۳۲ بار آیه و من یتق الله را بخواند فقر و غنا او بدولت
مبدل گردد و معیشت بر او فراخ شود بعون الله تعالی فائده جهت دفع دشمن هر روز هفتاد بار بگوید اللهم
شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و قرب آجالهم و قصر اعمارهم و بدل احوالهم و اشغلهم
بابدانهم و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا قهار یا قهار یا قهار یا جبار یا جبار یا جبار فائده
بجهت قضاء حوایج یوم چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه داشته و بحلال افطار کرده و دو رکعت نماز حاجت
بجا آورده و رو از قبله بگرداند بعده اسم مبارک علی ۱۴ این رباعی را بخواند که اسم اعظم است یا امیر المؤمنین
یا ذا النعم یا امام المتقین یا ذا الکرم انما جئنا الیک حاجاتنا لا تخیبنا و قل هیا نعم شخص ثقه از ابو
علامة الزمان آقا سید حسین قزوینی نقل میکرد که بسیار بسیار اعتماد باثر این رباعی داشتند و محقق میفرمودند که
تخلف نمیکند همان شخص بکثیرین اجازه داده اند فائده جهت ازالة الهموم در مکارم الاخلاق آورده که سر زانو

www.telasm.com

www.telasm.com

وهر بار بگوید جهلا بفضلك یا معین برود فتح بود بدان و نقلت الشیخ العمل بهذا الطریق طریق

وضع اعداد در مثلث آن است که مجموع اعداد ١٢ را طرح باید کردن و باقی را سه حصه کرده از یک

ابتدا نموده در لوح وضع کند تا مملو شود چنانکه مثلا عدد سیصد و دوازده را ١٢ از و طرح کردیم باقی ماند

سیصد و از سه حصه یکحصه او صد بود از صد ابتدا ساختیم ولوح را پر کردیم اگر غرض تفریق بود عدد و القینا بینهم

العداوة والبغضاء ابتداء را با عدد ها همین جمع کنند و عدد را انچه ٤٢ ابتدا کرده وضع نمایند و آیه مذکور را

٤٢ بار بخوانند و بر آن لوح بدنیت تفریق و بغض آن دو کس بدمد و بگوید فرقت بین فلان ابن فلان کما فرق الله

بین الحق والباطل و بین السماء والارض بحق اجهزحا و ١٥ بار این عزیمت را بخوانند و هر بار بدمد عزمت علیکم

یا اطططهیال یا بططهیال یا جططهیال یا دططهیال یا هططهیال یا وططهیال و یا

زططهیال و یا حططهیال یا ططططهیال فرقوا بین فلان ابن فلان بحق بدوح و اجهزحا بحق

شکعفل و دفتمائیل و بعد از آن در بخور بهم اسب و شاخ بز و سم خود را بند ولوح را دو هم بنهند و دو دو دود او

ناخن آدمی و سیر اندازد و دود فرا تنها او پنهان کند تفریق عظیم افتد بامر الله تعالی ولیکن کاغذ او کبود باشد

یا پوست خر و در دهن خیف تلخ اندا ختند در غضب بد قهر زنند و قبل از عمل ٤٢ بار آیة الکرسی را خوانده بر خود

دمد بطرف راست چپ و خلف و قدام و ٤٢ قل هو الله را بخوانند و بر خود دمد تا جهت او نرسد اما باید

که بجا مخفی این عمل را کسی کبنلو کند بنجز نند عدد و محبت نماید و کتابت بنیل و سرکه

٢١		١
١٨	٥	؟
٤	٢	٧

٨٧٤

١٠٨٧٢	١٨٧٢	١٨٧١
	١٨١	١٨٥٥
١٨٠٩	٨٩٨	١٨٧٣

افسون مار کسی را که هر قسم مار گزیده باشد

پیاله را پر آب کند و هفت بار این آیه را خواند

آن آب را بخورد مرض شود را

بمار گزیده دهند تا بخورد و کسی خبر آورده باشد

ایشان آنا رها کردند انشاء الله تعالی همان لحظه شفا یابد و این مجرب است و این فعل بلغت هندی مشرکین هند بجهت

دفع سم جان خانه دوام یافته شده که نوشته بود با بعضا آنچه ام موافق آمده مار گزیده شفا یافته و مجرب است

بین و بین تو گرها لی یکاسی بای چربانی دیم کرد سا سئل ذوالنون بن ابراهیم المصری رحمه الله عن

اسماء ام موسی ٣ فقال الروایات مختلفة فیه کثیرة والاصح عندنا بجربه اذا اردت استعمالها تصوم سبعة ایام

ولا تکلم احدا و تتصدق کل یوم علی ثلثة مساکین و تبخر مسجدك کل یوم بکرة و عشیة باللبان والعود و تتلوا الاسماء

باثر کل صلوة سبع مرات فاذا تم ذلك فتقراه فی نفسك سرا ولا تدع بد علی قفل ولا سلسلة ولا غل الا فتح

للناس من طرفة عین انشاء الله تعالی وهی هذا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رب هلبا بنت رغبا الموصة الصدقیه

www.telasm.com

www.telasm.com

 اتم سوعوم یا الله العزیز الکبیر المتعال المتکبر المهیمن العظیم الذی نفتح به الاطباق واستنار به الآفاق و نخت به الامات تفتح هذا القفل او هذا الغل وان تستا فتح قلب فلان المحبة فلان فاین عظیمه هرکه این شکل را در شهر آفتاب بنگارد و با خود دارد از شر ظالمان و بدکاران ایمن باشد و در رزق بر وی گشاده کرده و در میانه خلق با عزت و حرمت باشد مربع این است

یا حفیظ یا مانع یا رقیب یا صمد طه انت انت	حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش یا حبیب انت	الهی انت الملک القدوس الجبار الجلیل الرفیع العلی الکبیر المتعال	ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا وانصرنا یا نصیر یا فتاح یا غفور یا ودود
الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم له	ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه	یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم یا حمید
لا اله الا الله الم المص الر کهیعص طه طس طسم یس حم حمعسق ق ن اه اه یا الله اح ودم ان یا جمیل یا رحمن یا مؤمن یا نعیم یا حلیم یا علیم انت انت	یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا جواد یا حکیم ویا وهاب یا ودود یا حی یا رزاق یا لطیف انت انت	هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم طه الم المص طس یا حمید یا مجید انت انت	بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا جمیل
الله لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز یا غنی یا مغنی یا وکیل یا رازق یا باسط یا جواد انت انت	سو طه الم یا شدید یا ذا القوة المتین یا قادر یا قهار	لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین الله الله ربی لا اشرک به شیئا یا کاشف یا معین یا بدیع	الم الله لا اله الا هو الحی القیوم یا مالک الملک یا ذو الجلال والاکرام

نظم کاوه آن در دو رفش و انشت بکوه خاک در چشم دولت ضحاک بد از این علم یافت کیخسرو بخشش آورد دست در فتراک این بر دو ای نصرت بست خصم خود را کند اندر خاک نسخه زین گرفت افلاطون شد معاینش کشف غیب ادراک ملک اندر این تواند زد خیمه عز و جاه بر افلاک هست تو هیه باد با انجیل باز بود شریف قرآن پاک اندر این شکل اندرین جدول نتوان دید یکییک بی باک هر که او علم این حروف شناخت لجترقهم شد ندارد باک دوستان تو با خرم و شاد دشمنان تو با جمله هلاک دوستان را همه کند خرم دشمنان را کند جمیع هلاک فاما نظم صفر و سه الف کشیده مدی بر سر میم کور و کوژ و زه باز برده پس چهار النعمها و او عدم کتا این است یقین اسم خدا اکبر

ه ااا ح ۷ ⵘ ااا ع و

نظم خمس هاآت وخط فوق خط وصلیب جعلها اربع نقط ثم همزات ذا اعدوها وهی سبع لم تجد فیها غلط ثم ها ثم واو بعدها ثم ص ثم میم فی الوسط فهو آخر ان تهتدی هو نفتخ شکلها شکل النقط هذا صورته

ههههه ⵣ وءءءءءو هصم

باب در کیفیت اخذ فواید از اسم بزرگوار الله و اسم اعظم است علی التحقیق از بعضی از اکابر منقول است که یکی از طالبان صادق الاخلاص را گفت که مجموع که بیا موزم

www.telasm.com

www.telasm.com

تا چیزی بغایت مفید که مداومت بدان تا بدرجه رساند که فوق آن متصور نباشد آن طالب تواضع تمام نموده ۱۵۵
آن بزرگ فرمود که الله الله الله میگوئی چنانکه در یک نفس هر کرت که تکرار کنی هر چند زیاده کنی بهتر بود
و باید که الله بشرط اظهار همزه گوئی و سکون ها و غیر از آن لفظی بر زبان نرانی و چیزی دیگر در دل نگذرانی
و با هیچ یک سخن نگوئی الحق هر که بعد از نماز پنجشنبه صد و نود و دو نوبت بخواند خداوند عالم او را علم
فراوان روزی گرداند و مداومت آن باب فهم خلاصی دهد که هیچ چیز از باطل جدا کند و هر که را چیزی
گم شده باشد بر چهار گوشه کاغذ مربع این اسم شریف و در نیم شب بدست گرفته رو به آسمان کند
و ساعتی نگهدارد و در آن اثنا صد و نود بار بخواند آن گم شده در یافت می شود

بسم الله الرحمن الرحيم - لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْجَلِيلُ الْجَبَّارُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْكَرِيمُ السَّتَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا
اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا
اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ قَانِتُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ صَابِرُونَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ
اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَام اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَاِلَيْكَ فَوَّضْتُ اَمْرِي
وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ در روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمودند هر کس هر وقت این دعا را بخواند چنان باشد که ۳۶۰ حج
کرده باشد و ۳۶۰ ختم قرآن کرده باشد و ۳۶۰ بنده آزاد کرده
باشد و ۳۶۰ دینار صدقه داده باشد و ۳۶۰ ... و همچنین دارا ختم

www.telasm.com

www.telasm.com

۱۵۶ آزاد کرده باشند چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله السلام را فرمود
جبرئیل نازل شد و گفت یا رسول الله هر بنده از بندگان خدا و هر امتی از امتان
تو این عدد را به عمر خود یکبار بخواند یا محمد بحرمت و جلال خودم قسم او را هفت چیز
بدهم اول فقر و درویشی را از وی بردارم دوم از سؤال نکیرین ایمن گردانم سوم از صراط

الحفیظ هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که دل و چشم و زبان و
دست خود را از جمله مناهی و خطایا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از بلیات
محفوظ دارد و شیخ معروف کرخی هر که خواهد از غرق شدن در آب و سوختن آتش
و شر اشرار ایمن بود این اسم را بنویسد و تعویذ سازد و بر بازو بندد از بلیات
ایمن بود و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بنده این اسم ۱۹۹۸ بار
مکرر در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط باریک و طومار کند و بر بازو بندد
از وسوسه شیطان و خوف سلطان و بیم سباع و مار و عقرب و خیالات فاسد
امان حقتعالی برده باشد بگیرد چهارم از هول مفاجاة نگاه دارم پنجم
دوزخ بروی حرام گردانم ششم از تنگی قبر نگه دارم هفتم از ستم ظالم حفظ نمایم

ظ	ی	ف	ع
ف	ح	ظ	ی
خ	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف

صحیح این است

۲۳۴۸	۲۳۷۱	۲۳۷۵	۲۳۴۲
۲۳۱۳	۲۳۴۲	۲۳۴۷	۲۳۷۳
۲۳۴۰		۲۳۴۹	۲۳۴۴
۲۳۷۰	۲۳۴۵	۲۳۴۴	۲۳۷۵

۲۳۷۶

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۳۷
۲۶۳	۲۳۰	۲۴۵	۲۶۰	
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲	
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۶۹	

www.telasm.com

www.telasm.com

بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الملك القدوس لا اله الا الله سبحان
العزيز الجبار لا اله الا الله سبحان الحنان المنان لا اله الا الله سبحان
الرحمن الديان لا اله الا الله سبحان الرؤف الرحيم لا اله الا الله سبحان
الحليم الكريم لا اله الا الله سبحان الولي الوالي لا اله الا الله سبحان
اللطيف الخبير لا اله الا الله سبحان الغفور الودود لا اله الا الله سبحان
القريب المجيب لا اله الا الله سبحان الوكيل الكفيل لا اله الا الله سبحان
الصمد المعبود لا اله الا الله سبحان الدائم القائم لا اله الا الله سبحان
الرقيب الحفيظ لا اله الا الله سبحان المحي المميت لا اله الا الله سبحان
الحي القيوم لا اله الا الله سبحان الواحد الاحد لا اله الا الله سبحان
الجواد الاعظم لا اله الا الله سبحان المؤمن المهيمن لا اله الا الله سبحان
الكبير المتعال لا اله الا الله سبحان الحسيب الشهيد لا اله الا الله سبحان
الاول القديم لا اله الا الله سبحان القاضي الكبير لا اله الا الله سبحان
الفتاح العليم لا اله الا الله سبحان الحليم الكريم لا اله الا الله محمد
رسول الله علي ولي الله وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين
وسلم تسليما برحمتك يا ارحم الراحمين بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم سخر لي اعدائي كما سخرت الريح لسليمان بن داود عليهما السلام
وذللهم لي كما ذللت فرعون لموسى عليه السلام ولين قلوبهم كما
لينت الحديد لداود عليه السلام وقهرهم لي كما قهرت ابا جهل
لمحمد صلى الله عليه وآله بحق كهيعص وبحق حمعسق صم بكم عمي فهم
لا يبصرون صم بكم عمي فهم لا يرجعون صم بكم عمي فهم لا يفقهون ف
سيكفيكهم الله وهو السميع العليم اياك نعبد واياك نستعين
وصلى الله على محمد وآله اجمعين جهة تسخير اعداء ورد باب سدى
با نيت دنا لص و حضور ذلت و ترحم باخ روس الرهي علت عدا

تفسـ ـير المتشابه [في القرآن] وسألوا رسول الله صلى الله عليه وآله عن المتشابه من القرآن فقال وأما المتشابه من القرآن فهو الذي
انحرف منه متفق اللفظ مختلف المعنى مثل قوله عز وجل يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء فنسب الضلال إلى نفسه في هذا الموضع وهذا
ضلالهم عن طريق الجنة بفعلهم ونسبه إلى الكفار في موضع آخر ونسبه إلى الأصنام في آية أخرى فمعنى الضلالة على وجوه فمنه ما هو محمود ومنه ما هو مذموم ومنه ما ليس بمحمود ولا
مذموم ومنه ضلال النسيان فالضلال المحمود وهو المنسوب إلى الله تعالى وقد بيناه والمذموم هو قوله وأضل فرعون قومه وما هدى وقوله تعالى وأضلهم السامري ومثل ذلك
في القرآن كثير وأما الضلال المنسوب إلى الأصنام فقوله تعالى في قصة إبراهيم عليه السلام واجنبني وبني أن نعبد الأصنام رب إنهن أضللن كثيرا من الناس الآية
والأصنام لم تضل أحدا في الحقيقة وإنما ضل الناس بها وكفروا حين عبدوها من دون الله عز وجل وأما الضلال الذي هو النسيان فهو قوله تعالى واستشهدوا
شهيدين من رجالكم فإن لم يكونا رجلين فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء أن تضل إحداهما فتذكر إحداهما الأخرى وقد ذكر الله تعالى الضلال في مواضع
من كتابه فمنه ما نسبه إلى نبيه على ظاهر اللفظ كقوله سبحانه ووجدك ضالا فهدى معناه وجدناك في قوم لا يعرفون نبوتك فهديناهم بك وأما الضلال
المنسوب إلى الله تعالى الذي هو ضد الهدى والهدى هو البيان وهو معنى قوله سبحانه أولم يهد لهم معناه ألم أبين لهم مثل قوله سبحانه فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى
أي بينا لهم ووجه آخر وهو قوله تعالى وما كان الله ليضل قوما بعد إذ هداهم حتى يبين لهم ما يتقون وأما معنى الهدى فقوله عز وجل إنما أنت منذر ولكل قوم هاد
ومعنى الهادي ههنا المبين لما جاء به المنذر من عند الله وقد احتج قوم من المنافقين على الله تعالى أن الله لا
يستحيي أن يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها وذلك أن الله تعالى لما أنزل على نبيه ص ولكل قوم هاد فقال طائفة
من المنافقين ماذا أراد الله بهذا مثلا يضل به كثيرا فأجابهم الله تعالى بقوله إن الله لا يستحيي أن يضرب
مثلا ما بعوضة فما فوقها فأما الذين آمنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم وأما الذين كفروا فيقولون ماذا أراد الله بهذا مثلا
يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به إلا الفاسقين إلى قوله أولئك هم الخاسرون فهذا معنى الضلال المنسوب
إلى الله تعالى لأنه أقام لهم الإمام الهادي لما جاء به المنذر فخالفوه وصرفوا عنه بعد أن أقروا بفرض طاعته
ولما بين لهم ما يأخذونه وما يذرونه فخالفوه ضلوا هذا مع علمهم بما قاله النبي ص وهو قوله لا تصلوا علي
صلوة مبتورة إذا صليتم علي بل صلوا إلى أهل بيتي ولا تقطعوهم مني فإن كل سبب ونسب منقطع يوم القيمة إلا
سببي ونسبي فلما خالفوا الله تعالى ضلوا وأضلوا فحذر الله تعالى الأمة من اتباعهم فقال سبحانه ولا تتبعوا
أهواء قوم قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيرا وضلوا عن سواء السبيل والسبيل ههنا الوصي وقال سبحانه ولا
تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصيكم به لعلكم تتقون فخالفوا ما وصيهم به الله تعالى واتبعوا
أهواءهم فحرفوا دين الله جلت عظمته وشرائعه وبدلوا فرائضه وأحكامه وجميع ما أمروا به كما عدلوا عمن
أمروا بطاعته وأخذ عليهم العهد بموالاته واضطرهم ذلك إلى استعمال الرأي والقياس فزادهم ذلك حيرة والتباسا
ومنه قوله سبحانه وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء

فكان تركهم اتباع الدليل الذي اقام الله لهم ضلالة لهم فصار ذلك كانه منسوب اليه تعالى لما خالفوا امره في
اتباع الامام ثم افترقوا واختلفوا ولعن بعضهم بعضا واستحل بعضهم دماء بعض فماذا بعد الحق الا الضلال
فانى يؤفكون ولما اردت قتل الخوارج بعد ان ارسلت اليهم ابن عباس لاقامة الحجة عليهم قلت يا معشر
الخلائق (الخوارج) انشدكم الله الستم تعلمون ان في القرآن ناسخا ومنسوخا ومحكما ومتشابها وخاصا وعاما
قالوا اللهم نعم فقلت اللهم اشهد عليهم ثم قلت انشدكم الله هل تعلمون ناسخ القرآن ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه
وخاصه وعامه قالوا اللهم لا قلت فانشدكم الله هل تعلمون اني اعلم ناسخه ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه
وخاصه وعامه قالوا اللهم نعم فقلت من اضل منكم اذ قد اقررتم بذلك ثم قلت اللهم انك تعلم اني
قد حكمت فيهم بما اعلمه ثم قال ع وقد اوصاني رسول الله ص فقال يا علي ان وجدت فئة تقاتلهم فاطلب
حقك والا فالزم بيتك فاني قد اخذت لك العهد يوم غدير خم بانك خليفتي ووصيي واولى الناس بالناس
من بعدي فمثلك كمثل بيت الله الحرام يأتونه الناس ولا تأتيهم يا ابا الحسن حقيق على الله ان يدخل اهل الضلال
الجنة وانما عنى بهذا المؤمنين الذين قاموا في زمن الفتنة على الائتمام بالامام الخفي المكان المستور عن الا
عيان فهم بامامته مقرون وبعروته مستمسكون ولخروجه منتظرون موقنون غير شاكين صابرون
مسلمون وانما ضلوا عن مكان امامهم وعن معرفة شخصه يدل على ذلك ان الله تعالى اذا حجب عن عباده
عين الشمس التي جعلها دليلا على اوقات الصلوة فموسع عليهم تاخير الوقت ليتبين لهم الوقت بظهورها ويستيقنوا
انها قد زالت وكذلك المنتظر لخروج الامام عليه السلام المتمسك بامامته موسع عليه جميع فرائض الله الواجبة
عليه مقبولة منه بحدودها غير خارج عن معنى ما فرض عليه فهو صابر محتسب لا يضره غيبة امامه فمنه خلق الا
ختراع فقوله سبحانه خلق السموات والارض في ستة ايام واما خلق الاستحالة فقوله تعالى يخلقكم في بطون امهاتكم
خلقا من بعد خلق في ظلمات ثلاث وقوله تعالى هو الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة
مخلقة وغير مخلقة لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى واما خلق التقدير فقوله لعيسى عليه السلام
واذ تخلق من الطين كهيئة الطير الاية واما خلق التغيير فقوله تعالى ولآمرنهم فليغيرن خلق الله وسالوه عليه السلام
عن المتشابه في تفسير الفتنة فقال الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون اي لا يختبرون و
قوله لموسى ع وفتناك فتونا ومنه فتنة الكفر وهو قوله تعالى لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك
الامور حتى جاء الحق وظهر امر الله وهم كارهون وقوله تعالى والفتنة اكبر من القتل يعني ههنا الكفر وقوله
سبحانه في الذين استاذنوا رسول الله صلى الله عليه وآله في غزاة تبوك ان يتخلفوا عنه من المنافقين فقال تعالى

www.telasm.com

www.telasm.com

١٦٠ فيهم ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا يعني انه ان لم ياذن له يكفر فقال عز وجل الا في الفتنة سقطوا وان جهنم لمحيطة بالكافرين ومنه فتنة العذاب وهو قوله تعالى يوم هم على النار يفتنون اي يعذبون ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون اي ذوقوا عذابكم ومنه قوله تعالى ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا اي عذبوا المؤمنين ومنه فتنة المحبة للمال والولد كقوله تعالى انما اموالكم واولادكم فتنة اي انما حبكم لها فتنة لكم ومنه فتنة المرض وهو قوله سبحانه اولا يرون انهم يفتنون في كل عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون اي يمرضون ويبتلون وسألوه صلوات الله عليه وآله عن المتشابه في القضاء فقال هو عشرة اوجه مختلفة المعنى فمنه قضاء فراغ ومنه قضاء عهد ومنه قضاء اعلام ومنه قضاء فعل ومنه قضاء ايجاب ومنه قضاء كتاب ومنه قضاء اتمام ومنه قضاء حكم وفصل ومنه قضاء خلق ومنه قضاء نزول الموت فاما تفسير قضاء الفراغ من الشيء فهو قوله تعالى واذ صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون القرآن فلما حضروه قالوا انصتوا فلما قضي ولوا الى قومهم منذرين معناه فلما فرغ وكقوله فاذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله واما قضاء العهد فقوله تعالى وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه اي عهد ومثله في سورة القصص وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا الى موسى الامر اي عهدنا اليه واما قضاء الاعلام فهو قوله تعالى وقضينا اليه ذلك الامر ان دابر هؤلاء مقطوع مصبحين وقوله سبحانه وقضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الارض مرتين اي اعلمناهم في التوراة ما هم عاملون واما قضاء الفعل فقوله تعالى في سورة طه فاقض ما انت قاض اي افعل ما انت فاعل ومنه في سورة الانفال ليقضي الله امرا كان مفعولا اي يفعل ما كان في علمه السابق ومثل هذا في القرآن كثير ومنه قضاء الايجاب للعذاب كقوله تعالى في سورة ابراهيم وقال الشيطان لما قضي الامر اي لما وجب العذاب ومثله في سورة يوسف قضي الامر الذي فيه تستفتيان معناه اي وجب الامر الذي عنه تسألان واما قضاء الكتاب والحتم فقوله تعالى في قصة مريم وكان امرا مقضيا اي معلوما واما قضاء الاتمام فقوله تعالى في سورة القصص فلما قضى موسى الاجل اي فلما اتم شرطه الذي شارطه عليه وكقول موسى عليه السلام ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي معناه اذا اتممت واما قضاء الحكم فقوله تعالى وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين اي حكم بينهم وقوله تعالى والله يقضي بينهم بالحق والذين يدعون من دونه لا يقضون بشيء ان الله هو السميع العليم وقوله سبحانه والله يقضي بالحق وهو خير الفاصلين وقوله تعالى في سورة يونس وقضي بينهم بالقسط واما قضاء الخلق فقوله سبحانه فقضاهن سبع سماوات في يومين اي خلقهن واما قضاء انزال الموت فكقول اهل النار في سورة الزخرف وقالوا يا مالك ليقض علينا ربك قال انكم ماكثون اي لينزل علينا الموت ومثله لا يقضى عليهم فيموتوا ولا يخفف عنهم من عذابها اي لا ينزل عليهم الموت فيستريحوا ومثله في قصة سليمان بن داود عليه السلام فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته الا دابة الارض تأكل منسأته يعني تعالى لما انزلنا عليه الموت وسألوه عن اقسام النور في القرآن قال النور القرآن والنور اسم من اسماء الله تعالى والنور التوراة والنور القمر والنور ضوء المؤمن وهو الموالاة التي يلبس بها نورا يوم القيمة

www.telasm.com

www.telasm.com

والتنزيل في مواضع من التورية والانجيل والقرآن حجة الله عز وجل على عباده وهو المعصوم ولما كلم الله تعالى ابن عمران ع اخبر بني اسرائيل
فلم يصدقوه فقال لهم وما الذي يصحح ذلك عندكم قالوا اسماعه قال فاختار موسى سبعين رجلا من خيارهم فلما توجه معهم وقفهم وتقدم
فجعل يناجي ربه سبحانه ويعظمه فلما كلمه قال لهم اسمعتم قالوا بلى ولكنا لا ندري اهو كلام الله ام لا فليظهر لنا حتى نراه فنشهد لك
عند بني اسرائيل فلما قالوا ذلك صعقوا فماتوا فلما افاق موسى مما تغشاه وراهم جميعا وظن انهم انما هلكوا بذنوب بني اسرائيل فقال
يا رب اصحابي ولو شئت اهلكتهم من قبل واياي وعرفتهم وعرفوني اتهلكنا بما فعل السفهاء منا ان هي الا فتنتك تضل بها من تشاء
وتهدي من تشاء انت ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين فقال تعالى عذابي اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل شيء
الى قوله سبحانه النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا عندهم في التورية والانجيل يامرهم بالمعروف وينهاهم عن المنكر ويحل لهم الطيبات
ويحرم عليهم الخبائث ويضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم فالذين امنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي
انزل معه اولئك هم المفلحون فالنور في هذا الموضع هو القرآن ومثله في سورة التغابن قوله تعالى فامنوا بالله ورسوله والنور الذي
انزلنا يعني سبحانه القرآن وجميع الاوصيا المعصومين حملة كتاب الله عز وجل وخزنته وتراجمته الذين نعتهم الله في كتابه فقال
وما يعلم تاويله الا الله والراسخون في العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا فهم المنعوتون الذين انار الله سبحانه بهم البلاد وهدى
بهم العباد قال الله في سورة النور الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري
الاية والمشكوة رسول الله ص والمصباح الوصي والاوصيا والزجاجة فاطمة والشجرة المباركة رسول الله ص والكوكب الدري
القائم المنتظر الذي يملأ الارض عدلا ثم قال تعالى يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار اي ينطق بالحق ثم قال تعالى نور على نور
يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم ثم قال في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يعني
يسبح له فيها بالغدو والاصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة وهم الاوصيا قال الله تعالى في سورة
الانعام في ذكر التورية والقرآن قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس وقال الله تعالى في سورة يونس هو الذي
جعل الشمس ضياء والقمر نورا ومثله في سورة نوح قوله تعالى وجعل القمر فيهن نورا وقال سبحانه الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور
يعني الليل والنهار وقال سبحانه في سورة البقرة الله ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور يعني من ظلمات الكفر الى نور الايمان فالايمان هاهنا نور ومثله
في سورة ابرهيم لتخرج الناس من الظلمات الى النور وقال عز وجل في سورة براءة يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم يعني نور الاسلام بكفرهم وجحودهم وقال سبحانه
في سورة النساء وانزلنا اليكم نورا مبينا يهدي الله لنوره من يشاء وقال سبحانه في سورة الحديد في ذكر المؤمنين يسعى نورهم بين ايديهم وبايمانهم
بشريكم اليوم جنات تجري من تحتها الانهار وفيها انظرونا نقتبس من نوركم اي نستضيء بكم ومثل هذا في القرآن كثير وسالوه ع عن اقسام الامة في كتاب الله تعالى
فقال قوله تعالى كان الناس امة واحدة اي على مذهب واحد في الجهالة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين ومنها الامة الوقت كقوله سبحانه
وتعالى في سورة يوسف وقال الذي نجى منهما وادكر بعد امة اي بعد وقت وقوله سبحانه ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة اي الى وقت معلوم والامة
[illegible] من الناس يسقون [illegible] من المؤمنين [illegible] ان ابرهيم كان امة والامة [illegible]

www.telasm.com

www.telasm.com

۱۶۲ - در کتاب فضائل امیر المؤمنین علیه السلام آیة الله زاده مرعشی نجفی
نوشته شده ابن المغازلی شافعی داستان خوبی نوشته ابوالحسن علی
فرزند محمد فرزند شرفیه گفت قاضی عدل جمال الدین لعنت الله فرزند
علی فرزند احمد فرزند عطار در روز جمعه پنجم ذیقعده سنه ۵۸۰ در
شهر واسط در وداقین در سفارت من حضور پیدا کردند و نیز امیر
اشرف الدین ابوشجاع فرزند عنبری شاعر نزد ما حاضر شد شرف
الدین از قاضی جمال الدین خواست که مناقب و فضائل مولای متقیان
را باز بخواند - سپس از روی آن نسخه ای که با خط خودم درمعاذد
ام در آن روز بود بخواندن شروع کرد که جمعیتی بدورشان گرد آمدند
که ناگاه ابونصر قاضی عراق و ابوعباس فرزند زنبقه از آنجا عبور
کردند و آنها بعدالت مشهور بودند پس ایستادند و خواندن مناقب
را بر او انکار کردند و غوغائی بپا نمودند و ابونصر قاضی عراق در مسخره
و استهزاء پرروئی زیاده روی کرده و در ضمن گفتارش با طریق استهزاء
گفت ای (قاضی) در خرده جمعه بعد از نماز برای ما برنامه و وظیفه ای معین کن
تا مقداری از این مناقب را در مسجد جامع بشنوم قاضی لعنت الله فرزند
عطار گفت شما نا بلیت او را ندارید شما بدرب خطیب حاضر شده گفتند
علی علیه السلام سوره از کتاب خدا را حفظ نکرده است درحالیکه مناقب
مشتمل بر این اهمیت که در میان صحابه قاری تر از علی بن ابی طالب علیه السلام
وجود ندارد شما اهل این حرفها نیستید لیکن آن دو نفر غوغاء و مسخره
بیشتر نمودند قاضی لعنت الله از حوصله در آمد و مضطرب شده و در حضور
جمعیتی که در آنجا ایستاده بودند گفت پروردگارا اگر برای اهل بیت پیامبرت
در پیشگاه تو عزت و حرمتی هست خانه او را بر زمین فرو بر و عقوبت او را
بزودی برسان شب شنبه صبح نمودند و در بامداد روز شنبه ششم ذیقعده
از سال ۵۸۰ ه خداوند خانه اش را فرو برد خانه و جمیع ساختمانی که بالاش
بود بدجله افتاد و تمام دارائی و اموال و اثاث و پارچه شد و این
منقبت از شگفت انگیزترین چیزهائی است که امروز از مناقب آل محمد
علیهم السلام مشاهده شده است نقل از کتاب اسرار آل محمد ع صفحه ۲۵۶

www.telasm.com

www.telasm.com

تأمل حديث المقام الم في المعاني عن الصادق ع الم هو حرف من حروف اسم الله الأعظم المقطع
في القرآن الذي يؤلفه النبي او الامام فيدعو به فيجيب اقول وتحقيق الحق في ذلك يتوقف على
بيان مقدمات الاولى منها مع احتياج قال السلطان العارف الشيخ محي الدين العربي في الفتوحات
المكية الوجود مطلقا من غير تقييد متضمن المكلف وهو الحق تعالى والمكلفين وهم العالم والحروف جامعة
لكل اردنا ان نبين مقام المكلف من هذه الحروف والمكلفين من وجه دقيق حقيقي لا يتبدل عند اهل الكشف
او اعتبر واعلمه ومنه تستخرج من البسائط التي عنها تركب هذه الحروف التي تسمى حروف المعجم لانها اعجمت على
الناظر فيها معناها ولما وقفنا على بسائط الحروف وجدناها على اربع مراتب حروف مرتبتها سبعة افلاك وهي
الالف والراء والدال واللام وحروف مرتبتها ثمانية افلاك وهي النون والقاف والضاد وحروف
مرتبتها تسعة افلاك وهي الياء والعين والسين والشين وحروف مرتبتها عشرة افلاك وهي
بقية الحروف المعجمة وهي ثمانية عشر حرفا كل حرف يتركب على عشرة كما ان كل حرف من تلك
الحروف منها ما هو على تسعة افلاك ومنها على ثمانية ومنها على سبعة لا غير كما ذكرنا فعدد الافلاك التي
وجدت عنها هذه الحروف وهي البسائط التي ذكرناها مائتان وخمسة وستون فلكا واما المرتبة السبعية
في الراء والدال واللام منها دون الالف فطبعها الحرارة واليبوسة واما الالف فطبعها الحرارة
والرطوبة واليبوسة والبرودة يرجع الى الحرارة مع الرطوبة ومع البرودة ومع اليابسة
واليبوسة على حسب ما تجده من العوالم واما المرتبة الثمانية فحروفها طابعها اليبوسة . المرتبة التسعية
في الياء والعين منها طبعها البرودة واليبوسة واما السين والشين فطبعها الحرارة واليبوسة
واما المرتبة العشرية فحروفها طابعها الا الهاء والحاء فانهما باردتان يابستان والهاء
الهاء والهمزة فانهما باردتان رطبتان فعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد الحرارة
مائة فلك وثلاثة افلاك وعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد اليبوسة مائتا فلك وخمسة

واربعون

www.telasm.com

www.telasm.com

واربعون فلكا وعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد البرودة خمسة وستون فلكا وعدد
الافلاك التي توجد عن حركاتها الرطوبة سبعة وعشرون فلكا مع التوالج والتداخل التي فيها
على حسب ما ذكرناه انفا فسبعة افلاك توجد عن حركتها العناصر الاول الاربعة ومنها توجد
حروف الالف خاصة ومائة وتسعة وتسعون فلكا توجد عن حركتها الحرارة واليبوسة خاصة لا توجد
عنها غيرها البتة وعن هذه الافلاك يوجد حروف الباء والجيم والدال والواو والزاي
والطاء والياء والكاف واللام والميم والنون والصاد والفاء والراء والسين والتاء
والثاء والظاء والشين وثمانية وتسعون فلكا يوجد عن حركتها البرودة واليبوسة خاصة
وعن هذه الافلاك يوجد حروف العين والحاء والخاء اثنا وعشرون فلكا توجد عن حركتها البرودة
والرطوبة خاصة وعن هذه الافلاك يوجد حروف الهاء والهمزة واما اللام الف فممتزج
عن السبعة والمائة والستة والتسعين اذا كان مثل قوله تعالى لا يمسهم السوء ولا هم
يحزنون فاذا كان مثل قوله تعالى لانتم اشد رهبة ومتزاحم من المائة والستة والتسعين
ومن العشرين وليس في العالم فلك يوجد عنه الحرارة والرطوبة خاصة دون غيرها ولو نظرت
في طبع الهواء عرفت على الحكمة التي منعت ان يكون له فلك مخصوص كما انه ما ثم فلك يوجد عنه
واحد من هذه العناصر الاول على انفراده فالماء والارض يدور بها الفلك الرابع ويقطع الفلك
الاقصى في احد عشر الف سنة وباقي الحروف يدور بها الفلك ويقطع الفلك الاقصى في
اثني عشر الف سنة وهي على منازل في افلاكها منها ما هو على سطح الفلك ومنها ما هو في
مقعر الفلك ومنها ما هو بينهما ولولا التطويل لبينا منازلها وحقائقها ولكن سننظر في ذلك
ما يشغل في الباب الستين من ابواب هذا الكتاب عند كلامنا في معرفة العناصر وسلطان
العالم السفلي وفي اي دورة كان وجود هذا العالم الذي يحيى فيه الان بحركات الفلك

www.telasm.com

www.telasm.com

الأقصى وأين روحانيته نظرنا فلنقبض العنان حتى نصل موضعه إن الله تعالى فلنرجع ونقول
ان المرتبة السبعية التي لها الزاي والألف واللام حصلت لها حظ الحضرات الإلهية المكتنفة
من حروف المعجم وان المرتبة الثمانية التي هي النون والصاد والضاد حصلت لها حظ
الأكوان من عالم الحروف وان المرتبة العشرية وهي المرتبة الثالثة من المراتب الأربعة
التي هي في الحروف حصل لها حظ الملائكة من عالم الحروف وانما حصل هذه الموجودات الأربع
لهذه الأربع المراتب من الحروف على هذا التقسيم لحقائق عسيرة المدرك يحتاج ذكرها وبيانها
الى ديوان بعينه ولكن قد ذكرناه مستوفى في كتاب المبادي والغايات لما تحوي عليه حروف
المعجم من العجائب والآيات وهو بين ايدينا ما كمل وما فيه من الأوراق متفرقة يسيرة ولكن
سنذكر منه في هذا الكتاب لمحة ان شاء الله تعالى خصصت الأربعة للحق ان لحقيقتهم عليهم
وهي التي اذنتهم لقولهم فيما اخبر الحق تعالى عنهم ثم لآتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم وعن
ايمانهم وعن شمائلهم وعرفت حقائقهم ولم يبق لهم حقيقة خامسة يطلبون بها مرتبة
زائدة ولا يعتقدون ان يكون لهم العلو وما بقي عليه في الحقيقة تاما وذلك على ما قررناه في
كتاب المبادي والغايات فيما تحوي عليه حروف المعجم من العجائب والآيات فهو بين ايدينا
وبين فيه لم احصوا العين والغين والسين والشين من غيرها من الحروف والمناسبة
التي بين هذه الحروف وبينهم وانهم موجودون عن الأفلاك التي عنها وجدت هذه الحروف
وحصلت للحضرة الإلهية من هذه الحروف ثلاثة حقائق هي عليها ايضا وهي الذات والصفة
والحقيقة الرابطة بين الذات والصفة وهي القول لأن الصفة لها تعلق بالموصوف
بها وبمتعلقها الحقيقي لها كالعلم يرتبط بنفسه بالعالم وبالمعلوم والإرادة ترتبط
بنفسها بالمريد بها والمراد لها والقدرة ترتبط بنفسها بالقادر بها والمقدور

لها

www.telasm.com

www.telasm.com

١٦٦ الها وكذلك جميع الحروف ترتبط بنفسها بالمزيد بها وبالمراد والأسماء وكانت الحروف
التي خصصت بها الالف والزاي واللام يدل على القدم وهو كذلك ازل لبساطة هذه الحروف
وهذه فيها اعجب الحقائق لمن وقف عليها فانه تتنزه فيها همة الخبير وتضيق صدور رسم وقد
تكلمت بعض في المناسبة اي معرفة بين هذه الحروف وبين الحضرة الالهية في الكتاب المذكور
وكذلك حصل للحضرة الكونية ثلاثة من الحروف ثلاثة ايضا كما حصل حصل للحضرة الالهية
غير انها حرف النون والقاف والصاد فعرفت الحضرة الالهية من جهة موادها فان
العبودية لا تترك الربوبية فالحقائق التي تكون بها الهاً كما ان بحقائقها تكون العبد
مالوها فلو وقع الاشتراك في الحقائق لكان الهاً وعبداً او عبداً واحداً وهذا لا يصح ابداً
فلا بد ان تكون الحقائق متباينة ولهذا يا تهم بعد مسكها بيده كيد دونهم ولم يعين بها
بعلمه كما بينه بعلمهم فان هذا العلم وهو قديما في القديم محدثا في المحدث واجتمعت الحضرة
في ان كل واحد منهما معقولة من ثلاث حقايق ذات وصفة وحقيقة رابطة بين الصفة
والموصوف غير ان العبد له ثلاثة احوال حالة مع نفسه وغيره وهو الوقت الذي يكون فيه
نائم الصحو عن كل شيء وحالة مع الله وحالة مع العالم والباري تعالى بين ان فاذ وصفين
وصف من اجله ووصف من اجل خلقه وليس فوقه موجود فيكون تعالى له وصف يتعلق به فهذا
بحر آخر ان خضت فيه لن ترى امورا لا تطيق سماعها وقد ذكرنا المناسبة بين النون والصاد و
والقاف والتي للانسان وبين الالف واللام والميم التي للحضرة الالهية في كتاب المبادي والغايات
وان كانت حروف الحضرة الالهية على سبعة افلاك والانسانية على ثمانية افلاك فان
هذا لا يقدح في المناسبة لتباين الدار والاثر ثم انه في بعض النون المحسوسة التي هي شطر
الفلك من العجائب للبعيد ريح سعد ما الافلاك شديدة سير زدت تحقق بروح الموت الذي

www.telasm.com

www.telasm.com

لا يتصور ممن قام به عتراض ولا تقطيع وكذلك في نفس نقطة النون اول دلالة النون الروحانية المعقولة
فوق شكل النون التي هي النصف من الدايرة والنقطة الموصولة بالنون المحسوسة الموضوعة اول الشكل
التي هي مركز الالف المعقولة التي بها قطر الدايرة والنقطة الاخيرة التي تقطع شكل النون هي راس الالف
المعقولة فيقدر فيها من بعد ثنا فتركب على النون فيجيء منها شكل لام معرف والنون شبه الزاي و
الالف المذكورة فتكون النون كما هي تعطيك الازل الذي ذكرنا عطاك الالف والزاي واللام في الحق
غير انه في الحق ظاهر لانه بذاته ازلي لا اول له ولا مفتتح لوجود في ذاته بلا ريب والالف لا ضعف فيه
الازل الا ان الازل ليس ظاهرا في ذاته وانما صح فيه الازل لوجه ما من وجوه وجوده فان الوجود
يطلق عليه الوجود في اربع مراتب وجود في الذهن ووجود في العين ووجود في اللفظ ووجود في الرقم
سيئة تذكر هذا في الكتاب انشاء الله تعالى فمن جهة وجوده على صورته التي وجد عليها في عينه في
العلم القديم الازلي فهو موجود اذ لا عناية العلم المتعلق به كالتحيز للعرض نسبة منه للجوهر فصار
بحيز بالتبعية فلهذا اضيف فيه الازل ولحقيقته بعينه الازلية المجردة عن الصورة العينية المعقولة
التي تقبل العدم والحدوث على حسب ما بيناها في كتاب نسخ الدواير والمدارك والجداول اذا انت
احتجت اليه فانظره هناك مستوفا وسنذكر منه طرفا في هذا الكتاب في بعض الابواب وظهور ما ذكرنا
من سر الازل في النون هو في الف دال في دائم والكن لوجود كمال الدايرة وكذلك تجمع حقايق
الالف والزاي واللام التي تلحق الى حقايق النون والصاد والضاد التي للعبد ويرجع الحق
حقيقة بهذا الاسرار التي منعنا عن كشفها في الكتب ولكن نظره العارف بين اقرانه في
عمله ومشربه اومسلم في المجال درجات التسليم وهو حرام على غير هذين الصنفين فحقق ما ذكرناه لك
وتنبه يدلك من الابواب التي تبهر العقول حسن جمالها وتفتن الملائكة في الحروف المعجم وهي ثمانية
عشر حرف الباء والجيم والدال والهاء والحاء والياء والكاف والميم والكاء والقاف

دارا

www.telasm.com

www.telasm.com

 والراء والتاء والثاء والواو والفاء والذال والهاء وهكذا الحضرة الكيانية كما الحضرة الالهية
على ثلاث مراتب ملك وملكوت وجبروت ولكل واحد في هذه الثلاثية ينقسم الى ثلاث فهي تسعة
للعدد فاضف ثلاثية الشهادة فتضربها في التسعة المجموعة من الحضرة الالهية والكيانية او في التسعة
الايام المقدرة التي منها اوجدت الثلاثية الحقية الثلاثية الخلقية فيخرج لنا ثمانية عشر وهو وجود
الملك وكذلك تحقق في الحق بهذه المثابة فالحق له تسعة افلاك للاطلاق والكيان له تسعة افلاك
فخمسة من كل حقيقة من التسعة الحقية ترتقي الى التسعة الخلقية وتنحط من التسعة الخلقية رقائق على التسعة
الحقية بحيث ما احتجبت لكان الملك فلك للاتصال وصدرت بها كل وذلك الامر الذي هو الملك فان اراد
ان يميل بكليته نحو التسعة الواحدة جذبته الاخرى فهو يتردد ما بينهما ينزل من حضرة ذي الجلال والاكرام
على محمد وان حقيقة الملك لا يصح له الميل فانه منشأ الاعتدال بين التسعتين والميل انحراف ولا
انحراف عنده ولكنه يتردد بين الحركة المنكوسة والمستقيمة فان عبادة دهر فافقده فالحركة المستقيمة ملكية
وحوضية وان رجع عنه هو وجد فالحركة منكوسة عرضية لا افقية وقد تكون الحركة من الاوجه مستقيمة ابدا
ومن الاخر منكوسة ابدا وسيأتي الكلام عليها في دخول الكيان والاشارة في ثلاث منكوسة ومعوجة ومستقيمة فانها
فهذه نكتة غيبية ثم ارجع واقول ان التسعة هي السبعة وذلك ان عالم الشهادة هي في نفسه يرتفع وذلك
واحد فذلك اثنان وله باطن فذلك ثلاث ثم عالم الجبروت يرتفع في نفسه فذلك واحد وهو الرابع ثم له ظاهر
وهو باطن عالم الجبروت وله باطن وهو السابع وليس ثم غيرها وهذه صورة السبعة والتسعة فاضف الثلاثية فتضربها
في السبعة فيكون احدى وعشرين فتخرج الثلاثية الكيانية فيبقى ثمانية عشر وهي مقام الملك وهي الاعداد
التي منها يتحقق الكيان الوارد وكذلك تفعل بالثلاثية الحقية تضربها في السبعة فيكون احد وعشرين التي منها
يتحقق الحق على عبده ما شاء من الموارد فان اخذها من جانب الحق فتلك الافلاك الاطلاق وان اخذها من
جانب الكيان فتلك الافلاك التقييد وان اخذناها منهما جميعا فتلك تسعة الحق للاطلاق والاخرى للتقييد وبالعكس.

www.telasm.com

حصل الفلك ولهذا لما اوجد الحق تسعة افلاك السموات السبعة والكرسي والعرش تمم بهم ... في اول هذا الفصل ١٦٩

ان يكون بالحرارة والرطوبة فلك ولم يذكر السبب فلنذكر منه طرفا في هذا الباب حتى تستوفيه في داخل الكتاب ان شاء الله تعالى

وسنذكر في هذا الباب بعد هذا التتميم ما يكون من الحروف حارا رطبا وذلك لانه دار به فلك عين الفلك الذي ذكرنا في اول

الباب فاعلم ان الحرارة والرطوبة هي الحياة الطبيعية فلو كان لهما فلك كما لاخواتها في الامزجة لانقضت دورة

ذلك الفلك عن السلطنة ايضا كما يعرض للحياة الدنيوية ولكانت تنعدم او تنتقل وحقيقتها تقتضي بان لا تنعدم فليس لها

فلك فلهذا لما ان يرى تعالى ان الدار الآخرة هي الحيوان حتى صار فلك الحياة الابدية الحياة الازلية ممدها وليس لها فلك

تنقضي دورته فهي حياة لا نهاية استوائية فهي لا يقع لها نقص ولا الحياة الابدية المشروطة بالحياة الازلية لا يقع لها

انقضاء الا ترى ان الارواح لما كانت حياتها ذاتية لها لم يصح فيها موت البتة ولما كانت الحياة في الاجسام

بالعرض قام بها الفناء بالموت فان حياة الجسم من اثار حياة الروح كنور الشمس الذي في الارض من الشمس فاذا

مضت الشمس تبعها نورها وبقيت الارض مظلمة كذلك الروح اذا رحل الجسم للعالم الذي جاء منه تبعته الحياة

المنتشرة في الجسم وبقي الجسم في صورة الحياة في راي العين فيقال مات فلان ويقول المحقق رجع الى

اصله منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى كما رجع لطيف الروح الى اصله حتى اذا كان يوم البعث

والنشور تكون من الروح تجلي الجسم بطريق العشق فينتظم اجزاؤه وتركب اعضاؤه وتحيا به لطيفة هذه الحركة

الاعضاء به لطيف اكتسبه من التفات الروح فاذا استوت البنية وقامت النشأة الترابية تجلى لها الروح

بالرقيقة الاسرافيلية في الصور المحيط فسرت الحياة في اعضائه ويقوم شخصا سويا كما كان اول مرة ثم نفخ فيه

اخرى فاذا هم قيام ينظرون واشرقت الارض بنور ربها كما بدأكم تعودون فتحيا الذي انشأه اول

مرة فاما شقي واما سعيد ... ان في امتزاج هذه الاصول هي بين الحرارة والبرودة حدث ان غلب ...

واذا لم يمتزجا لم يكن عنهما شيء وكذلك الرطوبة واليبوسة وانما لم يمتزج ضد الضد لضد الضد الاخر فقد يتولد

عنهما امهات الاربعة كانت اربعة ولهذا كانت ثمان ضدين لا شيئين فلو لم تكن على هذا لكان التركيب

منها

www.telasm.com

١٧٠ منها اكثر ما تعطيه حقيقتها ولا يصح ان يكون التركيب اكثر من اربعة اصول فان الاربعة هي اصول العدد فالثلاثة
التي هي في الاربعة مع الاربعة سبعة والاثنان التي فيها من هذه السبعة تسعة والواحد الذي في الاربعة
مع هذه التسعة عشرة وركب ما شئت لعد هذا وما بعد عددًا لا يعطيك هذا الاربعة كما لا يعطي عددًا الا ما الاستة
فامتزجت الحرارة واليبوسة فكان نارًا او الحرارة والرطوبة والبرودة فكان الماء والرطوبة واليبوسة فكان
التراب ثم نظر في تكوين الهواء من الحرارة والرطوبة وهو النفس الذي هو الحياة الحسية وهو المحرك لكل شيء
للماء وللارض وللنار وبحركته تحرك الاشياء ولانه الحياة لان الحركة اثر الحياة وهذه الاربعة الاركان
المتولدة عن الامهات الاول ثم لتعلم ان حقائق الامهات الاول تعطي والمركبات حقائقها لا غير
من غير امتزاج فالتسخين لا يكون الا عن الحرارة لا غير والتخفيف والتقبض لا يكون الا عن اليبوسة فاذا
رايت النار قد ايبست الماء فلا تجعل ان الحرارة جففته فان النار مركبة من حرارة ويبوسة كما تقدم فالحرارة
التي فيها سخنت الماء واليبوسة جففت فهذه الاسباب متفرقة لا تجتمع ابدًا الا في الصورة ولكن هذا
حسب ما تعطيه حقائقها فلا توجد منها في صورة ابدًا ادهم فكن ليوجد شيء ان الحرارة ويبوسة كما تقدم من
تركيبها واما ان توجد الحرارة وحدها فهذا لا يكون منها ابدًا الا هي وحدها فان الحقائق
على قسمين حقائق توجد مفردات في العقل كحقيقة العالم والنطق والحس وحقائق توجد بوجود التركيب
كالسماء والعالم والانسان والحجر وان قلت فما السبب في حصول الامهات المتفرقة من خارج امتزاجها
ما ظهر حتى تركبت وتركبت صعب تحريم كشفه لانه لا يطيق حمله لان العقل لا يعقله ولكن اقول اراد سبحانه
ان يعلمنا ما سبق في علمه خلق العالم وانها حدوث اكثر وحده ان شئت فانها ولم تكن موجودة في اعيانها
ولكن اوجدها مولفا لم يوجدها مفردة ثم الفها من حقيقتها بذلك فاوجد الصورة التي هي عبارة
عن تاليف حقيقتين من هذه الحقائق حقيقة كانها كانت موجودة متفرقة ثم الفت فظهر المتاليف
لم تكن في وقت تفرقها فالحقائق تعطي ان هذه الامهات لم يكن لها وجود في عينها البتة

www.telasm.com

قبل وجود الصور المركبة عنها فلما اوجد هذه الصورة التي هي الماء والنار والهواء والارض وجعل على ما يستحيل ١٧١
بعضها الى بعض فصعود النار هواء والهواء نارا كما تقلب التاء طاء والسين صادا والذال الكاف الذي وجدت
عنه حرف الثاء والهاء، وجعل رأس الجيم ونصف تعريفة اللام ورأس الحاء وثلث الطاء والذال والياء
والنون والميم والفلك الذي وجد عنه حرف الشين والغين والطاء والزاي والضاد ورأس الياء
ومدة جسد الفاء ودون رأسها ورأس القاف وشيء من تعريفة دائرة الطاء الاعلى والفلك الذي وجد
عنه الهواء وجد عنه طرف الالف والآخر الذي يعتمد دائرته ورأس الفاء وتعريفها وعلى حكم نصف الدائرة
ونصف دائرة الطاء والكاف مع قائمته وحرف الدال والعين والزاي والضاد والواو والفلك الذي وجد
عنه حرف النار وجد عنه حرف الفاء والكاف والتاء والسين والزاي ورأس الجيم وجسد الياء وحرف ل
رأسها ووسط اللام وجسد القاف دون رأسه وعلى حقيقة الالف صدرت هذه الحروف كلها وهو فلكها
[illegible] وكذلك ثم وجود خامس هو اصل لهذه الاركان وفي هذا اختلاف بين اصحاب علم الطبائع
ذكره الحكيم في كتاب اسطقسات العالم بان شيئا يعطف النظر عنده فلم نعرف هذا الا من قراءة علم الطبائع
على اهله وانما وقع به عندي صاحب وهو في يده وكان مستعد بعلم الطب فسألته الا ان شاء لم يجبه
علمي بهذه الاشياء من جهة الكشف من جهة القراءة والنظر في القراءة علينا فوقفت على هذا الخلاف الذي
اشرت اليه فمن هناك علمته ولولا ذلك ما عرفت من خالف فيه اعدام لذلك تنزه ما عندنا فيه الا ان الحق وما عندنا
مخلف عن الحق تعالى الذي يأخذ العلوم بخلو القلب عن الفكر والاستعداد لقبول الوارد استمر الذي
يعطي الشيء على ما هو عليه من غير اجمال ولا حيرة لنعرف الحقائق على ما هي عليه سواء كانت الحقائق المفردات
او الحقائق التي ذاتية محدثات او تأليفات او الحقائق الالهية لا يمترى في شيء منها فمن هناك هو علمنا فالحق
سبحانه معلمنا على ورثة نبوية محفوظة معصومة من الخلل والاخذ لان مظهرها قال الله تعالى وما علمناه الشعر وما ينبغي
له محل الاجمال والرمز واللغز والتورية اي ما رمزنا له شيئا ولا لغزنا ولا خاطبناه بشيء ونحن نريد شيئا

آخر

١٧٤ آخر ولا احجب له الخطاب ان هو الا ذكر لما شهده من جذبناه وغيبناه عنه وحضرنا بنا عندنا ثم
ثم رددناه اليكم لتهتدوا به في ظلمات الجهل والكون فانزلناه عليه فذكر الجمره بما شهده فهو ذكر له بذلك
وقرآن اي جمع اشياء كان شهدها عندنا مبلغ ظاهر له لعله بحسب ما شهده وعاينه في ذلك التقريب الانزه
الاقدس الذي نال منه ص دون سواه من الخلائق فترصف والمد والتحقيق والتوقي فمن علم ان
الطبايع والعالم المركب منها في غاية الافتقار والاحتياج للانتقال في حقائقها وتأليفها علم ان
السبب هو حقايق الحضرة الالهية للاشياء الحسن والاوصاف الالهية بحسب ما تعطيه حقائقها وقد بينا
هذا الفصل على الاستيفاء في كتب الجداول والدوائر وسنذكر منها طرفا في هذا الكتاب فهذا هو سبب الكل
القديم الذي لم يزل يؤلف الامهات ويولد البنات فسبحانه سبحانه خالق الارض والسموات [illegible]
انتهى الكلام المطلوب في هذا الكتاب على الحروف من جهة المكتنف والمكتنفين وحظها منهم وحركتها في الافلاك
الستة المضعفة وعيينا سنين دورها في فلك الافلاك وحظها من الطبيعة وحركة تلك الافلاك
ومراتبها الاربعة في المكتنف والمكتنفين بحسب قسم العامة ولهذا كانت الافلاك بنقطها على نوعين فالتي نقط
التي يقتصر بها على علامة النقط على اربعة حروف هي التي على الافلاك السبعة وحروف الدرس
عن الثمانية وحروف الملك على التسعة وحروف الحق على العشرة وليس ثم قسم زائد عندهم لقصورهم عن
ادراكه لانهم تحت قهر عقولهم والمعقول تحت قهر سيدهم الملك الحق سبحانه وتعالى فلهذا عندهم من الكشف
ما ليس عند الغير فنقط المعقول على ستة مراتب مرتبة للكشف الحق فلها النون وهي ثنائية فان الحق
تعالى لا تعلمه الا من هو معبودنا ولا يعلم الا هو فلهذا كان له النون التي هي ثنائية فان طلب نقطها
اثنان الواو والالف فالالف له والواو للملك كما في الرحمن عز وجل الرحمن اذا انت الصفة ولهذا
الالف تام والواو منتزعة لها سنذكر ذكرها في فصول من دائرة فلك هذا الالف المضرجة التي بها يقطع
الفلك المحيط الكلي دورة جامعة يقطع الفلك الكلي في اثنين وثمانين الف سنة ويقطع فلك الواو

www.telasm.com

الفلك الكلي في عشرة الاف سنة على ما نذكرها بعد في هذا الباب عند كلامنا على الحروف مفردة وحقايقها ١٧٣
بعض من المراتب بعدد عدد المكلفين واما المرتبة الثانية فهو الانسان وهو احد المكلفين وجود ادمه وانه
خلق واقومه ولها حرف واحد وهو الميم وهي ثلاثية وذلك ان بسائط الباء والالف والهمزة وسيأتي ذكرها
في داخل الباب ان شاء الله واما المرتبة الثالثة فهي الجن مطلق النور والنارية وهي رباعية ولها من الحروف
الجيم والواو والهاء في الكاف وسيأتي ذكرها واما المرتبة الرابعة فهي للبهايم وهي خماسية ولها من الحروف
الدال اليابسة والزاي والصاد اليابسة والعين اليابسة والضاد المتوسطة والسين اليابسة والذال
والعين والشين وسيأتي ذكرها ان شاء الله واما المرتبة الخامسة فهي للنبات فهي سداسية ولها من الحروف
الالف والهاء والواو واللام وسيأتي ذكرها واما المرتبة السادسة فهي للجماد وهي سباعية ولها من الحروف الباء والياء
والكاف والباء والفاء والراء والتاء والثاء والخاء والطاء وسيأتي ذكرها ان شاء الله تعالى والنوع في
هذا الكتاب انظر رفيع ولو اوتيت رتبتي اسرار الحروف ولو تحققت الكلام على اسرار هذه الحروف وما تقتضيه حقايقها
لكلت اليمين وحفي القلم ونفد المداد وطاقة القراطيس والالواح ولكان الرق المنشور بما فيه من الكلمات التي
قال الله تعالى قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا وقال
تعالى ولو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم
[illegible] فمن تفطن لما اشرنا اليه في هذه الكلمات فلو كانت هذه العلوم نتيجة عن فكر ونظر لانحصر الانسان
في اقرب مدة ولكنها موارد الحق سبحانه تتوالى على خاطر العبد وارواح البررة تتنزل على قلبه من عالم غيبه
رحمة التي من عنده وعلمه الذي من لدنه والحق يمدنا بسناء النور ولم يخف على الاستمرار والملك قائم على التردد
فما يعقب الجهد وما يعقب العلم فان تعدد وتنوع وصف مرتبته وعلا ما حصل له ادواته على التردد فما يعقب
الجهد ويصحبه في اللفظ ما لا يقدر على تقييده في ازمنة لا تسع ذلك الفلك المعقول وضيق من هذا الفلك
المحسوس فكيف ينقضي ما لا نهاية له ولا غاية يقف عندها وقد صرح بذلك سيدنا في اسره لرسوله فقل رب زدني

على

www.telasm.com

علما والمراد بهذه الزيادة من العلم المتعلق بحضرة التوحيد لزيد معرفة بتوحيده فيزيد رغبة في تحميده
فيزداد فضله عليه من غير انتهاء ولا انقطاع فطلب من الزيادة وقد حصل من العلوم زيادة ولكن اسرار
ما لم يبلغه احد ومما يؤيد ما ذكرنا من انه امر بالزيادة من علم التوحيد لا غيره كان ﷺ اذا اكل طعاما
قال اللهم بارك لنا فيه واطعمنا خيرا منه واذا شرب لبنا قال اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه لانه امر بالزيادة
وكان يتذكر عند ما يشرب اللبن الذي شربه ليلة اسري به فقال له جبريل اصبت الفطرة اصاب الله بك
امتك والفطرة علم التوحيد الذي فطر الله الخلق عليه حين اشهدهم وقت ان جمعهم من ظهورهم
الست بربكم قالوا بلى فشهدوا الربوبية قبل كل شيء ولهذا تقول رؤيا اللبن كالشرب في النوم
تؤول بعضه علم حقيقة اولية قال العلم واللبن جامعهما ما دل عليه عرفانا من عرفانا وجهلها من جهلها فمن
كان يأخذ من الله عن نفسه كيف ينتهي كلامه فشتان بين مؤلف يقول حدثني فلان عن فلان
وبين ما يقول حدثني قلبي عن ربي وان كان هذا رفيع المقدار فشتان بينه وبين من يقول
حدثني ربي عن ربي اي حدثني ربي عن نفسه بارتفاع الوسائط وهذا هو العلم الذي يحصل للعقل من المنح
الذاتية الذي منه يفيض على السر والروح والنفس فمن بهذا من تحقيق يعرف منه به فقد يعرفه
حتى يعرف الله فلا وهو لا يعرف سوى من جميع وجوه المعرفة كذلك هذا لا يعرف قال العفيف لا يدري
اي هو فان مطلب الاكوان وللكون لهذا لما قيل ظهرت سلمى بحيث عدمت ثم فكان
على كل لا تمكث كنت هو في الحد قته الذي يجعلنا من اهل الالقاء والتلقي فنسأل الله ان يجعلنا
واياكم من اهل السعادة والرقي ثم ارجع واقول ان فضل الاوصاف المحمدية تزيد على اكثر من
خمسمائة فصل وقد فصل في الشكية في كتب الكلام حتى تستوفيه من كتب الحديث والآيات والله
فلنقتصر منها على ما لا بد من ذكره في هذه الكتب بحيث لا يبعد بالنظر مرتبها ما يليق بكتابنا هذا
وربما نتكلم على بعضها وبعد ذلك نذكرها وخاصة تكمل الوصف والله قال كلها ثم نتبعها بالبيان

من اسرار تقوم اللام بالالف ولزومه اياه واما السبب لهذا التعشق الزوجاني بينهما خاصة حتى ظهر

ذلك في عالم الخط والرقم فان في ارتباط اللام بالالف سرا لا يكشف الا لمن اقام الالف من بعد تعديتها

ووصل اللام عند عقدتها والله تعالى يرشدنا لعمل صالح يرضاه منه ذكر بعض مراتب الحروف اعلم وفقنا الله

واياك ان الحروف امة من الامم مخاطبون ومكلفون فيهم رسل من جنسهم ولهم اسماء من حيث هم

لا يعرف هذا الا اهل الكشف من اهل طريقتنا وان هذه الحروف افصح الخلق لسانا واعظمهم بيانا وهم

منقسمون بتقسيم العالم المعروف عند الخلق فمنهم عالم الجبروت الذي ذكره ابو طالب المكي وهو الالف

والهمزة ومنهم العالم الاعلى وهو عالم الملكوت وهو الهاء والحاء والعين والغين ومنهم العالم

الاوسط وهو عالم الجبروت عنده وعند اكثر اصحابنا وهم التاء والثاء والجيم والدال والذال

والراء والزاء والطاء والكاف واللام والنون والصاد والضاد والقاف والسين والشين

والياء الصحيحة ومنهم العالم الممتزج بين عالم الشهادة والعالم الاوسط وهو الفاء ومنهم عالم

الامتزاج بين عالم الجبروت الاوسط وبين عالم الملكوت وهو الكاف والقاف وهو امتزاج في

المرتبة وممازجهم في الصفة الروحانية الطاء والظاء والصاد والضاد ومنهم امتزاج بين

عالم الجبروت الاعظم وبين الملكوت وهو الهاء ومنهم العالم الذين يشبهون العالم منا الذين

لا يعقلون الا بجوانحهم [illegible] الواو والياء المعتلات فهذه عوالم

والكل عالم رسول من جنسهم ولهم شريعة يتعبدون بها ولهم لطائف وكثائف وعليهم من الخطاب

الالهي ليس عند هؤلاء ومنهم عامة وخاصة وخاصة الخاصة فالعامة منهم الجيم والضاد والخاء

والذال والغين والشين ومنهم خاصة الخاصة وهو الالف والياء والباء والسين والكاف

والطاء والقاف والتاء والواو والظاء والصاد والحاء والنون واللام والعين ومنهم

خاصة خاصة الخاصة وهو الباء ومنهم الخاصة التي فوق العلياء ويرجعه وهو حروف اوائل السور

٥م

www.telasm.com

١٧٦ كالم والمص وهي الالف واللام والميم والصاد والراي والباء والدال والراء والقاف
والطاء والباء والواو والهاء والظاء والطاء واللام والقاف والسين ومنهم الى لم
المرسل وهو الجيم والحاء والخاء والكاف ومنهم الى لم الذي متعلق بالكرة ومتعلق بالخلق
وهو الالف والدال والذال والزاي والواو وهو عالم التقديس من الحروف الكروبيين
العالم الذي غلب عليهم التخلق بصفات الحق وهو التاء والثاء والخاء والدال والزاي والطاء
والنون والضاد المعجمة والقاف والشين المعجمة والفاء وعند اهل الابوزر ومنهم
العالم الذي غلب عليه التحقق وهو الباء والفاء وعند اهل الكشف الراء والجيم ومنهم العالم الذي
قد تحقق بمقام الاشتراك وهو الالف والحاء والدال والراء والكاف والياء والميم والصاد
اليابسة والعين والسين اليابسة والهاء والواو الا انه اقول انهم على مقامين في
الاشتراك عال واعلى فالالف والكاف في العالي الالف والكاف والميم والعين والسين
والاعلى [illegible] ومنهم العالم الممتزج الطبايع وهو الجيم والهاء والياء واللام والفاء والقاف
والخاء والكاف خاصة ومن عوالم الحروف اربعة منهم مفرد وهو الالف والخاء والكاف
واللام والميم والنون والهاء ومنهم ثنائي مثل الدال والذال ومنهم الثلاثي مثل الجيم والخاء
ومنهم رباعي وهو الباء والتاء والثاء والياء فهذا قد قصصنا عليك من عوالم الحروف ما
ان استعملت بعض فتح الامور الموصلة الى كشف العوالم والاطلاع على حقايقه وبتحقيق قوله تعالى
وان من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم فلو كان تسبيح حال كما زعم بعض النظار
لم يكن فايدة في قوله ولكن لا تفقهون وصفت اليه [illegible] عليه وكنت قد ذكرت
انه حجاب الكثيف عنها فنظرت في هذه العوالم ما يمكن فيه بسط الكلام اكثر من غيره فوجدنا
العالم المختص بهو عالم اهل السور المجهول مثل الم البقرة والمص والمراوين واخواتها فكلم

www.telasm.com

www.telasm.com

على الم البقرة التي هي أول سورة مبهمة في القرآن كلاماً مختصراً من طريق الأسرار وربما ألحق بها الآيات
التي تليها وإن كان ذلك ليس من الباب ولكن حقيقته عن أمر ربي الذي عاهدته فلا تحكم إلا على كلام
المؤلف حين تقف عند ما يدل فإن تأليف هذا وغيره لا يجري مجرى التآليف ولا نجري
فيه مجرى المؤلفين فإن كل مؤلف إنما هو تحت اختياره أو تحت العلم الذي يبثه خاصة فيلقي ما يشاء
ويمسك ما يشاء أو يلقي ما يعطيه العلم وتحكم عليه المسألة التي هو بصددها حتى تبرز حقيقتها ونحن في
تواليفنا لسنا كذلك إنما هي قلوب عاكفة على باب الحضرة الإلهية مراقبة لما ينفتح له الباب فقيرة
خالية من كل علم لو سئلت في ذلك المقام عن شيء ما سمعت لفقدها حسها فمهما برز لها من
وراء الستر أمر ما بادرت لامتثاله وألفته على حسب ما حد لها من الأمر فقد يلقى الشيء إلى ما ليس من
جنسه في العادة وما يعطيه العلم الظاهر والمناسبة الظاهرة للعلماء ولمناسبة خفية لا يشعر بها إلا أهل الكشف
بل ثم ما هو أغرب عندنا أن يلقى إلى القلب أشياء يؤمر بإيصالها وهو لا يعلمها في ذلك الوقت
لحكمة إلهية غابت عن الخلق فلهذا لا يتقيد كل شخص يؤلف عن الإلقاء بعلم ذلك الباب الذي يتكلم
عليه ولكن يدرج في غيره في علم السامع العادي على حسب ما يلقى إليه ولكن هو عندنا قطعاً من نفس ذلك
الباب بعينه لكن بوجه لا يعرفه غيرنا مثل الحمامة والغراب اللذين اجتمعا وتآلفا للعرج قام بكل
واحد منهما وقد أذن لي في تقييد ما ألقيته بعد هذا فلنبدأ بعون الله وصل فأقول الكلام
على هذه الحروف المجهولة المختصة على عدد حروفها بالتكرار وعلى ضبطها في السور وعلى أفرادها
حم ن ق وتثنيتها في طس حم وتثليثها وجمعها في ثلاثة وخمسة عدداً ولم تبلغ خمسة ووقف
ولم تبلغ أكثر ولم وصل بعضها وقطع بعضها ولم كانت السور بالتسعين ولم يكن بالأفراد ولم
جهل معنى هذه الحروف عند علماء الظاهر وعند كشف أهل الأحوال إلى غير ذلك مما ذكرناه في
كتاب الجمع والتفصيل في معرفة معاني التنزيل فلنقل إلا أهل الصور المعقولة ثم جعل

www.telasm.com

www.telasm.com

١٧٨ سيد القرآن السين وهو التصعيد الشرعي وهو ظاهر الصورة الذي فيه العذاب وفيه يقع الكشف لما

وباطنه الصفاء وهو مقام الرحمة وهو العلم بحقائقها وهو التوحيد فهذا تبارك وتعالى تسع وعشرين

سورة وهو كمال الصورة والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالتاسع والعشرون القطب الذي به قوام الفلك

وهو سورة آل عمران ولولا ذلك ما ثبتت التسعة والعشرون وجملتها على تكرار الحروف ثمانية وسبعون

حرفا فالثمانية حقيقة البضع قال عليه السلام الإيمان بضع وسبعون بابا وهذه الحروف ثمانية وسبعون

حرفا فلا يكمل عبد أسرار الإيمان حتى يعلم حقائق هذه الحروف في سورها فإن قلت إن البضع مجهول

في اللغة فإنه من واحد إلى تسعة فمن أين قطعت بالثمانية عليه فإن شئت أخذت ذلك من طريق

الكشف من باب العدد وإن كان أبو الحكم ابن برجان لم يذكره من كتابه من هذا الباب الذي نذكره وإنما ذكره من جهة

علم الفلك وجعله سترا على كشفه حين قطع بفتح بيت المقدس سنة ثلاث وثمانين وخمسمائة فلذلك

إن شئت نحن كشفنا وإن شئت حساب العدد على ذلك حاضرا فنقول إن البضع ثمانية في سورة

الروم وخذ عدد حروف الم بالجزم الصغير فيجتمع لك ثمانية التي هي محسوبة بالجمل الصغير وتقرنها فيما

اجتمع لك من عدد حروف الم بالجزم الكبير وهو واحد وسبعون واجعل ذلك كله سنين فاضرب ثمانية تخرج

لك عدد الضرب خمسمائة وثمانية وستون سنة تضيف إليها الخمسة عشر التي أبرزتها ترفعها

عندك فتصير ثلاثا وثمانين سنة وخمسمائة سنة وهو زمان فتح بيت المقدس على قراءة من قرأ غلبت

بفتح الغين واللام سيغلبون بضم الياء وفتح اللام وهذا كان زمان ظهور المسلمين في جهدهم وإنما

علم العدد من طريق الكشف أسرار عجيبة من طريق ما تقتضيه طبيعته ومن طريق ما تعطي الحقائق الإلهية وإذا

حال بناء المعرفة في المعرفة العددية [illegible] الأماكن بسببه فنقول فلا يكمل عبد

الأسرار التي تتضمنها شعب الإيمان إلا إذا علم حقائق هذه الحروف بحسب تكرارها في السور كما أنه

إذا علمها من غير تكرار علم تنبيه الله فيها على حقيقة الإيجاد وتفرد القديم سبحانه بصفات الأزلية قال

www.telasm.com

في قرآنه اربعة عشر حرفا مفردة مبهمة فجعل آية الثمانية لمعرفة ذات عشر موجودة وهذا ايضا
الذي ... هذا الفلك آخر يتركب من احد عشر ومن عشرة ومن تسعة ومن ثمانية حتى لا افلاك الى اثنين
ولا يتحلل الى الاحدية ابدا فانه متى انفرد لحق فلا يكون الموجود الا هو ثم انه سبحانه
جعل اول الالف في الخط والهمزة في اللفظ وآخرها النون فالالف لوجود الذات على كمالها
لانها غير مفتقرة الى حركة والنون لوجود الشطر من العالم وهو عالم التركيب وذلك نصف الدائرة
الظاهرة لنا من الفلك والنصف الآخر النون المعقولة عليها التي لو ظهرت للحس وانتقلت من عالم
الروح لكانت دائرة محيطة ولكن اخفى هذه النون الروحانية التي بها كمال الوجود وجعلت نقطة
النون المحسوسة دالة عليها فالالف كاملة من جميع وجوهها والنون ناقصة والشمس كاملة
والقمر ناقص لانه صفة محو فصفة ضوءه معار وهي الامانة التي حملها وعلى قدر محوه واسراره
واثباته وظهوره ثلاثة لثلاثة غروب قمر القلب الالهي من الحضرة الالهية وثلاثة طلوع القمر الالهي
من الحضرات الربانية وما بينهما في الخروج والرجوع قدم بقدم لا يختل ابدا ثم جعل سبحانه
هذه الحروف على مراتب منها موصول ومنها مقطوع ومنها مفرد ومثنى ومجموع ثم نبه ان في
كل وصل قطعا وليس في كل قطع وصل فكل وصل يدل على فصل وليس كل فصل يدل على وصل
فالوصل والفصل في جمع وغير الجمع والفصل وحده في عين الفرق فما افرد من هذه الاشياء
ولم يثن فالاشارة الى رسم العبد اذ لا دمان له فاشارة الى وجود رسم العبودية ابدا وما جمع فاشارة
الى الابد والموارد التي لا تتناهى فالاول للعالم الابدي والمثنى للبرزخ المحمدي الذي هو مرج البحرين
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فباي آلاء ربكما تكذبان هذا البحر الذي جعله فوق عرش الاعلى
وما البحر الذي تحت عرشه ومستواه فالاكوان واما البرزخ الذي عليه استوى الرحمن فباي آلاء ربكما تكذبان
يخرج من بحر الازل اللؤلؤ ومن بحر الابد المرجان فباي آلاء ربكما تكذبان وله الجوار الروحانية

www.telasm.com

١٨٠ المنشآت من الحقائق الانسانية في الحوادث الاقدس كالاسلام في الاله فكما تكون ان نسبته الى الملأ العلوي في علوه

وقدرته والعالم السفلي وتحته كل خطرة في شأن بقاء في بقاء فكما تكون ان تستفرغ لكم ايها الثقلان فبأي آلاء ربكما

تكذبان فمكنه الوعيد القران ما يختلف ثمان والآخر خمسون ولا تنسوا حظ ان عشر داياكم ولا تحزنوا عن ذاتكم فان كل

ولا تنسوا الى صفاتكم فانه هو اسم العالم من فعلكم وتدبركم كالنسخة الحقيقية لكم يسخركم وهو الذي خلق قال الله تعالى وهو الذي سخر لكم

ما في السموات والارض جميعا والله يرشدنا واياكم الى الخير صحيحا وسعادتنا في الدنيا والآخرة انه ولي كريم

تفصيل والالف من الم اشارة للالوهية والميم اشارة للملك الذي لا يبيد واللام فيهما واسطة

لكون لها رابطة في نظر الى السطر الذي يقع عليه الخط اللام فتجد الالف له مستهل صلها وتجد الميم منه يبتدي

او لها من حس تقسيم وهو موضع السطر الا اصل الخفي وهو من توقف الميم في نزول الالف الى السطر وقد نزل منها لا الا

الدنيا وهو اول عالم التركيب ففيه ملك الى نزل الى السطر فنسبته من مقام الوحدانية لا مقام ايجاد العالم من نزول

تقديس وتنزيه لا نزول تمثيل وتشبيه وكانت اللام واسطة وهي الخشبة منه بالكلمات والكون في القدرة التي عنها

وجد العالم واشبهت اللام الالف في النزول الى اول ولما كانت منزهة من الكون والكون لا يدنيه سبحانه لا تقع على القدرة

على نفسه وانما تقع على القدرة مع ضعفه حتى وجد القدرة معروفا للخلق ولا تخرج بتقلبها بهم علوا وسفلا

فلما كانت حقيقتها لا تتم الا بالوصول الى السطر فتكون هي والالف على رتبة واحدة وطلبت بحقيقتها النزول كنت السطر

كما نزل الميم لا ايجاد الميم ولم يمكن ان ينزل على صورة الميم لكن لا تبعد عنها ابدا الا بالميم فنزلت نصف

دائرة من تحت الى اول السطر عن حيز الجهة التي نزلت عنها نصف رتبة نصف فلك محسوس يطلب نصف دائرة من

جهة فوق فلك معقول فكان منهما فلك دائر فكوّن العالم آخذا لامر في ستة ايام من بعد اول يوم الاحد

الى يوم الجمعة وبقي يوم السبت ثابتا لانه نقلة من مقام الى مقام ومن حال الى حال والاستقلال من كون الى كون وجرى عليه

الاعيان من ذلك فلك محيط من دائره جميع الانفاس المقامات والاحوال والمعقولات فخرقه الم هذه الحقيقة

والكشف عن هذه الحقيقة فلكل الحقائق [illegible] في ذلك اشهد لكل منه يعلم علم فنزل الالف [illegible] مراتب

www.telasm.com

www.telasm.com

بما يدل على ان الصفات لا تصف الا بالاثار كما قال كان قد تلاشى عند ابو معاصيه كان نحو هذا امر في الاثر الى ما يعقب لا الى ذاته المنزهة فان الاثر لا تعقل ابدا الا بالمتضاف اليه فان الاثر لا يعقب الا به وحده لو تقدير عن ذلك الملك ولكن وان ربي والمصور وجميع الاشياء التي تطلب الاسم لحقايقها وموضع التسمية من وصفهم عليهم وقد قال القلم الذي هو نفخة بالميم الذي هو اثر ما وصفه في الالف ذات واحدة لا يصح فيها انفصال شيء من الحروف اذا وقعت او لا في الطا في الصراط المستقيم التنزيه والتوحيد فلما تم عنده ذلك تاره بالذي امرت بالرجوع اليه في ليلة القدر فتم سحابة نفسه عندها ودخل فاظهر الالف من الكم عنده الاسلام فيه فعن الكن لانه غيب من عالم الملكوت عن وافق تا ثيره تا بين من الملائكة في الغيب المحقق الذي يسمونه العوالم من العقل الاسلامي وتسميه الصوفية الصور وتسميه المعقول القصه وهي سماها الغيبية ولما كانت متحدة في عالم الملكوت والشهادة ظهرت فوقع الفرق بين القديم والمحدث فانظر بخيط مطرها ترى عجبا ومما يؤيد ما ذكرنا من حجب الصفة المعنوية الميم والميم من الالف فان قال صرف وجدنا الالف خط طه والنطق بالهمزة دون الالف فانه لا ينطق بالالف فنقول وهذا البحث نقعده ما فان الالف لا تقبل الحركة فان الحرف مجهول عالم الحركة فان حرك تميز بالحركة التي تعلق بها من رفع ونصب وخفض والالف لا تقبل ابدا ما هي عليه فالالف الدال عليه هو في عالم الحروف حقيقته كالهيولى في العالم الجسماني كالالف لا تقبل الحركة فما لم تقبل لم تبق الالف من حرف من طلب سبب الالف عنه وما لم يكن النطق به الا كسب بتحرك نطقت بالكلام للالف فنطقت بالهمزة بحركة الفتحة وقعت الهمزة مقام المبدع الاول وحركة صفة الفعلية وهذا الاله في مقابل الكاف والنون فان قيل وجدنا الالف التي في الكلام منطوق بها ولم تجدها في الالف فقد صدقت الا انه المطلق بها الا بتحرك فليها موصولة بها وانما كلامنا في الالف المقطوعة التي تقدم ذكرها أي تظهر نطقها حتى الالف انما الموصول فهذا ان الفاء بين ميم اني وبين اللام الموشون موجودة ان خطها غير ملفوظ بها نطق وانما الالف الموصولة التي تقع بعد الحروف من حيث ملامحها وشبهها حتى لولا خط بها كان المدلول عن هذه الحروف عندها وهو سر الاستمداد الذي وقع من بعد الصفات في محل الحرف ولهذا لا يكون للمد الا بالحرف فان الكاف الحرف الالف من اسم الاعظم

www.telasm.com

١٨٢ رجوع الحروف المصمتة وأما الحروف المصمتة فتفتقر إلى الصفة الرحمانية وأعطيت حركة النصب التي هي الفتح لما علا

طلب منه الشكر عليها فقال وكيف يكمل الشكر عليها قبل أن يعلمه الشيء بأن وجوده وجعلك لم يكن سبقت وإنما

كان في ذات القديم تعالى فاذكره عنه ذكرك لنفسك فقد حجبك بصفة الرحمة خاصة ولذا جعلها وسنة أي لأن الله خلق آدم على صورة

الرحمن فنطقت بالشكر على صحته فقالت لام يا ما فاظهرت نطق بعض لأن الألف التي في حركة جسم وكان موجودة

نطقت خفية بسقط الدلالة الصفة عليها وهي الفتح صفة تتبع الحروف أن تقال وكذلك بعد الملحق الواو المضموم ما قبلها والياء

المكسور ما قبلها حرف لين فلذلك حرف خفيف يكتفي بها أو ما تم الأذنت وحده فنقول نعم أما المد الموجود في الواو المضموم ما

قبلها مثل من الحكم والياء المكسور ما قبلها في مثل الذي وعكس حياة الميم جسم فمن حيث أن الله تعالى جعلها حرف علة تستدعي

معلولها بحقيقتها وإذا استدعت في ذلك فلا بد من كسر سبحانه يقع الاستمداد لوجه والاستمداد فلهذا أعطيت المد وذلك

لما أودع الرسول الحكيم الحد لو لم يكن بينه وبين الملحق الذي نسبتها ما شيء لكنه يحجز عنه ذلك فيما هي لسر الحق وحق ما أوادنه

ولحظة معنوي هو الرفع بسطل الحق وهو باب الحي أو حصر بعضه بالتجلي الحكمي التي هي جبريل كان أو نسه وأما أودع الرسول الله

ما أودع من أسرار التوحيد الشرايع بجمل سر الاستمداد والإمداد لوالدين حده عالم التركيب يحجز عنه سر الاستمداد ولذلك قال

ما أدري ما يفعل بي ولا بكم وقال إنما أنا بشر مثلكم فلما كان موجوداً في العالم اللطيف عالم الجسم والتركيب على هذه الياء المكسور ما

قبلها وهي في وجه اللطف فلما كان بعلمي لوجه أسرار الإلهية من توحيد وتشريع وهب سر الاستمداد فلهذا الكسر ما

وأما الفرق الذي بينهما وبين الألف فإن الواو والياء قد يسبقان بغير هذا المقام فيكونان بجميع الحركات كقولك وعد

ويوذي ودلو الأدماء برضون بغيره الحركة وقد يكونان الكون الحي كقولك هو يبيت ويبنون وشبههما والألف

لا تحرك أبداً ولا يوجد ما قبلها إلا مفتوحاً فإذا الذي بين الألف وبين الواو والياء فإن ذلك يتعلقها وفي صفاتها

وهي الحقيقة بالألف في الحقيقة فلذلك ليس في ذاته وإنما ذلك من جانب القديم سبحانه لا يحتمل الحركة ولا يقبلها وذلك

من صفة المقيم وحقيقته التي زينت بالواو والياء وهو كان كانت أو لا مسكنتين فيما ما تأن فإذا اثبت هذا ..

الف أو واو أو ياء انفتحت وحصل النطق بها فإذا هي دليل وكل دليل محدث مستدعى محدثاً والمحدث لا كثيره

www.telasm.com

وهذا سبب حصول [illegible] نقطة [illegible] والغلق [illegible]

العلم بوجوده التي لا نهاية له [illegible] لا نهاية له وعلم [illegible]

[illegible] الكرسي محيط والعرش [illegible]

شعر [illegible] ارجع [illegible] الحق فالتزم ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورا

من رجعوا [illegible] فضرب بينهم بسور [illegible] ارجعوا وراءكم [illegible]

[illegible] فضرب بينهم بسور [illegible]

[illegible] الوزير [illegible] وهذا هو الفرق [illegible]

[illegible] والميم ذات [illegible]

أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى الى قوله محيط بالكافرين قال الحكيم

خاصية هذه الآيات هلاك العدو وحيرته والقياس امره عليه الى ان يعفى

ولا يخفى ان عمدة الحروف التي يحصل منه تركيب حروف [illegible] الالف واللام والنون والياء والواو

والميم والعين والكاف [illegible] ولا يخفى ان لكل واحد منها جهة وحدة واجمال وهي جهة ربه ونظره لا مبدئه وجهة

كثرة وتفصيل وهي جهة نفسه ونظره الى نفسه وجهة الاولى هي المنشأ لكل خير وكمال والثانية هي منشأ لكل نقص

وسفل ولا ريب ان كل ما كان جهة وحدته اكثر وحدوده اقل هو اقرب الى المبدء والكمال وكل ما كان جهات

كثرته اكثر وجهة وحدته اقل كان ابعد من مبدئه وانقص واما الالف فهو على اربعة اقسام لينية ومتحركة

ومبسوطة ومراكزة والاول حصلت من حركة النقطة وتنزلها لتعين معلوم وانه في مظهر الاول [illegible]

بالنسبة الى الوجود وهو المتعقب في الصدر والمتدلج بين يدي المدلج ومنه تولدت الحروف كلها [illegible]

المنكحة بينه وبين اللينية [illegible] كتاب الله [illegible] فاول حرف تولدت منها هو الآية التي حصلت في

اسفل وهي الالف المبسوطة وهي التي قال ظهرت الموجودات من باء بسم الله الرحمن الرحيم

واما النقطة

www.telasm.com

www.telasm.com

 وانانقطة باء بسم الله قال امير المؤمنين عليه السلام اشارة لطيفة لاهل الكمال .

سورة الفاتحة قال الحكيم الفاضل التميمي ان في هذه السورة الف خاصية ظاهرة والف خاصية باطنة ثم ذكر من ذلك الخواص عجائبا وغرائبا فمما اختاره واختصر عليه اقرب مأخذه ان في هذه السورة المباركة تبرئ الاسقام والالام وتعجل به العافية اذا املاها المريض في حينه او تليت عليه ويمسح بها جميع بدنه مرة واحدة وعلى موضع الوجع ثلاث مرات وقل : اللهم اشف فانت الشافي ، اللهم اكف فانت الكافي اللهم عاف فانت المعافي فانه تبرئ المريض باذن الله مالم يحضر اجله واذا كتب في اناء طاهر ومحيت بماء طاهر ومسح المريض بها وجهه عوفي باذن الله تعالى واذا شرب من هذا الماء من يجد في قلبه تقلبا او سكا او ريحا ليسكن باذن الله ثم ويزول عنه المه واذا كتب بمسك في اناء زجاج ثم محيت بماء ورد وشرب ذلك الماء البليد الذهن الذي لا يحفظ مدة سبعة ايام متوالية على الريق زالت بلادته وحفظ ما سمع واذا كتب يوم الجمعة في الساعة الاولى في اناء ذهب او حديد بمسك وكافور بقلم ذهب ومحيت بماء ورد وجعل ذلك الماء في قارورة ومسح وجهه من دخل على السلطان او من يخاف من عدوه مال القبول والهيبة والمحبة . تمت بعون الله تعالى

این عکس زیرش کرم نشانت الهی دوست
انجام امیدی کنت عنایت الهی دوست
دیگر اثرهای سلف بردم رنج
با شیخ بزرگان تمام الهی دوست



گر ساده علی ابن امیری گمراهی
در ساده علی حیدری صاحب جاهی
از ساده صفیر علم بازنا ابا
گر کشف دعوت الهی

در دام گناه سخت در بندم ایدوست
در دست خداست چون وچندم ایدوست
با حمد زراه صدق یاد آر مرا
بر فاتحه بس نیازمندم ایدوست

www.telasm.com